

رشده آموزش زبان
Roshd
Foreign Language Teaching Journal

The Foreign Language Teaching Journal

Foreign languages open doors to new horizon .
Fremdsprachen öffnen zu neuen Horizonten.
Les langues étrangères vous ouvrent de nouveaux horizons.

سال یازدهم - بهار ۱۳۷۴ - شماره ۴۰ - بهار ۱۰۰۰ ریال



سال دهم - بهار ۱۳۷۴ - شماره مسلسل ۴۰
 نشریه گروه زبانهای خارجی دفتر برنامه ریزی و
 تألیف کتب درسی، تلفن ۴ - ۸۳۹۲۶۱ داخلی (۳۱۰)

مجله رشد آموزش زبان سه شماره در سال به منظور اعتلای دانش دبیران و دانشجویان دانشگاهها و مراکز تربیت معلم و سایر دانش بزرگان در این رشته منتشر می شود. جهت ارتقاء کیفی آن نظرات ارزنده خود را به صندوق پستی تهران ۳۶۳ - ۱۵۸۵۵ ارسال فرمایید.

سر دبیر: سید اکبر مر حسینی

مدیر داخلی: شهلا زارعی نستانک

مسئول هماهنگی و تولید: فتح الله فروغی

تولید: دفتر چاپ و توزیع کتب درسی

صفحه آرا: ندا ظریفیان صنعتکار

ناظر چاپ: محمد کسمیری

✽ آرا و نظریات ابراز شده در مقالات، صرفاً متعلق به نویسندگان یا نویسندگان محترم آنهاست و چاپ آن در این مجله لزوماً به معنی تأیید همه دیدگاهها از سوی مجله نیست.

✽ هیئت تحریریه مجله در قبول یا رد مطالب و تلخیص و ویرایش متن مقالات مجاز می باشد.

✽ مقالات ارسالی مسترد نمی شود.

✽ نقل مطالب بدون ذکر مأخذ مجاز نیست.

✽ مقاله ترجمه شده با نسخه ای از متن اصلی همراه باشد.

✽ اطلاعات کتابشناسی در انتها به ترتیب حروف الفبا و با ذکر نام خانوادگی و نام مؤلف، منبع، محل نشر، ناشر و تاریخ نشر به تفکیک فارسی و انگلیسی تنظیم نمود.

✽ اسامی افراد در صورت نیاز در متن و در داخل برانتز به زبان اصلی نوشته شوند.

✽ مقالات قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.

کاربرد اصطلاحات در زبان انگلیسی

۴ دکتر پرویز بیرجندی

مروری بر نظریه های یادگیری بخش دوم

۸ دکتر سید اکبر میرحسینی

عامل سن و فراگیری زبان بیگانه

۱۳ رضا مبشرنیا

یک لحظه تأمل کن!

۱۷ دکتر حسین ونوقی

اخبار گروه زبانهای خارجی

۲۵ گروه کارشناسی زبانهای خارجی

۲۷ معرفی کتاب
 پاسخ به نامه ها

۲۸ محمد رضا عنانی

تجزیه و تحلیل چند نمونه از سوالات درس زبان انگلیسی کلاسهای

چهارم ریاضی دبیرستان سراسر کشور در خرداد ماه ۱۳۷۳

۳۰ حبیب... کسمیری

آزمون های تستی زبان و سنجش معلومات دانش آموز

۳۳ دکتر زاله کهنمویی بور

بیش بینی آموزش از جمله زبانهای خارجی در سال ۲۰۰۰

۳۶ دکتر لوسی شهیدی

L'enseignement du français dans les cours
 pré - uni versitaires.

38 M. Kaspar Dehghan

E. Mahdavi

Eine Einführung in die Grundbegriffe der
 Übersetzung,

44 Mohammad Haddadi

The Other Round

54 A. Paurkhaghan

American English

56 Dr. Ghasdem kabiry

دیران، دوستان و همکاران گرامی

تعمیرات و بر نامه ریز در خانه ها

و اجاره تعمیر پیچیده هر طبقه

کلاس:

شماره:

علیرغم میل خودمان بوده است و از شما بوزش می طلبیم. درعین حال باید بگویم که با توجه به افزایش بهای جهانی کاغذ و نیز بالا رفتن هزینه های تولید تن به قبول این افزایش دادیم چرا که در غیر اینصورت مجلات برای همیشه تعطیل می شد و این چیزی است که قطعاً مورد رضایت شما و ما نبوده و نیست، امید است این افزایش قیمت بر شما گران نیاید و همچنان علاقمند به «رشد» باقی بمانید.

۵- مجله رشد آموزش زمین شناسی به سبب قلت تیراژ و نیز به علت این که جای نسبتاً کمی را در برنامه دبیرستانها به خود اختصاص داده است، دیگر منتشر نخواهد شد. علاقمندان می توانند مباحث و مقالات زمین شناسی را - بطور محدود - در مجله رشد آموزش جغرافیا مطالعه نمایند.

۶- مجله رشد آموزش راهنمایی که در دو سال گذشته برای مدارس راهنمایی سراسر کشور به رایگان ارسال می شد از این پس در امر توزیع و فروش مشمول قاعده سایر مجلات خواهد بود.

۷- چون توزیع مجلات به دفتر انتشارات کمک آموزشی واگذار شده است و آن دفتر به علت پاره ای مشکلات از پذیرش مشترک (آبومانی) و ارسال تک شماره برای افراد معذور است علاقمندان باید مجله را از طریق ادارات آموزش و پرورش محل خدمت خود مشترک شوند و یا از نمایندگیهای انتشارات مدرسه در مناطق و شهرستانها تهیه کنند.

۸- نوشته ها، مقالات، نقدها، پیشنهادها و نظرات خود را به آدرس: تهران- خیابان ایرانشهر شمالی- سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی- هیئت تحریریه مربوطه ارسال فرمایید.

دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی

ارسال پیشنهادها و نظرات خود برای هیئتهای تحریریه دریغ نورزید و بدانید که تنها با برقراری ارتباط میان «شما» و «مجله» است که بر غنای آن افزوده خواهد شد. در همینجا لازم می دانیم از همه کسانی که در گذشته این ارتباط را با ما برقرار و آن را حفظ کردند صمیمانه تشکر کنیم.

۲- می دانید که این مجلات به انگیزه ارتقا بخشیدن به کیفیت آموزشی در کشور، پایه گذاری و تا امروز منتشر شده است و به همین سبب نیز هست که واژه «آموزش» به صورت جزئی از عنوان و نام هر یک از مجلات رشد تخصصی درآمده است. در واقع انتظار این بوده و هست که هر مجله رشد تخصصی در هر رشته ای که هست، منعکس کننده سیمای «آموزش» آن رشته در کشور باشد. باید اذعان کنیم که ما در رسیدن به این هدف آنچنانکه خواسته ایم کامیاب نبوده ایم و مجلات از این بابت کاستیهایی دارد. البته می دانیم - و اهل نظر نیز به ما گفته اند - که نیل به چنین هدفی در کشور ما که در رشته آموزش علم و برنامه ریزی آموزشی چندان پرسابقه نیست با مشکلاتی همراه است. با اینحال سؤال می کنیم: پیشنهاد و نظر شما دیران و استادان چیست؟

۳- از دو سال قبل تاکنون اداره کل آموزشهای ضمن خدمت، مجلات رشد تخصصی را جزء منابع آموزشی خود قرار داده است و هر ساله از آنها در دوره های غیر حضوری خود، امتحان به عمل می آورد. ما این اقدام شایسته را ارج می نهیم و امیدواریم بتواند به ایجاد ارتباط بیشتر میان دیران و مجلات رشد بینجامد.

۴- درباره افزایش بهای مجله به میزان قابل توجه (یکصد تومان) باید با تأسف عرض کنیم که این

می دانید که از اوایل سال گذشته تاکنون، یعنی حدود یک سال، در انتشار مجلات رشد تخصصی و از جمله همین مجله ای که در دست دارید وقفه ایجاد شد و ارتباط سالم و سازنده ای که از سالیان پیش به وسیله این مجلات میان ما و شما برقرار شده بود متأسفانه به سردی گرایید، اگرچه خوشبختانه خاموش نشد. اکنون با سپاس و تشکر از علاقمندانی که در این مدت نگران عدم انتشار مجلات بودند و این نگرانی را طی نامه ها و تلفنهای مکرر با ما درمیان می گذاشتند، و نیز با تشکر از اعضای هیئتهای تحریریه که در این سالها همواره یار و مددکار ما بوده و از این پس نیز خواهند بود، با خرسندی اعلام می داریم که بار دیگر «رشد» های تخصصی به میان شما آمده است و به یاری خدا یکی پس از دیگری در اختیار علاقمندان بویژه دیران، دانشجویان، مدرسان و استادان دانشگاهها قرار خواهد گرفت، ضمن اینکه با توجه به توقف یکساله و تغییراتی که در تولید و توزیع مجلات بوجود آمده است، لازم می دانیم نکته هایی را به اطلاع شما برسانیم:

۱- هدف از انتشار مجلات آموزشی رشد تخصصی از ابتدا و همواره اعتلا بخشیدن به دانش دیران و دانشجویان دانشگاهها و مراکز تربیت معلم و دیگر دانش پژوهان بوده است. این هدف را ما همچنان دنبال می کنیم و سعیمان بر آن است که هر شماره از مجله نسبت به شماره پیش از خود پربارتر و برای خوانندگانش رهگشتر باشد. اما باید دانست که تحقق بخشیدن به این هدف برای «دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی» به میزان زیادی در گرو اظهار نظرها، پیشنهادها و تجربه های شما در تدریس و بحث و تحقیق و همچنین بررسی انتقادی شما از محتوای مجلات است. بنابراین استدعا داریم از انعکاس دیدگاهها و

کاربرد اصطلاحات

در زبان انگلیسی

دکتر پرویز بیرجندی - دانشگاه علامه طباطبائی

کلمات **Spill** و **beans** ندارد. در اغلب موارد زبان‌آموزان به معنای تک‌تک واژه‌ها توجه می‌کنند. و به نتیجه نادرستی می‌رسند.

یکی دیگر از علل ناموفق بودن زبان‌آموزان در بکارگیری صحیح و به موقع اصطلاحات زبان از آنجا ناشی می‌شود که در بیشتر متونی که برای تمرین و افزایش مهارت خواندن زبان‌آموزان تهیه می‌گردد کمتر از اصطلاحات زبان استفاده می‌شود. همچنین بررسی دقیق گفتار اهل زبان به هنگام گفتگو با زبان‌آموزان نشانگر این واقعیت است که گویشورهای زبان خارجی سعی در پرهیز از بکارگیری اصطلاحات دارند و به دیگر سخن از نوعی زبان کنترل شده به هنگام گفتگو با زبان‌آموزان استفاده می‌کنند. این امر موجب می‌گردد که زبان‌آموزان نتوانند در برقراری ارتباط و برخورد با اهل زبان بطور جدی و فعال با اصطلاحات درگیر شوند.

اصطلاحات زبان بطور گسترده‌ای در فیلمنامه‌ها، سخنرانیها و مصاحبه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. در نتیجه برای درک صحیح و سریع یک فیلم یا مصاحبه و ... باید با اصطلاحات زبان آشنایی کافی داشت. لازم به یادآوری است این نوع آشنایی صرفاً جنبه انفعالی دارد و نمی‌توان انتظار داشت که زبان‌آموز هنگام ارتباط با دیگران بتواند بطور فعال از دانسته‌های خود استفاده کند. کسب مهارت لازم در بکارگیری صحیح و به جای اصطلاحات از طریق کاربرد مداوم این ترکیبات زبانی در گفتار و نوشتار حاصل می‌گردد.

اصطلاح چیست؟

تعاریف مختلفی برای واژه **idiom** در فرهنگها پیشنهاد شده است. یکی از روشهای مقبول در تعریف «اصطلاح» پیچیدگی تعبیر و تفسیر اصطلاح با توجه به اجزاء تشکیل دهنده آن می‌باشد. برای نمونه، تعریف زیر، این مطلب را به خوبی نشان می‌دهد:

کاربرد اصطلاحات در زبان انگلیسی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. اکثر زبان‌آموزان ترجیح می‌دهند به هنگام صحبت از به کارگیری اصطلاحات بپرهیزند. علت اصلی این امر همانا مشکلات و پیچیدگی‌های موجود در فراگیری این اصطلاحات است. معمولاً دانشجویان زبان در درسهای مختلف و متون درسی مربوطه، با اصطلاحات زبان روبرو می‌شوند، و از آنجائی که اغلب موفق به فراگیری دقیق اصطلاحات نمی‌شوند از کاربرد آنها در نوشتن یا صحبت خودداری می‌کنند. در مواردی هم اشکال ناشی از مشابهت بخشی از اصطلاحات زبان دوم با زبان اول است. این نوع تداخلهای زبانی بازدارنده هستند. اما در مواردی که اصطلاحی در زبان دوم و زبان اول دقیقاً مشابه باشد، انتقال اطلاعات از زبان اول به زبان دوم به درستی صورت می‌گیرد و اصطلاح بدون هیچ مشکلی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. بی‌گمان آشنایی با اصطلاحات یک زبان و توانایی به کارگیری آنها در زمان مناسب نشانه تسلط زبان‌آموز به زبان دوم (خارجی) می‌باشد. در زبان انگلیسی اصطلاحات کاربرد بسیار گسترده‌ای دارند و استفاده از این ترکیبات زبانی در نوشتار و گفتار اجتناب‌ناپذیر است. لذا، برای فراگیری موفقیت‌آمیز زبان باید به اصطلاحات زبان تسلط کامل داشت.

فراگیری اصطلاحات

بحث پیرامون پیچیدگی فراگیری اصطلاحات زبان بسیار مفصل است اما به طور خلاصه باید گفت که یکی از مشکلات زبان‌آموزان در فراگیری اصطلاحات را باید در تفاوت معنی و مفهوم یک اصطلاح با معنی واژه‌های تشکیل دهنده آن جست. برای نمونه در اصطلاح "Spill the beans" معنی و مفهوم اصطلاح به هیچ وجه ارتباطی با

Idioms

برخوردار می باشد.»

از این نکته می توان نتیجه گرفت که کلیه اصطلاحات در اصل واحدهایی وازگانی بوده که از نظر معنایی همانند تک کلمه هستند. در این زمینه می توان یادآور شد که هرچند اصطلاح از بیش از یک کلمه تشکیل می گردد اما از آنچنان انسجام درونی برخوردار است که همچون یک کلمه واحد تلقی می شود.

ویژگیهای صوری

برای توصیف اصطلاح باید ملاکهای ساختاری، نحوی و معنایی را مورد توجه قرار داد اینگونه بررسیها می تواند در انتخاب مطلب برای تدریس اصطلاحات ما را یاری دهد.

الف: از نظر ساختاری اصطلاح می تواند بصورتهای زیر باشد:

۱ - کلمات ساده یا مرکب، مانند: (آدم عوضی) creep ، (آموزش مختلط) coed ، (آخ) ouch و ...

۲ - عبارات، مانند: (چشم به راه بودن) look forward to ، (در حقیقت) as a matter of fact

۳ - جمله، مانند: mind one's own business

(در کار دیگران دخالت نکردن)

(کار خود را خراب کردن) cook one's goose

ب: از نظر نحوی اصطلاح می تواند به صورتهای زیر باشد:

۱ - اصطلاحات باقاعده: اصطلاحات باقاعده نه تنها از نظر نحوی دارای قاعده هستند بلکه قابل تغییر نیز می باشند به این معنا که می توانند تحت تغییرات وازگانی و گشتاری قرار گیرند. برای مثال اصطلاح

to break someone's heart می تواند به صورتهای مختلفی به کار رود، مانند:

my heart is broken, broken - hearted, heart breaker, a broken heart

۲ - اصطلاحات بی قاعده: این اصطلاحات از نظر نحوی بی قاعده هستند و با قواعد دستوری زبان تطبیق نمی کنند برای مثال: (روی هم رفته) "by and large" ، (هرچه بیشتر بهتر) "the more the merrier"

۳ - اصطلاحات با قاعده همراه با محدودیتهای نحوی: این اصطلاحات از نظر نحوی با قاعده هستند اما دارای برخی محدودیتهای نیز می باشند، برای مثال در اصطلاح "to spill the beans" (به

«اصطلاح عبارت است از گروهی واژه، با معنی مشخص که با کنار هم قرار دادن معنی تک تک اجزاء تشکیل دهنده آن نمی توان به معنی اصطلاح دست یافت.»

چارلز هاگت زبانشناس مشهور آمریکایی نظریه بسیار جالبی را در ارتباط با تعریف اصطلاح ارائه می دهد، به نظر این دانشمند حتی یک تکواژه هم می تواند نقش و معنی اصطلاحی داشته باشد. از دیدگاه این زبانشناس واژه new در جمله زیر یک اصطلاح است:

She wants a new hat.

اما همین کلمه در جمله زیر اصطلاح نیست، زیرا بخشی از ترکیب New York است که خود یک اصطلاح می باشد:

I'm going to New York.

بر اساس همین نظریه، در ترکیب New York Times دیگر نمی توان ترکیب New York اصطلاح دانست چون این خود بخشی از اصطلاح بزرگتر می باشد. نظریه هاگت این امکان را به ما می دهد تا تمامی وازگان را هنگامی که بخشی از این اصطلاح بزرگتر نیستند بعنوان اصطلاح تلقی کنیم. بنابراین می توان دریافت هر مجموعه ای که بخودی خود حالت اصطلاحی ندارد از اجزاء کوچکتری تشکیل شده که اصطلاح هستند.

برای روشن شدن مطلب چند مثال از زبان انگلیسی ارائه می گردد. در زبان انگلیسی کلماتی مانند remote و promote یا produce ، deduce ، هر یک از دو جزء تشکیل شده اند. جزء اول که شامل پیشوندهای - re و - de - pro است و جزء دوم که شامل mote و duce - می باشد. رابطه معنایی بین این دو جزء تشکیل دهنده از ظرافت خاصی برخوردار است. به عقیده بعضی از دستور نویس این کلمات هر یک از دو واژه (morpheme) تشکیل شده اند، در حالی که گروهی دیگر بر این باورند که این کلمات از یک دوواژه تشکیل گردیده اند. برای حل این اختلاف می توان نظریه هاگت را مورد توجه قرار داد و هر ترکیب را بدون توجه به تعداد واژه های تشکیل دهنده آن یک اصطلاح دانست.

اما اگر عامل معنایی مد نظر باشد، برای تشخیص اینکه ترکیبی اصطلاح هست یا خیر دو نکته را باید مورد توجه قرار داد: نخست اینکه یک اصطلاح باید از نظر لغوی پیچیده باشد (یعنی باید بیش از یک عنصر وازگانی را شامل شود) و دیگر اینکه باید از نظر معنایی بعنوان یک عنصر کمین معنایی واحد تلقی گردد. بر این اساس می توان اصطلاح را به صورت زیر تعریف کرد:

«اصطلاح یک مجموعه پیچیده وازگانی است که از سادگی معنایی

معنی بند را آب دادن) نمی توان گفت "to spill the bean" یا اصطلاح "He gave me the sack" را نمی توان به صورت "He gave the sack to me" به کار برد.

ج - از نظر معنایی یک اصطلاح می تواند به صورتهای زیر باشد:

۱ - نیمه شفاف: این اصطلاحات تا حدودی استعاری بوده، اما تشبیه در آنها قابل تشخیص است، مانند: (قضیه بیشتر از آن چیزی است که به نظر می رسد)

"There is more here than meets the eye"
(دست دادن) "to shake hands"

۲ - مبهم: این گروه عباراتند از اصطلاحات یا عباراتی که از واژه های آنها نمی توان معنی را دریافت کرد. این گروه اصطلاحات حقیقی نامیده می شوند. اصطلاحات حقیقی به دو دسته تقسیم می گردند:

۱ - مبهم عینی: اصطلاحاتی که معنی آنها بدون اطلاعات قبلی قابل درک نیست مانند (بسیار خوب) "O.K.", روی هم رفته "by and large"

۲ - مبهم ضمنی: اصطلاحاتی که از معنی ظاهری آنها نمی توان به معنی حقیقی شان رسید، مانند:

"be on the wagon"

(اجتناب کردن از صرف مشروبات الکلی)

"knock on wood" (چشم بد دور)

طبقه بندی اصطلاحات

یکی از مشخصه های بارز اصطلاحات آن است که می توانند در گستره وسیعی از الگوهای دستوری به کار روند. بعنوان مثال عبارات زیر نمونه ای از الگوهای ساختاری هستند که اصطلاحات در آنها به کار می رود:

(article + adjective + noun) : the last straw

قوز بالا قوز (همین را کم داشتیم)

(article + past participle + noun): a foregone conclusion

نتیجه قابل پیش بینی

(verb + particle or preposition): run into

به طور تصادفی برخورد کردن

(verb + particle + preposition): put up with

دندان روی جگر گذاشتن

بنابراین چنین به نظر می رسد که طبقه بندی اصطلاحات، کار بسیار دشواری است و با همه تلاشی که به کار می رود نمی توان این طبقه بندی را بطور دقیق انجام داد. طبق نظر کوی و مکین (۱۹۹۱) که در مقدمه جلد اول فرهنگ لغات و اصطلاحات انگلیسی آکسفورد آمده است:

«در واقع هر چه بیشتر موارد گوناگون را مورد بررسی قرار می دهیم، بیشتر درمی یابیم که مرز مشخصی میان اصطلاحات زبان و سایر واژگان آن وجود ندارد و این تفاوت بگونه ای بسیار ضعیف بوده و از دقت اندکی برخوردار است.»

کوی و مکین تقسیم بندی پیچیده ای را براساس دو ملاک حائز اهمیت پیشنهاد می کنند که عبارتند از:

۱ - معنای یک ترکیب ممکن است به گونه های مختلف با معنی اجزای تشکیل دهنده آن ارتباط داشته باشد.

۲ - ممکن است تنوع درونی یا جایگزینی جزء به جزء عناصر تشکیل دهنده در یک اصطلاح وجود داشته باشد. این دو محقق، اصطلاحات را در چهار گروه طبقه بندی کرده اند:

الف - اصطلاحات محض: برای مثال kick the bucket (مردن) یک اصطلاح محض می باشد.

لازم به توضیح است که از نظر تاریخی اصطلاحات محض نقطه پایان فرآیندی هستند که در آن ابتدا ترکیبات لغات بطور مستمر مورد استفاده قرار گرفته و در نتیجه یک فرآیند مجازی صورت تثبیت شده ای در زبان پیدا می کنند.

ب - اصطلاحات مجازی: در این دسته از اصطلاحات تغییرات اندک است و جایگزینی ضمیر به هیچ وجه صورت نمی گیرد. باید توجه داشت که در طول زمان معنی تحت اللفظی این اصطلاحات همراه با معنی مجازی آنها دست نخورده باقی نمی ماند؛ مانند:

به سر و سینه خود زدن "beat one's breast"

تمام پلها را پشت سر خود خراب کردن "burn one's boats"

قبل از پرداختن به دو گروه باقیمانده، نخست لازم است تا تفاوت میان اصطلاح و ترکیب (Collocation) را روشن کنیم. ترکیب به مجموعه ای اطلاق می گردد که برحسب عادت پشت سرهم قرار می گیرند اما از نظر معنی کاملاً شفاف هستند. به بیانی ساده تر «ترکیب» گروهی واژه است که بطور طبیعی در مکالمات روزمره پشت سرهم قرار می گیرند. برخلاف اصطلاحات، معنی ترکیب را می توان از معنی تک تک اجزاء تشکیل دهنده آن حدس زد. عبارات «هوای مطبوع

Idioms

افعال شامل یک فعل و یک حرف یا ضمیر یا هر دوی آنها هستند. البته معنی یک عبارت فعلی اغلب با معنی فعل آن متفاوت است. مانند: مراقبت کردن، مواظبت کردن = look after و رسیدگی کردن look into.

این مقاله کوتاه تلاشی بود در جهت معرفی نقش اصطلاحات در روند فراگیری زبان خارجی و همچنین طبقه بندی و بحث درباره شیوه‌های مختلف آموزش آنها به زبان‌آموزان. بدون شک همه دبیران و اساتید محترم آگاهی کامل دارند که لازمه ارتباط موفق با اهل زبان (چه از طریق مطالب مکتوب و یا بصورت شفاهی) تسلط داشتن به اصطلاحات زبان است.

آموزش و فراگیری اصطلاحات زبان باید به صورت مستمر و در قالب متون و مکالمات روزمره صورت گیرد و هیچگاه نباید زبان‌آموز را تشویق کرد که اصطلاحات را خارج از بافت زبان فراگیرد.

Bibliography

Adams, Thomas W., and Susan R. Kuder. **Attitudes Through Idioms**. Rowley: Newbury House Publishers, Inc; 1984.

Cowie, A.P., and R. Mackin. **Oxford Dictionary of Current Idiomatic English**. Oxford: Oxford University Press, 1975.

Longman Dictionary of English Idioms. Ed. Thomas Hill Long, et al. London: Longman Group Ltd., 1980.

Mccaig, Isabel, and Martin H. Manser. **A Learners Dictionary of English Idioms**. Trans. parviz Birjandi, et al. Oxford: Oxford University Press, 1986.

Seidl, Jennifer, and W. McMordie. **Oxford Pocket English Idioms**. Oxford: Oxford University Press, 1992.

English Idioms. fifth ed. Oxford: Oxford University Press, 1988.

Spears, Richard A. **NTCs American Idioms Dictionary** Chicago: National Textbook Company, 1992.

"fine weather"، یا «باد و طوفان = high winds» نمونه‌هایی از ترکیب هستند. البته به دلیل وجود نوعی انسجام معنایی، تشخیص «ترکیب» ساده‌تر از «اصطلاح» است. به لحاظ همین انسجام معنایی چنانچه یکی از اجزای عبارت دارای معنی متفاوت با معنی متداول خود باشد مشخصتر خواهد بود. برای مثال کلمه heavy را در عبارات دائم‌الخمر = heavy drinker یا کسی که زیاد سیگار می‌کشد = heavy smoker یا به شدت معتاد = heavy drug - user می‌توان نام برد. در این عبارت کلمه "heavy" «مصرف بالا» را تداعی می‌کند.

اگر جمله "It's heavy" را در نظر بگیریم، درمی‌یابیم که در این جمله معنی کلمه "heavy" با آنچه تاکنون بحث شده تفاوت دارد.

ج - ترکیبهای محدود: در چنین ترکیبهایی که گهگاه عنوان نیمه اصطلاح نیز به آنها اطلاق می‌شود یکی از لغات دارای معنی مجازی است ولی سایر اجزاء همان معنی متداول خود را دارند. مانند: کوچه بن‌بست = blind alley

د - ترکیبهای باز: این گروه را می‌توان با سهولت و سرعت بیشتری از اصطلاحات تشخیص داد. مانند: «پنجره شکسته = a broken window» از آنجایی که اجزاء این ترکیبها بدون محدودیت قابل ترکیب است باز، آزاد و یا گسسته نامیده می‌شوند. کلیه اجزاء تشکیل دهنده اصطلاح مطابق همان معنی تحت‌اللفظی شان در مجموعه ظاهر می‌شوند. جا دارد این نکته را یادآور شویم که در بین دو گروه آخر دو وجه تشابه وجود دارد. نخست آنکه چون در ترکیبات محدود تا حدی تنوع وازگانی وجود دارد به گروه باز شباهت دارند. وجه تشابه دیگر در اینجا است که اگر عبارت به صورت کامل در ابتدای جمله به کار رفته باشد عنصری که معنی تحت‌اللفظی دارد قابل جایگزینی با یک ضمیر بوده و یا بطور کلی قابل حذف است. بعنوان مثال:

The Board didn't entertain the idea and the senate wouldn't entertain it either.

هیئت مدیره پیشنهاد را نپذیرفت، مجلس سنا نیز آنرا نخواهد پذیرفت. با توجه به طبقه بندی فوق باید همواره این نکته را مد نظر داد که مرز میان این طبقه بندیها مشخص نبوده و همیشه وجوه مشترکی میان دو گروه وجود دارد.

بعلاوه گروه گسترده دیگری از اصطلاحات وجود دارند که یک جلد از فرهنگ کوی و مکین به آن اختصاص یافته است. این اصطلاحات عبارات فعلی (phrasal verb) نامیده می‌شوند. این

نظریه‌های

یادگیری

(بخش دوم)

دکتر سید اکبر میرحسینی

هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس

ذاتی بوده در کنار رفتاری غریزی قرار دارد. این وضعیت به اصل محرک پاسخ مشروط که توسط محرک جدیدی تقویت می‌شود، تبدیل گشت.

در نظریه شرطی کردن ارادی، هیچ نوع محرک یا پاسخ طبیعی در وهله اول وجود ندارد، بلکه رفتار جدیدی معرفی و پاداشی دریافت می‌شود و در صورتی که آن رفتار خاص تکرار نشده یا در زمان مطلوب انجام نشود، تنبیه و مجازات به دنبال خواهد داشت. به عبارت دیگر، مربی باید مطمئن شود که فراگیرنده از یادگیری نفعی خواهد برد و در نهایت برای او نتایج مفیدی را به ارمغان خواهد آورد.

نظریه یادگیری کورت لوین^۶

یکی از نظریه‌های یادگیری که بسیار مورد بحث است، نظریه کورت لوین. بر اساس این نظریه: «یادگیری انجام عملی بهتر از قبل» است. لوین چهار مرحله مختلف را برای یادگیری تعیین و تشریح کرده است:

۱ - تغییر در ساختار شناختی: کسب اطلاعات و عقاید در سطح شناختی صورتی می‌گیرد. به عبارت دیگر، اگر مغز درباره مسأله‌ای خاص اطلاعاتی داشته باشد، تغییر در شناخت پیش می‌آید.

۲ - تغییر در انگیزه: مغز یاد می‌گیرد که به چیزی علاقه‌مند یا از آن متنفر شود. به عبارت دیگر، احساسی به وجود می‌آید که به موجب آن مغز به طور مطلوب یا غیرمطلوب به چیزی متمایل می‌شود. این بدان معنی است که در این مرحله، مغز یا متمایل پذیرفتن چیزی و یا خواستار

مقاله حاضر «مروری بر نظریه‌های یادگیری می‌باشد که بخش اول آن در شماره ۳۸ درج گردید. در بخش اول تعریفی از یادگیری و فرآیند آن و همچنین نظریه‌های یادگیری بر اساس شرطی شدن و سه اصل مهم این نظریه مطرح شد و اکنون در این شماره این بحث ادامه می‌یابد.

نظریه شرطی کردن ارادی (عملی) یادگیری

نظریه دیگری که در مورد یادگیری پیشنهاد شده، نظریه شرطی کردن ابزاری غیر ارادی اسکینر^۵ است. اسکینر در آزمایشهای خود به یک کبوتر آموزش داد که اعمال متفاوتی را انجام دهد و برای هر عمل پاداش دریافت کند. در این آزمایشها به کبوتر آموزش داده شده که صفحه‌ای را از داخل یک جعبه بردارد. هرگاه کبوتر می‌توانست این عمل را انجام دهد مقداری غذا به عنوان پاداش دریافت می‌کرد. چنین آزمایشاتی در تربیت حیوانات و حتی انسان بسیار متداول است. نظریه اسکینر حاکی از این است که عمل و پاسخ، شرطی کردن ارادی بوده براساس اصل تقویت است. تفاوت محسوسی میان این نظریه و اصل تأثیر تورتدایک وجود ندارد. یک مربی یا معلم باید همیشه به خاطر داشته باشد که برای نیل به موقعیت آموزشی مؤثر، از پاداش مناسب و تشویق به طور مکرر استفاده کند و از هرگونه مسأله‌ای که باعث دلسردی یا بی‌علاقگی یادگیرنده می‌شود اجتناب ورزد. اصل شرطی کردن ارادی با محرک مشروط که اولین بار به وسیله پاولف ارائه شد، تفاوت دارد. پاولف آزمایش خود را با محرکی شروع کرد که طبیعی و

رد آن چیز می‌شود (در نتیجه پرورش یک نگرش، انگیزه‌ای در جهت توافق و یا مخالفت پدید می‌آید). برای نمونه وقتی مربی بهداشت مراقبت جدیدی را به مردم توصیه می‌کند، در بعضی از اشخاص انگیزه کافی برای انجام آن ایجاد می‌شود.

۳ - تغییر در علایق یا رفتارهای اجتماعی: درست همانگونه که شکل‌گیری یک نگرش در مرحله دوم تشریح شد، ذهن فراگیرنده سعی در فهم این مسأله دارد که آیا چیزی که او یاد می‌گیرد مورد علاقه جامعه است یا خیر، زیرا او به چیزی تمایل دارد که مورد علاقه گروه و جامعه است یا خیر، زیرا او به چیزی تمایل دارد که مورد علاقه گروه و جامعه باشد. همچنین وی اهمیت فراوانی به این مسأله می‌دهد که آیا مبحث مورد یادگیری به وسیله اشخاص مهم و صاحب‌نظر گروه تأیید می‌شود یا خیر. اگر مسأله مورد علاقه گروه نباشد یا عده‌ای از افراد گروه با آن مخالفت کنند، فرد علاقه‌ای به یادگیری آن نشان نخواهد داد. برای مثال در جامعه‌ای که مخالفت شدیدی با سقط جنین وجود دارد، فرد علاقه‌ای به یادگیری روش سقط جنین از خود نشان نمی‌دهد.

۴ - کسب کنترل ارادی عضلات بدن: انجام هر عمل یا مهارت، نتیجه مراحل یادگیری قبلی است. شخصی که به اندازه کافی علاقه و انگیزه داشته باشد و از حمایت گروه نیز برخوردار باشد، آمادگی فراوانی را در امر یادگیری جزئیات عملی نشان می‌دهد. پس از این فرایند یادگیری، از مغز به عضلات بدن انتقال یافت و عمل مورد تمرین قرار گرفت، یادگیری بسیار کاملتر می‌شود. گاه مهارت چنان کامل می‌شود که قابل برگشت نیست و حتی بعضی از مهارت‌های کسب شده برای همیشه نزد شخص باقی می‌مانند، از قبیل: دوچرخه سواری، خیاطی، ماشین‌نویسی، آوازخوانی، نوازندگی و ...

نظریه یادگیری کلمن^۷

مجموعه نظریات دیگری درباره یادگیری به وسیله کلمن تشریح شده است. او سه نوع یادگیری را مشخص کرده است:

۱ - یادگیری از طریق جلب رضایت: شخص برای رضایت مربی یا آموزش دهنده، چنانچه تحت اجبار نباشد، در رفتار خود تغییر می‌دهد. این تغییر بیشتر برای رضایت مربی صورت می‌گیرد تا براساس فرآیند ذهنی، پرسش، استدلال و درک. او صرفاً عمل را برای جلب نظر دیگران یا اجتناب از رنجاندن آنها انجام می‌دهد؛ بنابراین در انجام عمل از هدف و نتیجه منطقی تغییر رفتار آگاه نیست. این یک عمل مکانیکی ولی ارادی است که به صورت انفعالی و بدون آگاهی از هدف انجام می‌پذیرد؛ برای مثال در مدرسه، کودکان کورکورانه از معلم پیروی می‌کنند و آنچه را که تدریس می‌شود کلمه به کلمه و بدون درک

یک کلمه از آن حفظ می‌کنند. این یک یادگیری ناقص است زیرا هیچ درک منطقی از مطلب به وجود نیامده است. در مثال دیگر، هنگام واکسن زدن کودک ممکن است صرفاً به منظور جلب رضایت مربی بهداشت یا به منظور اجتناب از هر گونه مشاجره و رنجش به این کار تن دردهد. گاهی اوقات اگر اجبار قانونی در میان باشد، ممکن است آنها عمل را به علت ترس از مجازات انجام دهند و در نتیجه تأثیرات مثبت مسأله را دریابند.

۲ - یادگیری از طریق تقلید: بیشتر اعمال و رفتار ما در اثر تلاش در تقلید از دیگران رخ می‌دهد. در بسیاری از موارد، افراد قبل از پذیرفتن یک نظر جدید، آن را در ذهن خود تحلیل نمی‌کنند. اگر همکاران و یا گروه کاری را انجام دهد، آنها نیز بدون کسب اطمینان از دلیل و چگونگی آن، عمل را به همان ترتیب انجام می‌دهند.

این مسأله بویژه در یادگیری رفتاری در کودکان و در سنین اولیه زندگی دیده می‌شود. گاهی اوقات والدین با تهدید، کودک را وادار به انجام عمل خاصی می‌کنند و در نتیجه کودک آن عمل را به خاطر جلب رضایت والدین انجام می‌دهد. به این ترتیب کودک در تمام مواقع در حال تقلید رفتارهای اعضای دیگر خانواده است و بندرت پیش می‌آید که سعی در یافتن علت تقلید خود کند.

۳ - یادگیری از طریق درک درونی: در اینجا فرد قبل از قبول رفتار دیگران فکر می‌کند. او نیاز و فایده رفتار را تحلیل کرده پس از اطمینان از درستی آن نظری را قبول می‌کند.

نظریه گشتالت^۸

بعضی از مفاهیم و نظریات یادگیری به وسیله گروه روان‌شناسان گشتالت (در آلمان) تشریح شده است. برطبق این مکتب فکری، فوه ادراک ذهن مجموعه سازمان‌یافته‌ای از تعدادی محرک است که باهم دریافت شده‌اند. درک به صورت جداگانه و تدریجی اتفاق نمی‌افتد، بلکه توسط تمام حواس مورد دسترس به عنوان انگیزه‌ها صورت می‌گیرد و قادر می‌شود یکی را به دیگری در محیط ارتباط دهد. در نتیجه این عمل، ذهن قادر به ایجاد ارتباط میان افکار و محدود کردن موارد مورد مراجعه است؛ بنابراین حتی اگر موارد مشخصی از یک نمودار، یک چشم انداز، یک توصیف کلامی یا نوشتاری از قلم افتاده باشد ذهن با پرکردن قسمت گمشده قادر به بسط تصورات و ساختن یک مجموعه است. کاربرد چنین نظریه‌ای با تهیه وسایل کمک آموزشی، عکسها، نمودارها، جدولها و نوشته‌ها، شعارها، پوسترها و غیره که به تصورات ذهنی شخص جهت سازمان دادن برای درک مسائل کمک می‌کند، ارتباط زیادی دارد.

به بعضی از خصوصیات زمینه‌های احساسی که در سازماندهی

ادراک مؤثر هستند، در مکتب فکری گشتالت اشاره شده است:

۱ - شکل و زمینه: حوزه احساسی در ادراک با توجه به زمینه و شکل سازماندهی می‌شود. ذهن قادر به تشکیل رابطه‌ای میان سابقه و آخرین زمینه است؛ بدین ترتیب که آیا این شیء واقعاً در بین اشیاء بیجان قرار دارد یا تصویر ذهنی از یک سابقه است که در مقابل آن چیزی توصیف شده یا به نمایش درمی‌آید. بعدها، ذهن قادر است که الگوهای مختلف را به توجه به زمینه‌ای مختلف به هم ارتباط دهد. ذهن قادر است صداها را با نورهایی مشخص کند؛ به عنوان مثال می‌توان رعد و برق را نام برد. یک نت که نواخته شود یا خطی از یک آواز که کسی آن را ادا کند، به ذهن در ساختن تصویر کلی کمک می‌کند؛ البته در صورتی که شخص قبلاً آن مطلب را بداند.

۲ - تقریب: چیزهای نزدیک به هم الگوی انگیزشی متفاوتی با اجسامی که دورتر از هم واقع شده‌اند دارند. وقتی اشیاء در نزدیکی و مجاورت یکدیگر دیده شوند، ذهن قادر است جزئیات بیشتری را دریابد؛ در حالی که اشیاء دورتر ممکن است باعث اغماض یا کاهش جزئیات شوند و این درحالی است که می‌توان اشیاء بیشتری را درک کرده تشخیص داد.

۳ - احاطه: همان‌طور که قبلاً ذکر شد، ذهن قادر به تصور و پر کردن فضاهای خالی در صورت وجود فقدان یا خلالتی است. خلاءها یا فضاهای به وجود آمده در اطلاعات یا اشکال ناقص و غیره صرفاً به وسیله تصورات قوه ادراکی پر و کامل می‌شوند. ذهن انسان تا زمانی که بتواند مسأله‌ای را که به طور ناقص درک شده، کامل کند در هیجان خواهد بود. اشیاء ناتمام، تصاویر و عقاید ناقص مغز را دستخوش هیجان می‌سازند و شتابی در درک بقیه موضوع و پر کردن فضاهای خالی به وجود می‌آورند.

ایجاد شک در ذهن به وسیله استفاده از سه چهارم یک شیء، و سپردن آن به تصورات فراگیرنده به منظور یافتن بقیه قسمت‌ها و سپس کوشش در جهت حصول اطمینان از بازخورد از طریق پرسش و ارزشیابی بهترین و مؤثرترین روش در فرآیند یادگیری است. یادگیرنده به بهترین نحو در ترکیب عقاید و رسیدن به نتیجه منطقی، فعال و تحریک شده است.

۴ - شباهت و آشنایی: اشیاء و چیزها با اشکال، رنگها و اندازه‌های یکسان معمولاً از طریق ارتباط و پیوستگی افکار در ذهن دسته‌بندی می‌شوند. ذهن درک ایجاد ارتباط میان چیزهای مختلف را صرفاً از روی شباهت خصوصیات بسیار آسان می‌یابد. این مسأله کاربرد زیادی در تعلیم و تعلم دارد. به کارگیری مثالهای مناسب، قیاس، تصاویری از زندگی واقعی یا از داستانها، درسهای اخلاقی و ... تأثیر زیادی در امر یادگیری دارد و این تنها به دلیل شباهت‌هاست. در عمل، این تنها ایجاد

پیوستگی افکار در جهت کمک به ذهن در فهم چیزی از طریق ادراکات قبلی است.

یادگیری و روند اجتماعی شدن

در زندگی روزمره، انسان در میان جامعه قرار دارد. جامعه شامل گروههای مردم است. در خانه، خانواده وجود دارد. در اطراف خانواده، حلقه‌های خانواده‌های دیگر یا گروههای خویشاوندی موجود است. علاوه بر خویشاوندی، ما اجتماعی را خواهیم داشت که معمولاً به آن جامعه می‌گویند. همچنین می‌دانیم که اعضای یک جامعه معمولاً به دلایل و اهداف مختلف باهم ارتباط دارند. انسانها یا یکدیگر را دوست دارند یا از هم متنفرند. حالات رفتاری متفاوت و مختلفی نیز در میان آنها وجود دارد. اما برای یک زندگی هماهنگ در جامعه، هر شخص کم و بیش باید خود را با الگوهای رفتاری قابل قبولی که جامعه به عنوان رفتار هنجار و هماهنگ به منظور تعلق و وابستگی به گروه می‌شناسد، تطبیق دهد. کودک پس از تولد فرآیند یادگیری را به طور مداوم شروع می‌کند تا نحوه زندگی با دیگران را بشناسد. گذشته از تأمین نیازهای اولیه جسمانی، کودک ناگزیر به یادگیری چگونگی تأمین امنیت، عاطفه، عشق و غیره است. کودک بتدریج یاد می‌گیرد که مادر، پدر و سپس دیگر اعضای خانواده و نیز اشخاص نزدیک و عزیز دیگر را بشناسد. همان‌طور که کودک رشد می‌کند قادر می‌شود که نه تنها اشخاص مختلفی را که در زندگی روزانه می‌بیند تشخیص دهد، بلکه چگونگی رفتار با هر یک از آنها را نیز می‌آموزد. هدف نهایی چنین روندی از یادگیری و رشد الگوهای رفتاری قابل قبول برای هر فردی، حصول اطمینان از ایجاد تطابق هماهنگ و متعادل با دیگر افراد جامعه است. فرد بر طبق انتظارات افراد دیگر، رفتاری مناسب را برای ارتباط با دیگران انتخاب می‌کند. این فرآیند کلی که به موجب آن، فرد، از نوزاد و کودک تا بزرگسال، رفتاری متناسب با انتظارات و نیازهای دیگران را یاد می‌گیرد، اجتماعی شدن نام دارد. از این طریق است که شخص عضوی از جامعه می‌شود. اجتماعی شدن با تولد شروع می‌شود و با مرگ پایان می‌پذیرد، چرا که در سرتاسر زندگی هرکس این نیاز وجود دارد که بداند با توجه به عکس‌العمل دیگران چه کاری را، چه وقت، چرا و چگونه انجام دهد. درک این مسأله که اجتماعی شدن فرآیندی است که به موجب آن شخص رشد شخصیتی می‌یابد، دشوار نیست.

سه نظریه در رابطه با فرآیند اجتماعی شدن وجود دارد: برطبق نظریه کولی^۱ این فرآیند شامل درک فرد از نظری است که دیگران درباره او دارند و رفتار شخص هماهنگ با این درک می‌شود. این مسأله را «تجلی خود در آینه» می‌نامند. براساس این نظریه، انسان مفهوم خود

شخصیت و رشد شخصیتی

در علوم رفتاری، کلمه شخصیت بر مجموعه کلی الگوهای رفتاری فرد یا گروه دلالت می‌کند، در زبان معمولی وقتی سخن از شخصیت به میان می‌آید منظور خصوصیات فردی یک شخص است که از مشاهدات مداوم الگوهای رفتاری وی ناشی می‌شود. هرکس در موقعیتها و در برابر افراد یا گروههای مختلف، رفتارهای متفاوتی ابراز می‌کند؛ به عبارت دیگر شخصیتش در حالات مختلف تغییر می‌کند (عصبانی، خوب، بد و غیره).

در جامعه‌شناسی رفتار کلی شخص در نظر گرفته می‌شود؛ یعنی این بررسی نه تنها شامل خصوصیات ظاهری شخصی است، بلکه توصیفی کلی از ساخت ذهنی او را نیز در بردارد. شخصیت هر فرد از بدو تولد به بعد شکل می‌گیرد و اساساً در اثر اجتماعی شدن تکامل می‌یابد. فروید سه مرحله را در رشد شخصیتی مطرح کرده است:

مرحله اول نهاد است که در آن فرد عمدتاً به ارضاء نیازهای اولیه جسمانی تمایل دارد. این رفتار کلاً ذاتی است و از تفکر ناشی نمی‌شود. در این مرحله است که رفتارهای ذاتی تکامل نیافته در جهت ارضاء نیازهای فیزیولوژیکی بروز می‌کند؛ برای مثال تعجیل و گریستن برای به دست آوردن غذا، حرکات خارج از کنترل در برابر دیگران، رفتارهای جنسی ناهنجار و غیره را می‌توان نام برد.

همزمان با رشد جسمی و فکری و در حالی که فرد دنیای اطراف خود را درک می‌کند، احساس برتری در او به وجود می‌آید، در همین راستا، تمایلات متفاوتی در اشخاص مختلف برای به تحقق بخشیدن ایده‌آلها و رسیدن به کمال پدید می‌آید؛ به این ترتیب وجدان فرد و همچنین حس کمال‌طلبی در وی پرورش می‌یابد. متعالی‌ترین مرحله‌ای که در آن شخص تمایل دارد که هرکاری را به بهترین وجه انجام دهد، «من برتر» نامیده می‌شود. البته برای فرد آسان نخواهد بود که هرکاری را به شایسته‌ترین صورت انجام دهد و در نتیجه سعی می‌کند میان رفتار غریزی تکامل نیافته و رفتار ایده‌آلی که دسترسی به آن مشکل است، تعادلی به وجود آورد. فرآیندی که شخص از خویشتن و محدودیت‌هایش آگاه است، مرحله «من» نام دارد. «من» شخصیت واقعی فرد را تعیین می‌کند. به عبارت دیگر اندیشه و عمل فرد همراه با مجموعه کلی افکار و اعمال وی شخصیت او را تشکیل می‌دهد:

من برتر + نهاد = من

گروهها و کسانی که هر فرد را در فرایند اجتماعی شدن تحت تأثیر قرار می‌دهند، عوامل اجتماعی کننده نامیده می‌شوند؛ مثلاً در یک خانواده والدین اولین عوامل اجتماعی کننده کودک هستند. خواهرها و برادرها و دیگر بستگان نزدیک نیز جزء این عوامل به حساب می‌آیند. به عبارت دیگر کل مجموعه خانواده نخستین گروه اجتماعی کننده را

بودن را به کمک دیگران درمی‌یابد. رفتار ما در برخورد با بزرگترها و جوانترها تفاوت می‌کند؛ به همین ترتیب رفتار ما با افراد بی‌سواد و باسواد نیز متفاوت است. این تفاوت به علت تفاوت ما از چیزی است که آنها از ما انتظار دارند. کودک هنگامی که تشویق می‌شود، شادی و شمع خود را ابراز می‌کند و برعکس اگر با او بدرفتاری شود، افسرده و کمرو بار می‌آید، چرا که او می‌داند والدینش به او اهمیت زیادی نمی‌دهند. همین مسأله در مورد رفتار یک ناظر و نظارت شونده نیز صادق است. یک ناظر بد اخلاق و بی‌تفاوت که تنها ایراد می‌گیرد، در نظارت شونده اعتماد به نفس کافی را جهت پیشرفت به وجود نمی‌آورد.

نظریه بعدی اجتماعی شدن توسط جی‌اچ مید^{۱۰} مطرح شده است. برطبق این نظریه، شخص خود را با تمام افراد اطرافش که در نظرس مهم جلوه می‌کنند، می‌شناسد. در این حالت او یا از آنها تقلید می‌کند و یا طوری عمل می‌کند که برای آنها قابل درک و مطلوب باشد؛ برای مثال کودک رفتار تمامی اطرافیان را تقلید می‌کند و در عین حال نزدیکترین افراد را به عنوان الگوی رفتاری خویش می‌پذیرد. به صورت مشابه میان معلم و شاگرد با توافق دوجانبه یک الگوی رفتاری پدید می‌آید. هر یک از آنها نحوه ارضاء کردن خواسته‌های دیگری را می‌داند. این نظریه اجتماعی شدن در امر تدریس نقش به‌سزایی دارد: «الگو از درک بهتر است». یک مربی تربیتی با الگو قرار دادن خویش می‌تواند برای شاگردانش انگیزه‌ای در پیروی از الگوی مورد نظر باشد. برعکس اگر مربی خود به آنچه که می‌گوید عمل نکند باعث برهم زدن توازن ذهنی شاگردانش می‌شود و در نتیجه نمی‌تواند آنها را به صورت مؤثر و مناسب اجتماعی کند.

سومین نظریه، نظریه زیگموند فروید^{۱۱} است. او نظریه‌اش را بر اساس رابطه «نهاد» به «من» و «من برتر» در یک شخص بنا کرد. «نهاد» نمایانگر تمایلات و انگیزشهای ذاتی است. «من برتر» نمایانگر ضمیر تشکیل دهنده ایده‌آلها و هنجارهای تکاملی و «من» شخصیت واقعی فرد است که به موجب آن میان آنچه «من برتر» تجویز می‌کند و آنچه «من» در جهت تحت‌الشعاع قرار دادن «نهاد» انجام می‌دهد سازش به وجود می‌آید.

شکی نیست که هر فرد نه تنها یاد می‌گیرد بلکه با استدلال و مراجعه به هنجارها و ایده‌آلهای مورد نظر رفتارش را متعادل می‌سازد؛ در نتیجه قبول کردن نظریه فروید به صورت کامل نسبتاً مشکل است. اساس اجتماعی شدن پیروی از جامعه و هنجارهای آن است؛ بنابراین تصور اجتماعی شدن بدون جامعه بسیار دشوار است و نمی‌توان به آن به عنوان مسأله‌ای کاملاً فردی نگریست، این یک امر فردی است اما در این رابطه با جامعه.

تشکیل می‌دهد. گروه دوم همکلاسیها و همکاران هر فرد هستند که در وضعیت و زمینه مناسب، عوامل اجتماعی کننده محسوب می‌شوند. همبازیهای کودک عوامل اجتماعی کننده وی هستند. معلم مدرسه برای دانش‌آموزان یک عامل اجتماعی کننده است. به صورت مشابه برای بزرگسالان نیز عوامل گوناگون اجتماعی کننده وجود دارد، از قبیل: گروه سیاسی، گروه مذهبی، گروه شغلی و غیره.

عوامل مؤثر در اجتماعی شدن

اغلب مشاهده شده است که فرایند اجتماعی شدن عمدتاً به افراد مربوط می‌شود و هدف اساسی آن کمک به فرد جهت تشکیل بخشی از جامعه و حصول اطمینان از وجود هماهنگیها است. همچنین درمی‌یابیم که بعضی عوامل در فرد و بعضی عوامل در اجتماع وجود دارد که تأثیری متقابل در جهت فرایند اجتماعی شدن دارند. بعلاوه دسته سومی از عوامل موقعیتی و محیطهای فیزیکی نیز وجود دارد که فرایند اجتماعی شدن را تحت الشعاع قرار می‌دهد. تا آنجا که به فرد مربوط می‌شود نیازها، ارزشها، معیارها، خواسته‌ها و ناخواسته‌ها، طرز نگرش «ضمیر خود» و غیر نقشی مهم در تعیین جهت فرایند اجتماعی شدن فرد ایفا می‌کنند. در هر عملی که فرد انجام می‌دهد همواره یک انگیزه خودخواهانه و سودجویانه وجود دارد. در عین حال فرد نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن انتظارات گروه یا اجتماع هر عملی را به میل خود انجام دهد. این تمایل در جهت هماهنگی با انتظارات و نیازهای گروه و در نتیجه مقبولیت شخص به عنوان عضوی از اجتماع است که رفتار فرد را کنترل می‌کند. فرد همواره از آنچه مردم مشاهده و قضاوت می‌کنند آگاه است و پیوسته سعی دارد به نحوی رفتار کند که مقبول اجتماع باشد. فرد در مقاطع زمانی عمرش در موقعیتهای گروهی مختلفی زندگی می‌کند و با توجه به نقشی که باید ایفا کند به نیازهای هر گروه بی می‌پرد. او در هر موقعیتی با عوامل اجتماعی کننده مناسب برخورد می‌کند. همان طور که قبلاً ذکر شد، عوامل اجتماعی کننده ابتدا در خانواده و سپس به شکل‌های گوناگون در جامعه با توجه به موقعیتی که فرد به عنوان بخشی از گروههای مختلف مانند شغلی و حرفه‌ای، سنی، تفریحی و غیره دارد، مشاهده می‌شود. تمام این گروهها از جمله خانواده نه تنها فرصت اجتماعی شدن را از طریق فراگیری فراهم می‌کنند، بلکه «کنترل اجتماعی» را به منظور حصول اطمینان از ایجاد یک رفتار موزون و هماهنگ اعمال می‌کنند. کنترل اجتماعی خود باعث اجتماعی شدن می‌شود. برای روشنتر شدن موضوع می‌توان گفت که عوامل اجتماعی کننده به شخص در درک باید‌ها و نباید‌ها کمک می‌کند. با مشاهده تمام باید‌ها شخص از اجتماعی شدن و مقبولیت در اجتماع اطمینان حاصل می‌کند. در صورتی که او به

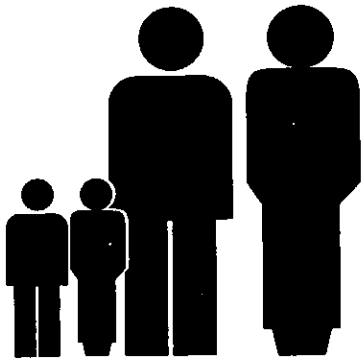
نباید‌ها متمایل شود منحرف اجتماعی شناخته خواهد شد. پس درمی‌یابیم که گروه اثر بسزایی را در اجتماعی شدن افراد داراست. در این زمینه عوامل گوناگونی مانند ویژگیهای فرهنگی، ارزشها، معیارها، نگرشها، اعتقادات، تعصبات، خرافات و آداب و رسوم وجود دارد. تأثیرات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی به گونه‌ای مشابه در الگوی رفتاری گروه نقش بسزایی دارند و به نوبه خود بر فردی که دستخوش فرایند اجتماعی شدن است، اثر می‌گذارد. گذشته از عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، در فرایند اجتماعی شدن عوامل دیگری از قبیل عوامل فیزیکی، بیولوژیکی و جغرافیایی نیز نقش دارند. یک کودک بی‌سرپرست پس از وارد شدن به محیط جدید با توجه به عوامل اجتماعی کننده موجود اجتماعی شده و رشد می‌کند. پس در آموزشهای تربیتی باید هم رفتارهای فردی و شخصیتی و هم رفتارهای گروهی را در نظر بگیریم. مسأله‌ای که باید به خاطر سپرد این است که رشد شخصیتی به شدت متأثر از فرهنگ اجتماعی است که شخص در آن زندگی می‌کند. برای روشنتر شدن موضوع بهتر است به یک مثال در دنیای حیوانات توجه کنیم. یک سگ و لگد رفتاری حریصانه و مشکوک از خود نشان می‌دهد، چرا که دائماً در حالت نیاز به سر می‌برد و از رقابت می‌هراسد؛ اما یک سگ خانگی رفتاری رضایت‌آمیز و خوشایند از خود نشان می‌دهد و در رفتار یک سگ پلیس نظم و انضباط شدیدی به چشم می‌خورد. به همین ترتیب بشر مطابق با محیط، فرهنگ، نیازها و خواسته‌هایش قادر به تغییر الگوهای رفتاری خود است. یک مربی تربیتی عموماً درصدد تغییر دادن رفتارهاست؛ در نتیجه برای او الزامی است که بداند با چه نوع یا انواعی از شخصیتها سروکار دارد. او باید نگرش آموزشی، محتوای مطالب، زبان، اهداف و موارد دیگر را متناسب با شخصیت فرد آموزش گیرنده تنظیم کند.

پایان

بانویس:

- 5 - Skinner
- 6 - Kurt Lewin
- 7 - Kelman
- 8 - Gestalt
- 9 - Cooley
- 10 - G. H. Mead
- 11 - Sigmund Freud



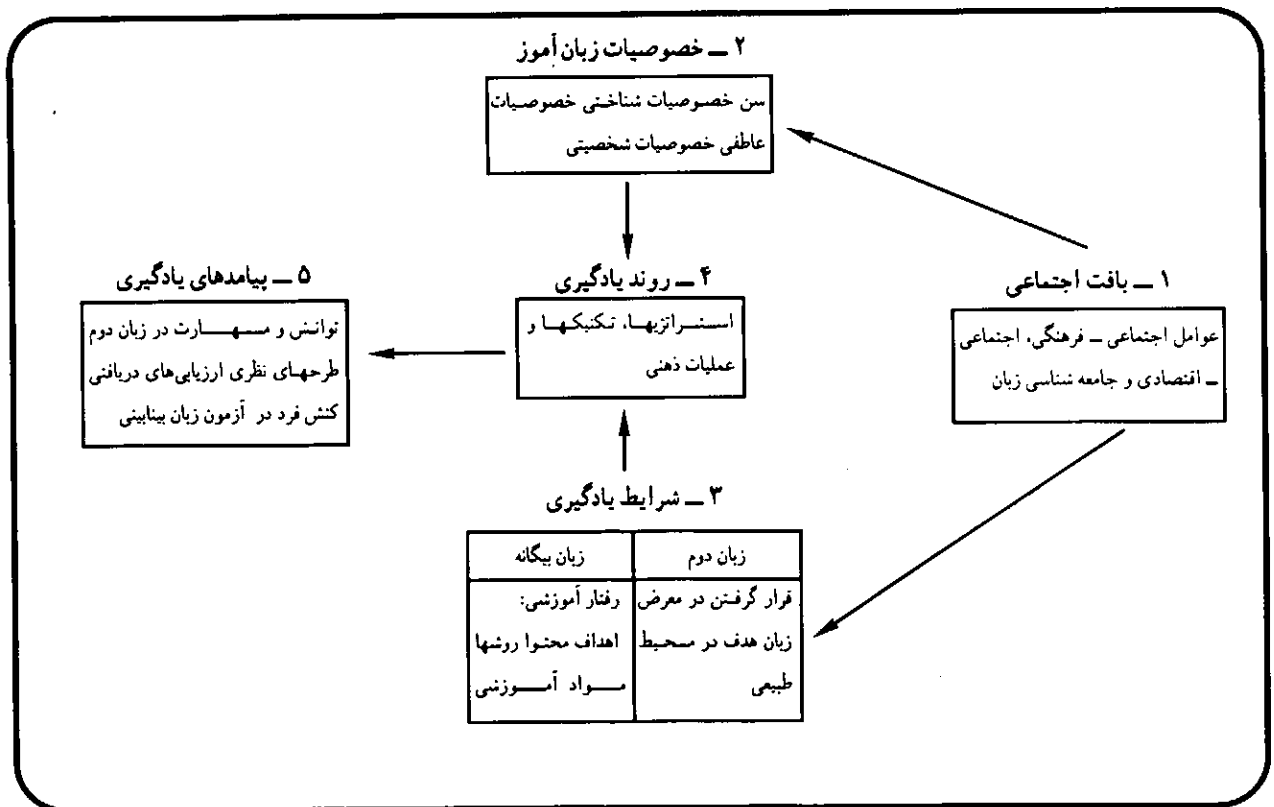


عامل سن و فراگیری زبان بیگانه

THE AGE FACTOR AND LEARNING A FOREIGN LANGUAGE

Several factors play significant roles in the process of learning a foreign language, of which the age factor has been the target of many studies. These studies show that there is a relation between the age and the amount of mastery on pronunciation and grammar of a language system before and after adolescence.

Differences are also observed in the learning speed between child and adult learners. The origin of these differences is assumed to be related to biological, cognitive, affective and environmental factors.



اسکاوول (۱۹۶۹، ۲۴۵) می‌گوید: «تقریباً هر کسی در کودکی الگوهای صوتی زبان خود را به طور کامل یاد می‌گیرد ولی همه نمی‌توانند در بزرگسالی موفق به این کار شوند.» در پژوهشی که اوایاما (۱۹۷۶) انجام داد مشخص گردید که سن ورود به کشور میزبان - نه مدت اقامت - در میزان تسلط به زبان هدف موثر است. سایر مطالعات نظیر سلیگر و دیگران (۱۹۷۵)، اشروگارسیا (۱۹۶۹) نیز بر اهمیت سال ورود به کشور میزبان توافق داشته و نشان می‌دهند که مدت اقامت در این امر تأثیری ندارد. این بررسی‌ها اثبات می‌کنند که سن بلوغ بعنوان نقطه عطفی در یادگیری تلفظ بشمار می‌رود.

اسکاوول (۱۹۷۷) در بررسی دیگری اثبات کرد که عامل سن با صوت شناسی (phonology)، یعنی توانایی در تشخیص گویسوران بومی و غیر بومی یک زبان رابطه نزدیکی دارد. وی بر همزمانی توانش در تمیز دادن گویسوران بومی با بروز محدودیت‌های کنشی که باعث ایجاد گفتار غیر بومیانه می‌شود، اشاره کرده است. مهارت در فراگیری لهجه خاص یک منطقه که از لهجه مادری شخص متفاوت است نیز با سن رابطه مستقیمی دارد. کرشن و سلیگر (۱۹۷۵) اثبات کرده‌اند که اگر فرد در کودکی و قبل از سن بلوغ وارد ناحیه‌ای شود که لهجه موجود در آن مکان با لهجه مادری‌اش تفاوت داشته باشد، آن لهجه را بقدری خوب فرامی‌گیرد که تشخیص وی از گویسوران بومی آن لهجه مشکل خواهد بود.

۲-۱-۲ - دستور زبان

متأسفانه در مورد ارتباط سن با فراگیری نظام دستور زبان شواهد چندانی وجود ندارد. در بین افرادی که در این زمینه کار کرده‌اند، بازهم باید از «اوایاما» نام برد. بررسی‌های ذکر شده این محقق شامل آزمون‌هایی در مورد دستور زبان نیز می‌باشد. نتایج این بررسی‌ها نشان می‌دهد که بین سن و میزان تسلط در دستور زبان کشور میزبان رابطه‌ای وجود دارد. «اوایاما» به این نتیجه رسید که گویسوران غیر بومی در حالات طبیعی قادر به درک زبان کشور میزبان هستند ولی در مواقع پرسر و صدا و یا در مکالمات تلفنی از میزان درک مطلب کاسته می‌شود و این شاید به خاطر یک نوع مهارت هماهنگ تفسیری باشد که فقط در گویسوران بومی یک زبان یافت می‌شود. مطالعه دیگر «اوایاما» به تشخیص جملات دستوری و غیر دستوری مربوط می‌شد. نتایج این بررسی نشان داد که عامل سن - نه مدت اقامت - با توانایی فرد وارد شده به کشور میزبان در تشخیص بین جملات درست و غلط از لحاظ دستوری رابطه مستقیم دارد. بررسی جدید دیگری که توسط پاتکوفسکی (۱۹۸۰) انجام شد نیز صحت ادعاهای اوایاما را اثبات می‌کند.

تمامی پژوهش‌های فوق‌الذکر نشان می‌دهند که اگر فرد در سنین قبل از بلوغ به کشور میزبان وارد شود، زبان آن کشور را همانند گویسوران بومی آنجا فرا خواهد گرفت.

در فراگیری زبان بیگانه عوامل متعددی دخیل هستند. اهمیت عواملی همچون سن، شخصیت، محیط اجتماعی، هوش، حافظه و غیره عواملی همچون سن، شخصیت، محیط اجتماعی، هوش، حافظه و غیره بر هیچ کس پوشیده نیست، اشترن (۱۹۸۳، ۳۳۸) در یک مدل ترکیبی و بگونه‌ای جامع، این عوامل را بصورت ذیل خلاصه کرده است.

در مقاله حاضر، ما بحث خود را به عامل سن محدود کرده و تجزیه و تحلیل مدل اشترن و بحث در مورد سایر عوامل را به فرصتهای دیگر وامی‌گذاریم.

در میان عوامل یادگیری، عامل سن از دیرباز مورد بحث بوده است زیرا ملاحظه می‌گردد که حتی در میان زبان آموزان به ظاهر همگن، برخی بهتر و سریعتر از بقیه مطالب را فرامی‌گیرند. نیز مشاهده می‌شود که زبان‌آموزان جوان در مقایسه با بالغین و سالخورده‌گان، در یادگیری زبان از سرعت و دقت بیشتری برخوردار هستند. دولی و دیگران (۱۹۸۲، ۷۸) اظهار می‌دارند که کودکان زیر ده سال به شرط فرار گرفتن کامل در معرض زبان بیگانه به حدی بر آن مسلط می‌شوند که مشکل بتوان تمایزی بین آنها و گویسوران بومی همان زبان قائل شد، در حالی که کودکان بالای پانزده سال با وجود پیشرفت فراوان، بندرت به پای گویسوران بومی می‌رسند.

بررسی اغلب نوشته‌های مربوط نشان می‌دهد که اعتقاد به یک سن مطلوب در فراگیری زبان بیگانه در طول دهه‌های پنجاه و شصت از پایه‌های محکمی برخوردار بوده است. اشاعه این اعتقاد مدیون نظریات پنفیلد (۱۹۵۳؛ ۱۹۶۵) می‌باشد. پنفیلد که فیزیولوژیست اعصاب در دانشگاه مک‌گیل در شهر مونترآل کانادا بود ملاحظه کرد کودکان زیر سن بلوغ که بر اثر تصادف، غدد مغزی، اعمال جراحی و غیره دچار ضایعات مغزی در ناحیه گفتار می‌شدند، خیلی سریعتر و بهتر از جوانان و بالغین می‌توانستند گویایی خود را بازیابند. لنبرگ (۱۹۶۷) زبان - روانشناس شهیر آمریکایی سالهای قبل از بلوغ را دوره‌ای می‌پنداشت که شخص از نظر بیولوژیکی آمادگی بیشتری برای زبان آموزی از خود نشان می‌دهد. این طرز فکر، خود به نظریه فطرت‌گرایی (nativist) چامسکی مرتبط است. در هر حال، تمامی آراء فوق‌الذکر صرفاً بر آنند که در عمل، کودکان آمادگی بیشتری برای زبان آموزی دارند ولی شواهد تجربی و عملی دال بر اثبات نظریات خویش ارائه نمی‌دارند.

۲ - تأثیرات سن

پژوهش‌های انجام شده بر روی عامل سن در کل بر دو نوع می‌باشند: الف - پژوهش‌هایی که میزان مهارت بدست آمده توسط فرد را هنگام ورود به کشور میزبان در سنین مختلف، خصوصاً قبل و بعد از بلوغ بررسی می‌کنند و ب - پژوهش‌هایی که به مقایسه سرعت یادگیری جنبه‌های مختلف زبان در خردسالان و سالخورده‌گان می‌پردازند.

۲-۱ - میزان مهارت به دست آمده بیشتر در رابطه با تلفظ و دستور زبان بررسی شده است.

۲-۲ - سرعت یادگیری

شواهد موجود پیرامون سرعت یادگیری و رابطه آن با سن نشان می‌دهد که کودکان در امر یادگیری همیشه موفق‌تر از بزرگسالان هستند، لکن این امر دلیل سرعت یادگیری کودکان نبوده و بزرگسالان به ویژه در اوایل یادگیری، خیلی سریع‌تر از کودکان پیشرفت می‌کنند. نتایج کلی تحقیقات انجام شده در این زمینه از این حقیقت حکایت می‌کنند که در مورد صرف (morphology) و نحو (syntax) کودکان با سنین بالاتر - ولو در مراحل اولیه یادگیری - از سرعت بیشتری برخوردارند. دقت بیشتر نشان می‌دهد که کودکان حدوداً ده ساله در بین دیگر افراد مورد مطالعه، از همه سریع‌تر می‌باشند. حال که نظری اجمالی به چند مورد پیرامون سن و تفاوت‌های منتج از آن در رابطه با یادگیری افکنده‌ایم، بهتر است نظری نیز به منشاء این تفاوت‌ها بیفکنیم.

۳-۲ - تفاوت‌های سنی از کجا ناشی می‌شوند؟

جوابهایی که تاکنون به این سؤال داده شده هیچکدام جامع و کامل نیستند ولی هر کدام به نوبه خود حیطه‌ای از این تاریکی را روشن می‌سازند. از میان پیشنهادات متعددی که برای جواب به این سؤال ارائه شده‌اند به تعدادی از آنها ذیلاً اشاره می‌شود.

۳-۱ - عوامل بیولوژیکی

یکی از مسائلی که در رابطه با سن مطرح بوده این است که آیا بین مغز کودکان و بزرگسالان تفاوتی وجود دارد یا نه. طبق اظهارات لنبرگ (۱۹۶۷)، یکسوئگی مغز (Lateralization) در اوان کودکی شروع و در سن بلوغ کامل می‌گردد. اگر ملاحظه می‌گردد که افراد بزرگسال و بالغ نمی‌توانند همانند گویشوران بومی یک زبان صحبت کنند بدان خاطر است که پس از این تکامل، مغز قابلیت خود را در ساختن یک سیستم زبانی جدید از دست می‌دهد زیرا قبلاً با سیستمی جداگانه انس گرفته و در آن ماهر می‌گردد لنبرگ اینچنین ادامه می‌دهد که قابلیت‌های زبانی در کودکان در هر دو نیمکره مغز به تساوی موجودند ولی با گذشت سن از قابلیت‌های نیمکره راست در این رابطه کاسته شده و وظایف زبانی در بیشتر - نه همه - افراد به نیمکره چپ محول می‌شود. به عبارت دیگر، کودکی که هر دو نیمکره مغزش به طور خودکار و ناخودآگاه قابلیت پذیرش هر زبانی را دارد بعد از سن رشد این توانایی را از دست داده و فقط با یک نیمکره و آن هم آگاهانه به فراگیری زبان می‌پردازد. سن بلوغ همان موقعی است که این قابلیت ناخودآگاه زبانی از بین می‌رود و فرد در فراگیری زبان، اصطلاحاً، لهجه پیدا می‌کند.

۳-۲ - عوامل شناختی

چون ممکن است عوامل بیولوژیکی به خوبی تفاوت بین

خردسالان و بزرگسالان را توجیه نکند، لذا به عامل دیگری به نام عامل شناختی اشاره می‌کنیم. طبق اظهارات صاحب نظرانی مانند پیازه (اینهلدر و پیازه، ۱۹۵۸) افراد بزرگسال بهتر از کودکان قادر به تفکر و حل مسائل هستند، لذا این امتیاز باید دلیلی باشد بر اینکه بزرگسالان بهتر از کودکان به فراگیری زبان پردازند. حتی به عقیده جنیسی (۱۹۷۷) بزرگسالان در صورت قرار گرفتن در شرایط مساوی و با آموزشهای یکسان، و حتی گاهی با آموزش کمتر، در مقایسه با کودکان بهتر و بیشتر از کودکان یاد می‌گیرند زیرا بزرگسالان بهتر از کودکان می‌توانند با مفاهیم انتزاعی و مجرد کار کنند. اما مسئله‌ای که ممکن است مطرح شود عبارت است از فرق بین یادگیری ارادی و غیرارادی. بزرگسالان در یادگیری ارادی قابلیت‌های بیشتری از خود نشان می‌دهند و حتی قادرند در مورد قوانین و اصول زبانی، مثلاً قواعد دستور زبان، به بحث پردازند در حالی که کودکان در این مورد ناتوان بوده و یا به صورت خیلی ابتدایی از عهده چنین کارهایی برمی‌آیند. اما ملاحظه می‌شود که در دراز مدت، نهایتاً این خردسالان هستند که از بزرگسالان پیشی می‌گیرند زیرا یادگیری در بزرگسالان که با توسل به قوانین دستوری و آگاهانه صورت می‌گیرد محدودیت‌هایی دارد که در یادگیری ناخودآگاهانه خردسالان به چشم نمی‌خورد.

۳-۳ - عوامل عاطفی (affective)

به نظر می‌رسد که بزرگسالان در مقایسه با کودکان بیشتر مراقب رفتار و گفتار خود هستند. این مراقبت عمدی باعث می‌شود بزرگسالان از حالات ذهنی باز، جهت یادگیری به طور اعم و فراگیری زبان به طور اخص برخوردار نباشند. علاوه بر این، بزرگسالان از لهجه‌ها، جملات، کلمات، اصطلاحات و گفتار افراد خاصی تبعیت کرده و لذا به اندازه کودکان رغبتی به یادگیری زبان به صورت طبیعی و مستمر از خود نشان نمی‌دهند. یعنی افراد بزرگسالی که در معرض تعلیمات رسمی مثل مدرسه و دانشگاه قرار می‌گیرند، بهتر می‌توانند فکر و حالات دیگران را بخوانند و نیز می‌دانند که شاید افراد دیگر هم فکر آنان را می‌خوانند. این حالات ذهنی باعث می‌شود که این گونه افراد احساس آسیب‌پذیری کرده و هرچه بیشتر از «صافی» استفاده کنند که این خود باعث می‌شود میزان استفاده از زبان و در نتیجه یادگیری آن که لازمهٔ بکارگیری زبان است، کاسته شود.

۳-۴ - تفاوت‌های موجود در محیط زبانی

نقطه تمایز چهارمی که بین خردسالان و بزرگسالان دیده می‌شود عبارت از زبانی است که در معرض آن قرار می‌گیرند. بزرگسالان در ایجاد ارتباط با یکدیگر از زبان معمولی استفاده می‌کنند در حالیکه در صحبت با کودکان، زبان خود را تغییر داده و سعی می‌کنند گفتارشان برای کودکان قابل فهم باشد. (این تغییر معمولاً به صورت ساده کردن جملات و حتی تغییر در زیر و بمی صدا دیده

BIBLIOGRAPHY

Asher, J., & Garcia, R. (1969). The optimal age to learn a foreign language. *Modern Language Journal*, 53, 334 - 41.

Dulay, H./ Burt, M. & Krashen, S. (1982). *Language Two*. Oxford University Press.

Genesee, F. (1977). Is there an optimal age for starting second language instruction? *McGill Journal of Education*, 13, 145 - 54.

Inhelder, B., & Piaget, J. (1958). *The growth of logical thinking from childhood to adolescence*. New York: Basic Books.

Krashen, S., & Seliger, H. (1975). The essential characteristics of formal instructions. *TESOL Quarterly*, 9, 173 - 83.

Lenneberg, E.H. (1967) *Biological foundations of language*. New York: Wiley. Oyama, S. (1976). A sensitive period for the acquisition of a non - native phonological system. *Journal of Psycholinguistic Research*, 5, 261- 85.

Patkowski, M. (1980). The sensitive period for the acquisition of syntax in a second language. *Language Learning*, 30, 449 - 72.

Penfield, W.G. (1953). A Consideration of neuro-physiological mechanisms of speech and some educational consequences. *Proceedings of the American Academy of Arts and Sciences*, 82, 199 - 214.

Penfield, W.G. (1965). Conditioning the uncommitted cortex for language learning. *Brain*, 88, 787 - 98.

Scovel, T. (1969). Foreign accents. language acquisition, and cerebral dominance. *Language Learning*, 19, 245 - 54.

Scovel, T. (1977). *The ontogeny of ability to recognize foreign accents*. Paper presented at the Los Angeles Second Language Acquisition Research Forum, UCLA.

Seliger, H., Krashen, S. & Ladefoged, P. (1975). Maturational constraints in the acquisition of a native - like accent in second language learning. *Language Science*. 36, 20 - 22.

Stern, H.H. (1983). *Fundamental Concepts of language teaching*. Oxford University Press.



می‌شود). اما باید توجه داشت که سادگی در گفتار لزوماً به معنای قابل فهم بودن آن از ناحیه کودک نیست لذا ممکن است کودکان حتی ساده‌ترین جملات را هم نفهمند. یکی از دلایلی که افراد بزرگسال در مراحل اولیه سریعتر از کودکان پیشرفت می‌کنند این است که مطالب دریافتی‌شان، با وجود پیچیدگی، قابل فهم‌تر می‌باشد.

۴ - نتیجه

جهت پایان دادن به بحث سن و ارتباط آن با یادگیری لازم است خاطر نشان سازیم که مباحث پیرامون عامل سن و تأثیر آن در فراگیری زبان بیگانه حول و حوش یک موضوع اساسی، که عبارت از «سن مطلوب» است، دور می‌زند. بحث متقن در مورد تأثیر سن فقط زمانی امکان‌پذیر است که مسائل مربوط به ویژگی‌های زبان آموزان در سنین مختلف حل شده باشد. تا حل شدن این مسائل، موارد ذیل را می‌توان به عنوان یک تصویر جزئی از وضع موجود مسئله سن به کار برد:

الف - فراگیری زبان در هر سنی می‌تواند رخ بدهد و هیچ سنی یا مرحله‌ای بعنوان سن مطلوب به حساب نمی‌آید.

ب - در برخی موارد مشاهده شده که کودکان و بزرگسالان در فراگیری زبان بیگانه از استراتژی‌های یکسان استفاده کرده و از مراحل مشابهی عبور می‌کنند که شباهت فراوانی به مراحل یادگیری زبان مادری دارد.

ج - فراگیری زبان امری انعطاف‌پذیر بوده و در یادگیری جنبه‌های مختلف آن نظیر واژگان، دستور و تلفظ، اختلاف سنی مشاهده می‌گردد.

د - کودکان در سنین مختلف از لحاظ روانی از همدیگر متفاوتند. به نظر می‌رسد کودکان کم‌سن‌تر در محیط‌های اجتماعی و ارتباطی آمادگی بیشتری برای زبان‌آموزی بصورت شهودی یا شمی (intuitively) از خود نشان می‌دهند در حالی که کودکان با سنین بالاتر از طریق روش‌های شناختی و آکادمیک بهتر یاد می‌گیرند.

ه - و نهایتاً اینکه آموزش زبان را می‌توان از هر سنی شروع کرد. اگر این مسئله جا بیفتد، این سؤال که در کدام مرحله از آموزش زبان می‌توان زبان بیگانه را معرفی کرد، با استفاده از سه معیار قابل پاسخ‌گویی خواهد بود: اول، زمان مورد نیاز برای رسیدن به مهارت زبانی لازم، دوم، ارزش فراگیری زبان بیگانه در مراحل مختلف تحصیلی و سوم، وجود منابع مادی و انسانی که برای رشد برنامه‌های آموزش زبان ضروری می‌باشند.

یک لحظه تأمل کن!

Just - A - Minute!

ترجمه دکتر حسین رونقی

دانشگاه تربیت معلم

بهتر است افراد دایره‌وار بنشینند یا دور یک میزگرد مستقر شوند. به هر نفر یک کارت Just - A - Minute! داده می‌شود که هشت فقره واژه بر روی آن چاپ شده است. آنگاه به او توصیه می‌شود که توجه کند دیگران کارت او را نخوانند. باید به بازی‌کنان وقت داد تا پیش از شروع بازی، واژه‌های کارت خود را یکبار به دقت بخوانند و بخوبی با آنها آشنا شوند. اگر در مورد تلفظ، خواندن یا معنای یک واژه برای آنان اشکالی وجود دارد، باید بلادرنگ به فرهنگ لغت خود رجوع کنند یا با معلم کلاس در میان گذارند.

هدف

برای هر بازیکن وقت محدودی (مثلاً یک دقیقه یا کمی بیشتر) تعیین می‌کنیم تا ظرف این مدت سعی کند افراد دیگر را آوار نماید که تمام هشت کلمه (باهر تعداد واژه‌ای را که از روی لیست واژه‌های خود بتواند به آنها تفهیم کند) را حدس بزنند.

قوانین بازی

بازیکن نخست، «عنوان» روی کارت خود را اعلام می‌دارد. پس از این که گروه تأیید کرد که دسته‌بندی یا مقوله کلی واژه‌ها را از آن «عنوان» متوجه شده است، معلم کلاس (یا دانش‌آموز مسئول زمان یا وقت‌نگهدار) به بازیکن نخست، زمان شروع بازی را اعلام می‌کند. بازیکن درباره هر واژه مطالبی می‌گوید ولی باید مراقب باشد که هرگز عین آن واژه را به زبان جاری نکند یا به خود آن واژه اشاره‌ای ننماید، او حتی اجازه ندارد به اشیایی که در کلاس هستند اشاره کند و اصلاً از دستهای خود نباید استفاده کند.

بازیکن تنها می‌تواند آن واژه‌ها را یک به یک توضیح دهد و مثلاً

بازی زبانی‌ای که همه را به صحبت وامی‌دارد

«یک لحظه تأمل کن!» نام یک بازی پرتحرک و شفاهی است که برای زبان‌آموزان سطح متوسط تا پیشرفته‌ای که انگلیسی را به عنوان زبان خارجی فرامی‌گیرند تهیه شده است و می‌تواند برای دانش‌آموزان مدارس و حتی افراد بزرگسال مورد استفاده قرار گیرد. این بازی نه تنها برای آموزش، بلکه برای تفنن و سرگرمی هم به کار برده شود. حتی گروههایی که از تواناییهای متفاوت زبانی برخوردارند می‌توانند باهم در انجام این بازی مشارکت کنند.

«یک لحظه تأمل کن!» می‌تواند برای سخنگویان بومی زبان انگلیسی نیز به کار برده شود تا انگیزه‌ای برای صحبت کردن در کلاسهای زبان دبستان، در کلاسهای گفتار درمانی و عقب افتادگان ذهنی باشد.

«یک لحظه تأمل کن!» بازی بسیار مناسبی برای میهمانی‌ها است که نه تنها می‌تواند بچه‌ها را سرگرم کند، بلکه می‌تواند به عنوان یک بازی خانوادگی استفاده شود. این بازی در همه موارد سرعت انتقال، حضور ذهن و روانی در تکلم را تشویق و تقویت می‌کند.

وسایل لازم برای بازی

کارت‌های «یک لحظه تأمل کن»، (که نمونه‌هایی از آنها در پایان مقاله ارائه شده است)، همچنین یک ساعت دیواری یا مچی که حتماً دارای عقربه ثانیه‌شمار باشد، و بالاخره کاغذ و قلم برای نمره‌گذاری که همیشه سهولت در دسترس قرار دارد.

بازی نخست (مخصوص ۴ تا ۲۰ نفر)

آمادگی قبلی

شیئی مربوط در اطاق درس اشاره نماید، آن واژه نیز بدون کسب امتیازی حذف می‌گردد و بازیکن باید به سراغ واژه بعدی برود.

بازی دوم

برای اجرای این بازی، نخست افراد کلاس را به دو تیم تقسیم می‌کنید. یک بازیکن از تیم اول واژه‌های کارت خود را یکی یکی برای اعضای تیم خودش تشریح می‌کند و افراد همان تیم سعی می‌کنند هرچه زودتر آن واژه را حدس بزنند. هرگاه واژه‌ای بطور صحیح حدس زده شد، متصدی امتیازات یک امتیاز به تیم مشغول بازی اعطا می‌کند. افراد تیم مقابل باید در تمام طول مدت بازی (یک دقیقه یا بیشتر) سکوت کامل را رعایت کنند در غیر این صورت هر بار که حرفی بزنند یک امتیاز منفی جریمه می‌شوند. تیم‌ها یکی در میان (بطور تناوبی)، و به نوبت به بازی می‌پردازند.

بازی سوم

برخی کلاسهای زبان آنقدر پرجمعیت است که برای اجرای بازی در یک روز، به همه دانش‌آموزان کلاس نوبت نمی‌رسد. لذا بازی نوع سوم برای چنین کلاسهایی طرح‌ریزی شده است. این بازی می‌تواند برای پر کردن ۳ تا ۵ دقیقه فاصله زمانی از وقت اضافی کلاس مورد استفاده قرار گیرد، یا اینکه در پایان درس که چند دقیقه از وقت کلاس تا زنگ تفریح باقیمانده است به کار گرفته شود.

برای اجرای این بازی، به یکی از دانش‌آموزان یک کارت - Just A - Minute داده می‌شود و او در برابر کلاس می‌ایستد و هر واژه‌ای را که در لیست واژگان کارتش وجود دارد توضیح می‌دهد. هدف این است که دانش‌آموزان دیگر را وادار کند که در کوتاهترین زمان ممکن تمام واژه‌ها را یکی پس از دیگری حدس بزنند. زمان صرف شده برای حدس هر هشت واژه مشخص می‌شود که البته حداکثر زمان داده شده نباید از سه دقیقه تجاوز کند. (آنگاه تا آنجا که وقت اجازه می‌دهد، از چندین دانش‌آموز دیگر هم خواسته می‌شود که این بازی را اجرا کنند).

در پایان نشست نخست، یک جدول نمره‌گذاری (که نمونه آن در زیر آورده شده) به دیوار نصب می‌شود که در آن پنج نفر اولی را که کمترین زمان را برای اجرای کارت خود صرف کرده‌اند، به ترتیب کمترین تا بیشترین زمان صرف شده نشان می‌دهد. این زمانها «رکوردهایی» هستند که دانش‌آموزان دیگر آنها را هدف خود قرار می‌دهند تا رکورد بهتری از آنها بدست آورند. دانش‌آموزی که حداقل زمان را برای واژه‌هایش صرف کند، برنده خواهد بود. بهرحال همچنان که افراد دیگری موفق به صرف زمان کوتاهتری می‌شوند، در ترتیب اسامی اعلام شده روی جدول تغییرات تازه‌ای انجام می‌گیرد تا جدول مرتباً صورت آخرین افراد برتر و رکورد آنها را نشان دهد.

بگویند فلان واژه برای چه منظوری بکار برده می‌شود، چه کسی از آن استفاده می‌کند، متضاد آن چیست، یا آن را در جمله‌ای به کار ببرد که جای آن خالی است و جای خالی جمله فقط به وسیله آن کلمه تکمیل شود، یا هر نوع اشاره گفتاری دیگری که ممکن است به فکر او برسد بکار ببرد. تا بتواند در کمترین مدت ممکن دیگران را به حدس زدن واژه مورد نظر راهنمایی کند.

سایر بازیکن‌ها نیز باید به نوبه خود با دقت زیاد گوش کرده و به مجرد این که آن واژه را حدس زدند، آن را بیان دارند. در این حالت، نیازی به بلند کردن دست (برای کسب اجازه) نیست، چرا که این بازی، بازی سرعت و دقت است. به محض این که یک نفر واژه مورد نظر را گفت، بازیکن اول، در تأیید او می‌گوید: RIGHT! (صحیح است)، فوراً به سراغ واژه بعدی می‌رود و به معرفی آن می‌پردازد.

متصدی امتیازات^۲ با در نظر گرفتن یک امتیاز برای هر واژه حدس زده شده، نمره‌ای به آن بازیکن می‌دهد. (امسا کسی که واژه درست را حدس می‌زند در این بازی امتیازی دریافت نمی‌کند.)

در پایان زمان تعیین شده (مثلاً در پایان یک دقیقه) متصدی وقت نگهدار با صدای بلند اعلام می‌دارد: TIME! (یعنی وقت بازی تمام شد.) و بازیکن نخست باید صحبت کردن را متوقف کند چون از این لحظه به بعد هیچ امتیازی به او تعلق نمی‌گیرد. در این موقع متصدی امتیازها، جمع نمرات کسب شده او را اعلام می‌دارد.

شخص بعدی (در حلقه‌ای که نشست‌ه‌اند) بازی دوم را شروع می‌کند. برای این کار ابتدا «عنوان» واژه‌ها را که در واقع اسم یک طبقه یا مقوله‌ای از واژه‌هاست اعلام می‌دارد. آنگاه واژه‌های روی کارت خود را یکی یکی معرفی می‌کند و بازی ادامه می‌یابد.

وقتی که تمام افراد شرکت کننده هر کدام به ترتیب یک بار بازی کردند، دور اول^۲ بازی تمام می‌شود و اگر وقت کافی باقی مانده باشد می‌توانند دوره‌های بیشتری را بازی کنند. در این صورت، دانش‌آموزان برای هر دوره تازه بازی، باید کارت‌های جدیدی دریافت کنند، مگر اینکه بعضی‌ها بخواهند واژه‌های به کار برده شده کارت‌های قبلی خود را مورد استفاده قرار دهند.

در پایان بازی، برنده کسی است که جمع امتیازات کسب شده او تا پایان دور آخر از همه بیشتر است.

یادآوری: اگر بازیکنی متوجه شد که معرفی و تشریح واژه‌ای برای او دشوار است می‌تواند از توضیح آن صرف‌نظر کند و از آن واژه بگذرد. البته چنانچه بعد از توضیح همه واژه‌ها وقت اضافی داشت به آن برمی‌گردد و به معرفی آن می‌پردازد. اگر بازیکنی بطور تصادفی عین واژه‌ای را به زبان جاری کرد باید آن واژه را کنار بگذارد، چون برای حدس آن امتیازی به او داده نمی‌شود. همچنین اگر بازیکن در خلال معرفی واژه‌ای ناخودآگاه از حرکت دست خود استفاده کند یا به

BODY WORDS

1 ears

2 arms

3 hands

4 mouth

5 feet

6 eyes

7 face

8 fingers

روی هر کارت هشت واژه نوشته شده است که یک عنوان هم دارد. Body Words نیز عنوان این کارت است. [عنوان هر کارت در واقع مقوله کلی یا طبقه بندی کلی ای را برای آن واژه ها نشان می دهد.] شما تنها یک دقیقه وقت دارید تا تک تک واژه ها را به دانش آموزان دیگر تفهیم کرده، آنها را وادار به حدس زدن کنید»

معلم ادامه می دهد: «به شما توصیه می کنم که اجازه ندهید کسی روی کارت شما را ببیند. ابتدا عنوان (یا مقوله کلی) آن را برای دیگران می خوانید. و سپس واژه ها را یکی یکی معرفی می کنید یا توضیح می دهید. تا آنجا که ممکن است بطور واضح و روشن حرف بزنید و سعی کنید دیگران را وادار سازید که هر بار واژه مورد نظر شما را در کمترین زمان ممکن حدس بزنند. پس از اینکه یک واژه را حدس زدند، فوراً به معرفی واژه بعدی بپردازید. شما اجازه ندارید عین آن واژه را به زبان بیاورید. نباید در معرفی واژه ها از حرکت دستهای خود استفاده کنید یا اینکه به شبی در اطاق اشاره نمایید.»

نحوه اجرای بازی

از یکی از دانش آموزان بخواهید که نقش «وقت نگهدار» (time-keeper) را به عهده بگیرد و هر وقت مهلت یک دقیقه ای به پایان رسید آن را اعلام کند. روی کارت را بطرف خود نگاهدارید، و از واژه پایانی یا زیرین شروع کنید، و در باره آن برای افراد کلاس توضیحاتی بدهید که بتوانند هرچه زودتر آن واژه را براساس راهنمایی شما حدس بزنند. می توانید از راهنمایی های کوتاه، صریح و با مفهوم مانند آنچه در زیر آمده استفاده کنید:

عنوان واژه های کارت نمونه (به صورتی که در بالا ملاحظه شد)

برای این که به دانش آموزان ضعیف تر شانس مساوی داده باشیم، بهتر است لیست واژه های مشکلتر را به دانش آموزان شایسته تر محول کنیم، یا تعداد واژه هایی را که دانش آموزان کندتر باید معرفی کنند کاهش دهیم.

JUST-A-MINUTE ! Score Sheet

	TEAM TOTAL									
Round #1										
Round #2										
Round #3										
Round #4										
Round #5										
Round #6										
TOTAL										

JUST-A-MINUTE Earle's Publications Box 281, Roselle Park, N.J. 07062

	TEAM TOTAL									
Round #1										
Round #2										
Round #3										
Round #4										
Round #5										
Round #6										
TOTAL										

گونه گونی

همان بازی سوم را به نحوی که در بالا شرح داده شد اجرا کنید. اما کلاس را به ۲، ۳ یا ۵ تیم مساوی تقسیم کنید. هر بار یک تیم بازی را در کلاس اجرا می کند و تنها افراد هم تیم می توانند واژه ها را حدس بزنند «رکورد» زمان نیز باید هر بار به کل تیم اجراکننده داده شود نه به یک بازیکن منفرد.

شرح قوانین بازی برای کلاس

شما به سهولت می توانید قوانین بازی Just - A - Minute! را ضمن نشان دادن کارت نمایش ۴ نمونه (با عنوان Body Words) برای افراد کلاس توضیح دهید و قوانین آن را به صورت زیر تشریح کنید.

معلم: «ما می خواهیم یک نوع بازی تکلمی (شفاهی) را در کلاس انجام دهیم که به بازی Just - A - Minute (یک لحظه تأمل کن!) معروف است، هریک از ما کارتی شبیه این کارت دریافت می کنیم.

(راهنمایی برای نخستین واژه)

"You have five of these on each hand. You pick things up with them. You can wear a ring on them. One is a thumb.

(ترجمه: در هر دست پنج تا از آنها دارید. با آنها اشیاء را برمی دارید. می توانید حلقه انگشتری خود را در آن کنید. یکی از آنها شصت نامیده می شود.)

یکی از دانش آموزان با صدای بلند می گوید! Fingers و شما تأیید می کنید! RIGHT و سپس بدون فوت وقت به سراغ واژه دوم می روید.

(راهنمایی برای دومین واژه)

"This has your eyes, nose and mouth on it. It is the front part of your head, wash your hands and

(ترجمه: این واژه چشمها، بینی و دهان را در خود جا می دهد. قسمت پیشین سرهم است، دستها و ... خود را بشوید!)
از بین دانش آموزان یک یا چند نفر فریاد می زنند face, face و شما با گفتن! RIGHT گفته آنها را تصدیق می کنید و فوراً به معرفی واژه بعدی می پردازید:

(راهنمایی برای واژه سوم)

"You can see with these. They are in your face, some people have brown ones, some people have blue ones, some have black ones. Some people need glasses in front of them to see better."

(ترجمه: با آنها می توانید ببیند. در صورت شما قرار گرفته اند. بعضی مردم قهوه ای، برخی آبی و عده ای مشکی آن را دارند. بعضی مردم نیازمند به گذاشتن عینک در جلو آنها هستند تا بتوانند بهتر ببینند.)

باز هم یک یا چند نفر از بین دانش آموزان صدا می زنند Eyes و شما با گفتن واژه! RIGHT! برواژه پیشنهادی آنها صحنه می گذارید. و بی درنگ واژه بعدی را مطرح می سازید:

(راهنمایی برای واژه چهارم)

"You have two of these, they help you run fast, they are longer than arms. Your feet are at the bottom of them. You can walk with these or kick a football.

(ترجمه: شما دوتا از آنها را دارید، به شما کمک می کنند تا تند

بدوید. از بازوها (دستها) بلندتر هستند. کف پا در انتهای آنها قرار دارد. می توانید با آنها راه بروید یا توپ را شوت کنید.)

باز هم یک یا چند نفر از دانش آموزان با صدای بلند واژه Leg را حدس می زنند و شما با گفتن RIGHT حدس آنها را می پذیرید و واژه بعدی را فوراً شرح می دهید:

(راهنمایی برای واژه پنجم)

"You have these in your mouth. They help you eat, and bite food. They are white. Every morning you brush your

(ترجمه: شما آنها را در دهانتان دارید. به شما کمک می کنند تا غذا را گاز بگیرید و بجوید، همه آنها سفید هستند، هر روز صبح ... خود را مسواک می زنند.)

باز هم یک یا چند نفر از دانش آموزان واژه صحیح یعنی Teeth را حدس می زنند و شما با گفتن! RIGHT حدس آنها را تصدیق می کنید.

معرفی واژه های بعدی را نیز به همین نحو ادامه می دهید، ولی موقعی که وقت نگهدار بازی با صدای بلند می گوید! TIME'S UP (وقت شما تمام شد!) شما از ادامه صحبت باز می ایستید، متصدی امتیاز، در این موقع به همه نشان می دهد که امتیاز شما برابر است با تعداد واژه هایی که در محدوده زمانی تعیین شده حدس زده شده اند.

اکنون از افراد کلاس بخواهید که یک نفر داوطلب شود تا دور بازی را مجدداً آغاز کند. به هر گروه اجازه دهید تا یک دور کامل بازی کند. در پایان دور بازی، می توانید با به کار گرفتن کارتها یا واژه هایی که ایجاد مشکل کرده اند یک بار دیگر بازی را انجام دهید.

کاربردهای آموزشی این بازی

الف. برای افرادی که انگلیسی زبان اول آنهاست

این بازی می تواند به وسیله کودکان انگلیسی زبان که در سنین مختلف هستند، به شرطی که خواندن را فراگرفته باشند به کار برده شود. این بازی می تواند برای برانگیختن و تشویق دانش آموزان در استفاده از توصیف های خاص، انجام تفکر منطقی، روان و صریح صحبت کردن و بالاخره دقیق و باهدف گوش دادن بسیار سودمند باشد. بازی "Just - A - Minute" صحبت کردن در مقابل جمع را ساده می سازد چون وقت آن کوتاه و موضوع مورد بحث ملموس و مطالب آن برای ذهن آشنا است.

پس از هر دور بازی، ممکن است به گونه های مهارتی خاصی پی ببرید که نیاز به تقویت، اصلاح و پرورش داشته باشند. برای رفع این گونه مشکلات مثلاً می توانید تک واژه ای را از کارتی انتخاب کنید و از

زیر زبان تمامی افراد گروه ایده‌هایی را که به طرق گوناگون می‌توانند آن واژه را توصیف کنند بیرون بکشید تا از این طریق به کسی که می‌خواهد واژه‌ای را معرفی کند و یا حدس بزند کمک فکری زیادی کرده باشید. همین‌طور که بچه‌ها در این نوع مهارت پرورش می‌یابند، زمان را نیز کاهش دهید، یا اینکه به هر کدام (برای گزینش واژه‌های دلخواه) دو کارت بدهید.

پس از چند جلسه، ممکن است بازی خیلی ساده شود یا اینکه از همان جلسات اول احتمال دارد که بازی برای بچه‌های بزرگتر آسان‌تر بنماید، اینجا است که می‌توانید از بازیکنان بخواهید خود برای درست کردن فهرست واژه‌ها پیش قدم بشوند و نوبت بگیرند.

هریک از بازیکنان تیم، نخست می‌تواند یک کارت ۵ در ۸ سانتی‌متر را با هشت کلمه بر روی آن تهیه کرده و به یک بازیکن از تیم دوم بدهد. او نیز به نوبه خود باید افراد تیم خودش را وادار به حدس زدن آن واژه‌ها بنماید. بچه‌ها می‌توانند مقوله‌هایی را خلق کرده و پیشنهاد کنند، یا واژه‌هایی را از دفتر لغات خود، از کتاب خواندن یا از درسهای علوم پایه و علوم اجتماعی انتخاب نمایند. شما هم می‌توانید کارتهای تازه‌ای تهیه و در آنها واژه‌هایی را بگنجانید تا بچه‌ها با آنها تمرین کنند.

ب. برای افرادی که انگلیسی، زبان خارجی آنها است

در موارد زیادی دیده می‌شود که زبان‌آموزان خارجی در کلاس درس ساکت و غیرفعال هستند چرا که می‌خواهند پیش از اینکه زبان به سخن بگشایند، درست صحبت کردن را فرا بگیرند. این بازی برای تشویق و تشجیع آنها در بکارگیری زبان انگلیسی و برای تکلم با دیگران است، حتی اگر آن زبان را بطور ناقص یاد گرفته باشند.

موقعی که آنها بتوانند منظور خود را به دیگران تفهیم کنند و نگران درستی جنبه‌های دستوری گفته‌های خود نباشند، آنوقت احساس رضایت خاطر نموده و اعتماد به نفس پیدا می‌کنند. "Just - A - Minate!" به انگیزش زبان‌آموزان کمک می‌کند تا علاقه‌مند به غنی‌سازی واژگان خود شوند، جمله‌ها را با تلفظ دقیق بیان دارند؛ و روشن، سلیس و واضح صحبت کنند. با این وجود، نتیجه مهمتری که این بازی برای آنها بیار می‌آورد این است که متوجه می‌شوند که علیرغم همین محدودیت توانایی در کاربرد زبان انگلیسی، می‌توانند گفته‌های دیگران را بفهمند و منظور خود را نیز به سایرین بفهمانند.

پس از این که زبان‌آموزان با قوانین این بازی آشنا شدند و چندین بار آن را به طور تمرینی اجرا کردند و در زمانی کوتاه اعتماد به نفس و مهارت در صحبت کردن را به دست آوردند، شما می‌توانید عمل امتیازگذاری را برای آنها اجرا کنید، شما همچنین این اختیار و حق را دارید که یادداشتهایی از راهبردهای بازی زبان‌آموزان، موفقیت آنها،

دشواریهایی که پیدا می‌کنند، خطاهایی که مرتکب می‌شوند، و همچنین واژه‌هایی را که حذف می‌کنند تهیه نمایید، و در پایان هر دور بازی، می‌توانید براساس یادداشت‌های فراهم آمده، آموزش مناسب با درس مختصری هم به آنها بدهید که طی آن الگوها، راهبردها و اقلام واژگانی لازم به آنها تدریس گردد. (برای اطلاع شما نمونه‌های سودمندی از الگوهای تدریس را در زیر ارائه می‌دهیم.)

برای یک کلاس کوچک می‌توانید ضبط صوتی را در وسط میز یا کلاس قرار دهید، یک دور بازی را ضبط کنید، و نوار آن را برای دانش‌آموزان بخش کنید تا آنها را با تکلم موفق خود و جنبه‌ها و قسمتهایی از گفتارشان که می‌تواند اصلاح شود آگاه گردانید. بیاد داشته باشید که بخش نوار ضبط شده، بیشتر باید به منظور تشویق و برانگیختن دانش‌آموزان به تکلم باشد نه به خاطر تأکید بر «اصلاح غلطهای» آنها.

برخی از زبان‌آموزان ممکن است در یک یا دو دور نخستین بازی از خود کم‌رویی نشان دهند. شما می‌توانید، در صورت تمایل، آنها را نزد خود فراخوانده، به آنها ایده‌هایی بدهید که مثلاً در مورد چند کلمه مشکل از لیست خودشان چگونه توضیح بدهند و دیگران را به حدس زدن نزدیک سازند. همچنین می‌توانید از آنها بخواهید که اگر مایلند کارتهای خودشان را با کارتهای دیگری که فکر می‌کنند ساده‌تر است تعویض نمایند. یا این که اصولاً به آنها کاری را که در جلسه پیش «بازی شده است» بدهید تا با اطمینان خاطر بیشتری کارتهای خود را به معرض نمایش بگذارند. در شروع بازی به دانش‌آموزان اعلام نمایید قابل امتیازهای پایین مثلاً امتیاز یک یا دو برای آغاز بازی امتیازی قابل قبول و مورد تأیید است.

چند الگوی توضیحی سودمند برای تقویت دانش‌آموزان ضعیف

This is (a) (adjective, color, noun)

This is the opposite of

This is like a

This is a part of a

This is like , but it's (not)

This makes (people sick, children happy, teachers angry)

This makes (flowers grow, children laugh)

This is bigger (smaller, older, longer, faster, etc.) than a

This rhymes with

This person lives (works) in a

- | | |
|---------|-----------|
| 6. glue | 6. bright |
| 7. shoe | 7. kite |
| 8. drew | 8. polite |

This person can

This person s.

This can with this.

You do this with

You have this in your

You can find (see, buy, keep, etc.) this in a

You can put in this.

You need this when you

Boys (girls, babies) play with (use, wear) this.

Animals (people) (firemen, etc) need (use, eat, make,) this.

در پایان یک دور بازی، می‌توانید تعدادی تمرین الگو برای یک یا چند عنصر دستوری، که فکر می‌کنید برای یادگیری زبان آموزان شما مورد نیاز است، بسازید و با آنها تمرین کنید. مطمئناً در خلال بازی مواردی را مشاهده می‌کنید که دال بر این است که زبان آموزان به نحوی از انتحاء ازیازی کردن با کارتهای Just - A - Minute لذت می‌برند و برای پیشرفت زبان خود از آنها بهره می‌جویند.

WORDS THAT RHYME WORDS THAT "OO"

WITH "mat"

- | | |
|---------|-----------|
| 1. cat | 1. look |
| 2. fat | 2. school |
| 3. bat | 3. pool |
| 4. hat | 4. book |
| 5. sat | 5. zoo |
| 6. that | 6. boo |
| 7. at | 7. good |
| 8. rat | 8. moon |

WORDS THAT RHYME WORDS THAT RHYME

WITH "JANE"

1. cane
2. brain
3. chain
4. pain
5. rain
6. plane
7. shain
8. train

WITH "GATE"

1. wait
2. late
3. date
4. great
5. plate
6. skate
7. state
8. ate

WORDS THAT RHYME WORDS THAT RHYME

WITH "ME"

1. she
2. we
3. free
4. knee
5. see
6. key
7. ski
8. tea

WITH NG

1. ring
2. wrong
3. sing
4. hang
5. long
6. thing
7. bang
8. lung

WORDS THAT RHYME WORDS THAT RHYME

WITH "YOU"

1. blue
2. two
3. zoo
4. true
5. new

WITH "LIGHT"

1. night
2. flight
3. right
4. sight
5. tight

پاورقی

✻- Elizabeth Claire; **Just - A - Minute** Eardley
Publisher 1982.

- 1 - time keeper
- 2 - score keeper
- 3 - First round
- 4 - Flash card

- 4. mittens
- 5. eyeglasses
- 6. necklace
- 7. skirt
- 8. shorts

- 4. trees
- 5. flowers
- 6. people
- 7. dogs
- 8. bench

THINGS IN SCHOOL

- 1. paper
- 2. pencil
- 3. English
- 4. desk
- 5. teacher
- 6. chalk
- 7. dictionary
- 8. lesson

THINGS IN SCHOOL

- 1. pen
- 2. book
- 3. homework
- 4. chair
- 5. student
- 6. blackboard
- 7. closet
- 8. paste

THINGS IN A BOOK

- 1. word
- 2. page
- 3. chapter
- 4. story
- 5. sentence
- 6. picture
- 7. cover
- 8. title

THINGS IN A HANDBAG

- 1. keys
- 2. money
- 3. wallet
- 4. lipstick
- 5. tissue
- 6. matches
- 7. pen
- 8. change purse

WORKERS

- 1. teacher
- 2. mailman
- 3. doctor
- 4. bus driver
- 5. typist
- 6. barber
- 7. policeman
- 8. pilot

WORKERS

- 1. artist
- 2. dentist
- 3. mechanic
- 4. truck driver
- 5. secretary
- 6. clown
- 7. carpenter
- 8. mother

WORDS THAT RHYME

WITH "BREEZE"

- 1. freeze
- 2. cheese
- 3. please
- 4. bees
- 5. sneeze
- 6. these
- 7. squeeze
- 8. chinese

WORDS THAT RHYME

WITH "SPRING"

- 1. king
- 2. sing
- 3. thing
- 4. bring
- 5. spring
- 6. ring
- 7. wing
- 8. swing

WORDS THAT RHYME

WITH "CRIES"

- 1. eyes
- 2. flies
- 3. tries
- 4. skies
- 5. ties
- 6. pies
- 7. prize
- 8. size

WORDS THAT HAVE

LONG "O"

- 1. home
- 2. road
- 3. cone
- 4. bone
- 5. go
- 6. most
- 7. no
- 8. snow

THINGS TO WEAR

- 1. hat
- 2. dress
- 3. shoes
- 4. pants
- 5. shirt
- 6. tie
- 7. ring
- 8. pajamas

THINGS TO WEAR

- 1. coat
- 2. blouse
- 3. socks
- 4. jeans
- 5. belt
- 6. watch
- 7. boots
- 8. scarf

THINGS TO WEAR

- 1. jacket
- 2. suit
- 3. stockings

THINGS IN A PARK

- 1. grass
- 2. swing
- 3. birds

7. bird
8. monkey

ANIMALS

1. goat
2. rooster
3. fox
4. elephant
5. gorilla
6. cow
7. fish
8. grasshopper

THINGS TO EAT

1. hamburger
2. potato
3. cookie
4. apple
5. bread
6. eggs
7. chicken
8. corn

THINGS TO EAT

1. spaghetti
2. ice cream
3. peach
4. carrots
5. pie
6. jelly
7. cheese
8. steak

7. turtle
8. snake

THINGS IN A CITY

1. building
2. street
3. stores
4. people
5. bus
6. taxi
7. sidewalk
8. traffic light

THINGS TO EAT

1. hot dog
2. rice
3. candy
4. banana
5. cake
6. butter
7. fish
8. popcorn

THINGS AT A PARTY

1. cake
2. games
3. soda
4. table
5. food
6. laughing
7. people
8. dancing



WORKERS

1. beautician
2. salesperson
3. president
4. businessman
5. doorman
6. writer
7. lawyer
8. waitress

BODY WORDS

1. ears
2. teeth
3. toes
4. hair
5. nose
6. neck
7. eyes
8. hand

BODY WORDS

1. mouth
2. chin
3. chest
4. hips
5. ankle
6. lips
7. fingers
8. forehead

ANIMALS

1. horse
2. dog
3. kitten
4. tiger
5. alligator
6. chicken

CHRISTMAS WORDS

1. santa claus
2. snow
3. bell
4. reindeer
5. church
6. tree
7. christmas card
8. decorations

BODY WORDS

1. knee
2. face
3. arm
4. cheeks
5. elbow
6. stomach
7. shoulder
8. tongue

THINGS IN A HOUSE

1. kitchen
2. closet
3. window
4. rug
5. door
6. bedroom
7. light
8. mirror

ANIMALS

1. pig
2. cat
3. duck
4. donkey
5. dinosaur
6. butterfly

اخبار

گروه

زبانهای

خارجی

اخبار گروه زبان انگلیسی

وضعیت کتابهای انگلیسی در سال تحصیلی ۷۵ - ۷۴

کتابهای انگلیسی پایه اول، دوم و سوم برای چاپ در سال تحصیلی ۷۵ - ۷۴ مورد بررسی قرار گرفت.

کتاب انگلیسی سال چهارم دبیرستان و همچنین کتاب انگلیسی سال سوم دبیرستان از نظام جدید در دست بررسی است. تألیف کتاب انگلیسی پیش‌دانشگاهی که از مدتها پیش شروع شده است پایان یافت و اولین کتاب از مجموعه پیش‌بینی شده (کتاب دانش‌آموز، کتاب معلم، مواد آموزشی مربوطه به آزمایشگاه متن اضافی مربوط به معلم) آماده چاپ شد. گروه زبان انگلیسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف امیدوار است کار تألیف کتاب دوم نیز هرچه سریعتر پایان یابد. شایان توجه است که چند درس از کتاب انگلیسی ترم اول در چند منطقه آموزشی تدریس گردیده تا نقاط ضعف و قوت آن مورد بررسی قرار گیرد. ضمناً علاوه بر کتابهای مذکور حدود ۴۰ متن در برنامه پیش‌بینی شده است که فقط در اختیار معلم قرار می‌گیرد و در صورت امکان بصورت کارتهای مخصوص چاپ می‌گردد و به همراه کتاب معلم توزیع می‌شود.

دوره راهنمایی همچنان بدون تغییر چاپ خواهد شد. گروه زبان انگلیسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف در انتظار تصمیمات شورای عالی آموزش و پرورش در خصوص پیشنهادهاى خود در رابطه با افزایش ساعات درس زبان در برنامه دوره راهنمایی می‌باشد.

نحوه ارزشیابی درس زبان انگلیسی در دوره راهنمایی مورد تجدید نظر قرار گرفت و طی بخشنامه شماره ۹۱۰/۳۷۸۶/۲۹ - ۷۳/۸/۱۸ به اداره کل امتحانات جهت اقدام ارسال گردید.

با توجه به اهمیت نقش معلم در فرآیند تدریس کمیته برنامه‌ریزی درس زبان انگلیسی در دروه پیش‌دانشگاهی پیشنهادهاى خود را برای آموزش دبیران این دوره ارائه نمودند تا پس از بررسیهای لازم توسط

مقامات زیربط به مورد اجرا گذارده شود.

با تصویب برنامه جدید آموزش زبان در دوره دو ساله تربیت معلم، اداره کل آموزشهای ضمن خدمت با همکاری گروه زبان انگلیسی، اقدام به برگزاری جلسات توجیهی نمود. در این دوره که در تابستان سال ۷۳ با حضور تعدادی از مدرسین مراکز تربیت معلم برگزار شد، برنامه جدید آموزشی آموزش زبان انگلیسی تشریح و چگونگی تدریس بعضی از دروس نرم اول و دوم توسط اساتید ارائه شد و به پاره‌ای از سؤالات مدرس محترم در خصوص برنامه پاسخ داده شد. کتاب روش تدریس انگلیسی پایه اول و دوم دبیرستان چاپ شد و در سال تحصیلی جدید آماده توزیع می‌باشد.

اخبار گروه زبان آلمانی

کتابهای اول، دوم و سوم دبیرستان نظام جدید (واحدی) برای چاپ ۷۵ - ۷۴ به دفتر چاپ و توزیع ارسال گردید.

همچنین کتاب دوم دبیرستان نظام جدید با تغییرات در بعضی از متون برای چاپ ۷۵ - ۷۴ ارسال گردید. کتاب پیش‌دانشگاهی زبان آلمانی مراحل چاپ نهایی را می‌گذراند و برای سال تحصیلی ۷۵ - ۷۴ پیش‌بینی شده است.

در کنار کتاب پیش‌دانشگاهی، کتاب تمرین بنام «تمرین برای فراگیران آلمانی» *Übungsbuch für Deutsch lernende*. نیز تألیف گردیده که هم‌اکنون مراحل نهایی چاپ را می‌گذراند. کتاب روش تدریس کتابهای نظام جدید متوسطه (واحدی) نیز در حال تألیف می‌باشد.

به منظور توسعه بیشتر زبانهای غیرانگلیسی (آلمانی و فرانسه) گروه زبان آلمانی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی دردی‌ماه ۱۳۷۳ اقدام به تهیه پرسشنامه‌ای در زمینه بررسی مسائل و مشکلات دانش‌آموزانی که زبان خارجی آنها آلمانی می‌باشد، نموده است.

نمونه آثاری یکی از مدارس راهنمایی پسرانه کرج بوده و از بین دانش‌آموزان ۱۰ کلاس آن مدرسه، سه کلاس به طور تصادفی انتخاب و پرسشنامه‌ها بین آنها توزیع گردید.

نتایج استخراج این نظرسنجی در شماره‌های آینده مجله درج خواهد شد.

گروه زبان فرانسه

چاپ کتابهای جدیدالتألیف زبان فرانسه: سال دوم و سوم راهنمایی تحصیلی همچنین سال اول متوسطه به پایان رسید. و هم‌اکنون کتابهای نامبرده در انتشارات مدرسه به فروش می‌رسد.

البته پاره‌ای از اشتباهات و اغلاط چاپی در کتابهای مزبور دیده می‌شود که توسط مؤلفین و کارشناسان گروه زبان فرانسه در دست بررسی است تا اصلاحات نهایی بر روی آنها صورت گیرد.

مراحل آماده‌سازی کتاب روش تدریس (راهنمای معلم) برای کتابهای فرانسه جدیدالتألیف دوره راهنمایی تحصیلی پایان رسیده و

برای چاپ به چاپخانه فرستاده شده است. امید است تا پایان سال جاری از چاپ خارج و در اختیار دبیران و دیگر مدرسین قرار گیرد. کتاب فرانسه جدیدالتألیف سال دوم متوسطه در سال جاری تحصیلی به صورت آزمایشی و زیراکس در اختیار دانش‌آموزان و دبیران قرار گرفته و تدریس می‌شود. و در سال آینده بعد از جمع‌آوری نظریات و پیشنهادهای رسیده، اصلاحیه‌نهایی بر روی کتاب مزبور انجام خواهد شد. این اصلاحیه زیر نظر کمیته‌ای متشکل از مؤلفین، استادان و دبیران زبان فرانسه صورت گرفته و برای چاپ به دفتر چاپ و توزیع فرستاده خواهد شد. بنابراین از صاحبان نظران و علاقمندان به این زبان درخواست می‌شود نظریات خود را نسبت به این کتاب آزمایشی به صورت کتبی به گروه زبان فرانسه ارسال نمایند تا در اصلاحیه‌نهایی مربوط به این کتاب منظور گردد.

جهت آشنایی دبیران زبان فرانسه همچنین قبولشدگان آزمونهایی سه‌گانه داوطلبان دبیری زبان فرانسه با روشهای تدریس کتابهای فرانسه جدیدالتألیف سال اول و دوم متوسطه، کلاسهای توجیهی در روزهای پنجشنبه ۶ و ۱۳ بهمن در محل سازمان تشکیل گردید و مؤلفین کتابهای مزبور، تدریس در این کلاسها را برعهده داشته‌اند.

از آنجا که تعداد دبیران زبان فرانسه شهرستانها اندک است بنابراین دعوت از آنان جهت شرکت در این کلاسها مقدور نبود، ولی در نظر است جزوه‌ای از دروس تدریس شده توسط مؤلفین تهیه شود و برای استفاده کلیه دبیران (فرانسه) مناطق آموزشی تهران و شهرستانها ارسال گردد.

با انتشار کتابهای فرانسه جدیدالتألیف مقطع راهنمایی تحصیلی، تهیه نوارهای درسی این کتابها نیز در دست اقدام است. گروه زبان فرانسه با انجام برنامه‌ریزیهای لازم در صدد جلب موافقت دفتر تکنولوژی آموزشی است تا بلکه نوارهای ویدئویی را جهت کتابهای مزبور آماده سازد.

تألیف کتابهای فرانسه سال سوم متوسطه و دوره پیش‌دانشگاهی به اجبار و به طور همزمان برای سال تحصیلی ۷۶ - ۱۳۷۵ آماده خواهد شد به این دلیل که کتاب کورپراتیک جلد سوم همراه با جزوه تمرینهای ساختاری، در سالهای تحصیلی سال سوم و چهارم متوسطه تدریس می‌گردد بنابراین حذف این کتاب از دور تحصیلی، بایستی زمانی صورت گیرد که هر دو کتاب جدیدالتألیف نامبرده جایگزین آن شود.

کتاب روش تدریس (راهنمای معلم) کتابهای دوره متوسطه، بعد از پایان تألیف و انتشار کتاب سال سوم متوسطه (آخرین سال دوره متوسطه) تهیه و تدوین خواهد شد چون قرار بر این شده است که برای کتابهای هریک از مقاطع تحصیلی، یک کتاب روش تدریس تألیف و در اختیار دبیران قرار گیرد. با توجه به اینکه همه ساله کلاسهای توجیهی جهت آشنایی دبیران زبان فرانسه با روشهای تدریس کتابهای جدیدالتألیف برگزار می‌گردد و پاره‌ای از اشکالات آموزشی آنها بدین وسیله برطرف می‌شود.

معرفی

کتاب



زبانگی، عوامل اجتماعی مؤثر در زبان آموزش، بررسی محیط دو زبانه، تعلیم و تربیت و دوزبانگی، زبان آمیخته و همچنین آموزش و پرورش را بررسی می‌نماید. هیأت تحریریه مجله رشد آموزش زبان مطالعه این کتاب مفید و ارزشمند را به تمام دبیران، دانشجویان تربیت معلم و آموزش زبان توصیه می‌نماید.



این کتاب دارای چهار بخش است که هر بخش، ضمن بررسی جنبه‌های مختلف جامعه‌شناسی زبان، حاوی مقالات مهمی است که نویسندگان مشهور و متخصص نوشته‌اند. کتابهای قبلی صرفاً به جامعه‌شناسی زبان پرداخته‌اند ولی این کتاب علاوه بر مرور نکات مهم در این زمینه بر یادگیری و تدریس زبان نیز تأکید خاصی دارد و مواردی جو اتکای دستور دانان به جامعه‌شناسی زبان، انتقال اطلاعات کودکان به معلمین، قابلیت‌های زبانی کودکان و لهجه‌ها، کاربرد آموزشی جامعه‌شناسی زبان، دو

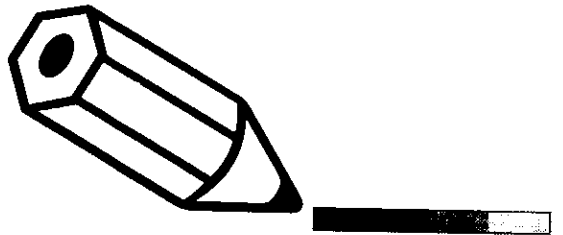
یادداشت

محمدرضا عنانی سراب
کارشناس دفتر برنامه ریزی و تألیف

با سلام خدمت خوانندگان محترم مجله رشد زبان در شماره قبل (۳۹) بحثی را در مورد املاء (Spelling) در زبان انگلیسی آغاز کردیم که در آن به بعضی از مشکلات اشاره شد در این شماره بحث را با نحوه تدریس املاء پی می‌گیریم. علیرغم تفاوت‌های آشکار میان تلفظ و املائی بعضی از کلمات در زبان انگلیسی قانونمندیها و الگوهای نوشتاری بسیاری نیز وجود دارد که می‌تواند مبنای تسلط بر این مقوله قرار گیرد. به عنوان مثال صدای /S/ در ابتدای کلمه با S و در انتهای آن با SS نمایانده می‌شود (sad, mess). حرف c قبل از حروف i, e یا y تقریباً همیشه صدای /S/ دارد (city, cell, cycle) در حالیکه قبل از حرف a, o یا u صدای /K/ می‌دهد (camp, court, cup). نماینده صدای /K/ در ابتدای کلمه هنگامی که حروف بعدی آ یا e باشند حرف k می‌باشد (kill, ken- nel). در انتهای کلمات تک‌هجایی یا هجاهای فشاربر این صدا با ck نوشته می‌شود (check, knickknack). در حالی که در هجاهای فاقد تکیه با c نمایانده می‌شود (attic, traffic). Q همیشه با u همراه است تا با صدای /KW/ هماهنگ باشد (quit, quack). اینها نمونه‌ای از قواعد است که دانستن آنها به دانش آموزان در املاء کمک می‌کند. در اینجا لازم است به چند الگوی املائی نیز اشاره کنیم. ارتباط واژ-واجی (morphophonemic) در کلمات هم‌خانواده مثلاً finite - infinity که مشخصه بارز آن تبدیل واکه مرکب (diphthong) به واکه ساده است (/I/ به /aI/) می‌تواند مبنای الگویی باشد که املاء را به تلفظ ربط می‌دهد. به عبارت دیگر املاء بطور غیر مستقیم منعکس کننده تلفظ است. این الگو منحصر به کلمات هم‌خانواده نیست و در سایر کلماتی که از نظر معنایی ارتباطی ندارند نیز یافت می‌شود. در این الگو مصوت‌های پنج‌گانه با دو صدای کوتاه و بلند مشخص می‌شوند. مصوت‌ها هنگامی که قبل از یک یا دو صامت قرار گیرند صدای کوتاه (واکه ساده) و اگر با یک صامت و e غیر ملفوظ همراه شوند صدای بلند (واکه مرکب) خود را خواهند داشت.

بده

نامه‌ها





دانش آموزان بتدریج ما موارد استثنایی از قبیل کلماتی که در داخل برانتر رفته اند نیز آشنا می شوند.
الگوی کلمات تک هجایی با مصوت بلند (واکه مرکب) را نیز به صورت زیر می توانیم نشان دهیم.

مثال	بلند	مثال	کوتاه	مصوت
mate	/eɪ/	mat	/æ/	a
pete	/i:/	pet	/e/	e
bite	/aɪ/	bit	/ɪ/	i
note	/əʊ/	not	/ɒ/	o
rube	/u:/	rub	/ʌ/	u

مصوت + مصوت	صامت + مصوت + مصوت
Rae	maid
see	feel
die	lied
toe	road
blue	soup
too	

الگوی املائی تک هجایی با مصوت های کوتاه به ترتیب زیر می باشد.

صامت مرکب	بادو صدا	با صدای واحد
tax	ask	sang
hex	germ	deck
six	gift	with
box	cost	lock
flux	bust	such

(نیمه مصوت) (مصوت) e + صامت + مصوت

/eɪ/	ace	pay, they
/i:/	theme	be, key
/aɪ/	dice, (type)	by, buy
/əʊ/	home	go, show
/ɪ:/	fume	flu, chew, do

الگوی فوق نیز می تواند مبنای تمرین های املائی قرار گیرد
مثال:

race	pay	raid
pace	may	
case	day	paid
face		
vase	ray	(said)*
made	hay	

واکه ساده	مصوت	یک صامت	دو صامت
/æ/	a	at	add
/e/	e	hen	mess
/ɪ/	i	sin	hill
/ɒ/	o	on	off
/ʌ/	u	but	putt

هر کدام از این الگوها را می توانیم جداگانه تدریس کنیم. به عنوان مثال به دو نمونه زیر توجه کنید.

deck	lack	sick	dock
neck	pack	pick	lock
	sack	hick	(knock)
	back	kick	mock
		tick	rock

hen	an	pin	on	fun
then	can	fin	(done)	run
	fan			
pen	man	sin	(gone)	sun
men	Pan	tin		
ten	ran	win	(none)	
	tan		son	
	van			

* در این الگو کلمه said استثناست و بایستی بدان اشاره شود. به طور کلی توصیه می شود برای تدریس الگوهای فوق از روش آشنایی و تداعی استفاده می شود. صداها را می توانیم بصورت شفاهی در کلمات جداگانه یا دریافت جمله ارائه دهیم. هنگامی که دانش آموزان برای هر الگو تعداد قابل توجهی کلمه آموختند می توانیم آنها را به صورت یک درس املاء ارائه کنیم بطوریکه ارتباط میان حروف و صداها بخوبی نمایانده شود. بعنوان مثال oo املائی درست کلماتی است که صدای /u/ دارند (wood, foot, stood, good, book). oo در دسته دیگری از کلمات صدای /u:/ دارد (moon, choose, tooth, food) این دو الگو را ابتدا جداگانه تدریس می کنیم و سپس در فرصتی دیگر آنها را به هم ارتباط می دهیم و در مراحل بعد کلماتی نظیر flood و blood را که موارد استثنایی الگوی فوق می باشند را نیز ارائه دهیم. در شماره بعد الگوهای دیگری نیز معرفی خواهد شد.



همان طور که ملاحظه می فرمایید با آشنایی با این الگوها

تجزیه و تحلیل چند نمونه از سوالات درس زبان انگلیسی کلاسهای چهارم ریاضی دبیرستانهای سراسر کشور در خرداد ماه ۱۳۷۳

حبیب... کشمیری

مطلبی که از نظر خوانندگان محترم

می‌گذرد بررسی چند نمونه سوال زبان انگلیسی امتحانات نهایی خرداد ۷۳ می‌باشد که توسط یکی از دبیران علاقه‌مند دبیرستانهای مشهد انجام گرفته است. از آنجا که این اولین قدمی است که توسط این همکار برداشته شده است، انتظار می‌رود دبیران علاقه‌مند آن را تقویت نموده و با ارسال نتایج بررسیهای خود در جهت بهبود کیفیت سوالات امتحانها گام میسری بردارند.

می‌شود و وی را از تجزیه و تحلیل سوالات خویش قبل از امتحان باز می‌دارد باعث این کاستی‌هاست و در چنان موقعیتی احتراز از آنها از عهده هیچکس ساخته نیست.^۲

نحوه انجام تجزیه و تحلیل

مواردی است که طراح را از تجزیه و تحلیل سوالات باز می‌دارد و باعث می‌شود سوالات کاستی‌هایی داشته باشند که در بین دانش‌آموزان کلیه شهرستانهای استان خراسان نمرات موجود گواه بر سه سطح توانایی‌اند

الف - دانش‌آموزان مراکز استعدادهای درخشان با معدل سرانه ۱۷ ب - دانش‌آموزان سال چهارم ریاضی، معدل سرانه این گروه در سه دبیرستان سطح بالای ناحیه ۴ آموزش و پرورش مشهد ۱۲/۶۰ (سطح بالا از آن جهت ذکر شد که امکانات خانوادگی و تحصیلی اکثریت نسبی آنها فراهم است و عمدتاً دبیران با تجربه‌ای بالای ۲۰ سال خدمت در آنجا به تدریس مشغولند).

معدل سرانه ۹۸ نفر دبیرستان اولی ۱۲/۴۰ و دومی با ۱۹۹ نفر ۱۲/۹۰ و ۸۷ نفر سومی ۱۱/۷۰ می‌باشد.

ج - هنرستانها، که معدل سرانه ۱۰۰ نفر ۷/۶۰ است.

برای آنکه گروه مورد تحلیل از حداکثر فراوانی در سطح استان برخوردار باشد، یک دسته ورقه از یکی از شهرستانهای استان با معدل

تستهای معلم ساخته (teacher made tests) پدیده نابهنجاری است که در این عصر و زمانه با وجود تحقیقات ارزنده‌ای که در سطح دنیا در عرصه ارزشیابی صورت گرفته است هنوز هم وبال گردن استاد و محصل در تمام سطوح تحصیلی این ملک از دبستان تا پایان دانشگاه می‌باشد و اثرات مخرب آن در یادگیری پراهل فن پوشیده نیست.

از آنجا که یکی دو سالی است که اداره کل امتحانات وزارت آموزش و پرورش در پی بهسازی سوالات می‌باشد و از سوی دیگر همکاران ارجمند من طراح سوالات مذکور، با تمام محدودیت‌هایی که در سرازش وجود داشته است، نهایت اهتمام را به کار بسته و سوالات جامعی طرح کرده و به امید آنکه ارزشیابی این علم جایگاه و مقام اصلی خود را در عرصه آموزش این ملک کسب کند، به تجزیه و تحلیل چند نمونه سوال چهار جوابی فقط از نقطه نظر درجه دشواری، قدرت تشخیص discrimination، پرداختم^۱. مطلب دیگر آنکه برخی از همکاران متأسفانه بدون توجه به قوانین و قواعد ظریف ارزشیابی برسادگی سوالاتا خرده می‌گیرند و این قبیل اظهار نظرها که به بهانه‌جویی بیشتر شبیه است در مورد سوالات زیبای کنکور هم بیان می‌شود^۲. این مسئله نیز مرا بر آن داشت که این قدم کوچک را در این مسیر نو بردارم و اگر در ضمن تحلیل به موارد کوچکی از ضعفها اشاره می‌شود دلیل ضعف طراح نیست و اگر منصفانه قضاوت کنیم باید اعتراف کرد که محدودیت‌هایی که به جهت حفظ و حراست سوال الزاما بر طرح اعمال

سرايه ۱۰/۰۷ انتخاب شد و نتايج بررسي شرح زير مي باشد.

1. I am getting tired . I wish the speaker would **confine** himself to the subject.

A. continue B. review C. comment D. re-strict

الف - درجه دشواري ۰/۶۵

ب - قدرت تشخيص ۰/۱۵

ج - نحوه عمل گزينه هاي غلط عالي

High Group	Low Group
A ۱ نفر	۱ نفر
B -	۲ نفر
C يك نفر	دو نفر
D ۸ نفر	پنج نفر
x	

2. Working in a coal mine serious risk to the heath;

A. safety B. danger C. reason D. salary

الف - درجه دشواري ۰/۶۵

ب - قدرت تشخيص ۰/۱۵

ج - نحوه عمل گزينه غلط (c) بسيار ضعيف

High Group	Low Group
A ۱ نفر	۴ نفر
B ۸ نفر	۵ نفر
C	۱ نفر
D -	-
x	

3. **Finally**, we decided to tell father about the acident

A. Slowly B. Honestly C. lastly D. Really

الف - درجه دشواري ۰/۹۰

ب - قدرت تشخيص ۰/۰۵

ج - نحوه عمل گزينه هاي غلط A و D ضعيف

High Group	Low Group
A -	-
B -	يك نفر
C ۱۰ نفر	۹ نفر
D -	-
x	

4. Do you know what the content of this dotele is?

A. capacity B. content C. ability D. bal-ance

الف - درجه دشواري ۰/۸۰

ب - قدرت تشخيص ۰/۲۰

ج - نحوه عمل گزينه هاي غلط نسبتا خوب

High Group	Low Group
A ۱۰ نفر	۶ نفر
B -	۱ نفر
C	۱ نفر
D	۲ نفر
x	

5. There is very little water in the desert because so 7 rain falls there when it 8 , the water soon goes 9 in to the sand. Desert 10 don't

7.A. much B. heavy C. clear D. little

الف - درجه دشواري ۰/۶۵

ب - قدرت تشخيص ۰/۰۵

ج - نحوه عمل گزينه غلط (c) ضعيف

High Group	Low Group
A ۲ نفر	
B ۲ نفر	
C ۲ نفر	نفر
D ۴ نفر	۸ نفر
x	

توجه. به نظر می‌رسد که spelling trap این سؤال باعث اشکال در قدرت تشخیص شده است.

در خاتمه باید اعتراف کنم که این تحقیق عاری از اشکال نیست. از تمام کسانی که در وادی ارزشیابی مطالعاتی دارند تمنا می‌کنیم که موارد نقص را یادآور شوند تا همکارانم و من در قدمهای بعدی از آنگونه نواقص احتراز جویم.
پاورقی:

۱- میزان حدس و گمان (معادله گلیفورد، صفحه ۱۹۵ کتاب «اندازه‌گیریهای روانی و تربیتی و فن تهیه تست» نوشته آقای دکتر حیدر علی هومن) در محاسبات ملحوظ نشد.

۲- درصد دشواری یک سوال ایده‌آل از نظر دکتر فرهادی برای ۴ جوابی‌ها عدد ۰/۶۳ میباشد. (مجله رشد زبان - شماره ۲ و ۳ زمستان ۶۴ و بهار ۶۵ صفحه ۶۳)

در کتاب «Techniques in Testing» (صفحه ۱۸۲، بالای ۰/۹۰ سوال خیلی ساده و زیر ۰/۳۰ خیلی مشکل است و درجه تشخیص هم ۰/۱۵ و بالاتر آمده است. گزینه‌های غلط distractorهای بسیار ضعیف‌هایی هستند که مورد انتخاب هیچ کدام از دو گروه قرار نگیرند.



High Group	Low Group
A	یک نفر
B	دو نفر
C	-
D	۶ نفر
x	۱ نفر

8. A. rains B. snows C. heats D. moves

الف - درجه دشواری ۰/۲۵

ب - قدرت تشخیص ۰/۰۵

ج - نحوه عمل گزینه‌های غلط قابل قبول

8.

High Group	Low Group
A ۴ نفر	۳ نفر
B ۲ نفر	۱ نفر
C	۱ نفر
D ۴ نفر	پنج نفر
x	

9. A. high B. long C. deep D. up

الف - درجه دشواری ۰/۴۵

ب - قدرت تشخیص ۰/۱۵

ج - نحوه گزینه‌های غلط قابل قبول

9.

High Group	Low Group
A ۲ نفر	۳ نفر
B	۱ نفر
C ۶ نفر	۳ نفر
D ۲ نفر	۲ نفر
x	

10. A. planes B. plans C. planets D. plants

الف - درجه دشواری ۰/۶۰

ب - قدرت تشخیص ۰/۰۲

ج - distractorها همه مناسب

10.

آزمون های تستی زبان و سنجش معلومات دانش آموز

دکتر ژاله کهنمویی پور

چوب برنامه های آموزشی انجام گرفته...

در اینجا آنچه بیشتر مورد بحث و نظر ماست، تستهای آموزشی زبان مخصوص امتحانات پایان سال یا هر ثلث تحصیلی است. این تستها بر مبنای آنچه در کلاس یا به صورت جزوه و کتاب، در طول یک مدت زمان خاص به داوطلب آموخته شده، تهیه و تنظیم می شود. هر دبیری قادر است به راحتی تعداد زیادی از این تستهای آموزش زبان را تهیه نموده در طول سال - به طور هفتگی یا ماهیانه - یا در پایان هر ثلث تحصیلی در اختیار دانش آموز بگذارد.

آزمونهایی که جهت ارزشیابی آموخته های دانش آموز انجام می گیرد، انواع مختلف دارد:

- آزمونهای باز^۵ که در آن خلاقیت دانش آموز در نظر گرفته شده است. بدین معنی که در پاسخ گفتن، دانش آموز آزاد بوده کلمات و جملات زبان خارجی را که آموخته است به میل خود و به انتخاب خود بکار می برد. مثلاً از او خواسته می شود گفتگویی را بین دو نفر در بیست سطر و در مورد مسئله ای خاص که از قبل تعیین شده به زبان فرانسه تنظیم کند، یا در نامه ای خطاب به دوستش درباره کتابی که اخیراً مطالعه کرده است، توضیحانی در ده الی پانزده سطر، به زبان فرانسه، بدهد. در این نوع آزمون دانش آموز می تواند قدرت خلاقیت خود را کاملاً نشان دهد.

- آزمونهای نیمه باز^۶ که در آن دانش آموز خود باید پاسخش را تهیه کند ولی در یک چهارچوب محدودتر از آزمونهای بالا، مثلاً

* آیا آزمونهای تستی زبان به تنهایی جهت ارزشیابی میزان معلومات دانش آموز کافیت؟ یا فقط پنجاه درصد از این ارزشیابی را انجام می دهد.

* کاربرد تستهای شفاهی و کتبی در کلاسهای آموزش زبان فرانسه،

در حال حاضر سالهاست که آزمون ورود به دانشگاهها به صورت تست انجام می شود، بهمین دلیل بهتر است معلمین در دوره راهنمایی و دبیرستان بتدریج دانش آموز را برای پاسخ گویی به تستهای آزمون کنکور آماده سازند. وقتی سخن از آزمون تستی به میان می آید، یک نوع مشخص از تست در نظر مجسم می شود، یعنی آزمونی که در آن برای هر سؤال مطرح شده سه یا چهار جواب وجود دارد و داوطلب باید یکی از آنها را که به تشخیص خود جواب صحیح می باشد علامت بزند - که در کنکور سراسری از این نوع تستها استفاده می کنند. در صورتیکه واژه تست مفهوم گسترده تری دارد و آزمون تستی فقط محدود به سوالات سه یا چهار گزینه ای نیست. همچنین تستهای مختلف جهت هدفهای مختلف در نظر گرفته شده است. مثل تست کلاس بندی^۱ و انتخاب رشته، تست پایان سال، ثلث یا نیمسال تحصیلی^۲، تستهای مخصوص جهت تشخیص نقطه ضعف دانش آموز در هر درس^۳ و تست جهت تشخیص پیشرفتهای دانش آموز^۴ در چهار

بخشی از جمله به او داده می‌شود و دانش‌آموز باید آن را تکمیل کند.

مثال:

Complétez ce début de phrase:

La personne à qui....

البته جملات تکمیل شده باید مفهوم داشته باشد. یا تمریناتی که در آنها فعل بصورت مصدر در داخل پارانتز، قرار می‌گیرد و دانش‌آموز باید با توجه به تطابق زمانها، زمان مشخص از آن فعل را در جمله بنویسد.

مثال:

Mettez le verbe au temps convenable:

Quand je (prendre) mon petit déjeuner, je passerai un coup de fil à ma cousine.

یا همچنین تمریناتی که در آن یک جمله یا یک متن کوتاه، مثلاً به زمان حال را، به دانش‌آموز داده از او می‌خواهیم تمام افعال را به گذشته برگرداند. و یا متنی در اختیار دانش‌آموز گذاشته می‌شود که به فاصله‌های معین، بجای واژه مناسب نقطه چین شده است و باید دانش‌آموز خود، صفت، حرف تعریف، فعل ... و خلاصه واژه مناسب حذف شده از متن را پیدا کند.

هدف از این نوع آزمونها معمولاً سنجش شناخت دانش‌آموز از واژه‌ها و ساختارهای دستوری و قدرت خلاقیت او در کاربرد آنهاست.

– آزمونها یا تستهای بسته^۷ که در آن قدرت خلاقیت دانش‌آموز چندان مورد بحث نیست بلکه تست چهار یا سه جوابی در اختیار داوطلب می‌گذارند و او فقط باید پاسخ صحیح را بین آن گزینه‌ها تشخیص دهد و علامت بگذارد، مثال:

“Avez - vous fait une bonne pêche aujourd'hui?”

A - Non merci, je préfère les poires.

B - Mais oui, j'ai bien fait de prendre ce papier

C - C'était mieux la semaine dernière.

باید گزینه‌ها طوری تهیه شود که دانش‌آموز جواب صحیح را – ولو اگر مطالعه چندان هم نداشته باشد – بدون کوچکترین تأمل، حدس

زنند، بدین معنی که گزینه‌های غلط نباید زیاد دور از ذهن و خارج از موضوع مطرح شده باشند. دبیران می‌توانند بخصوص در دوره دبیرستان تستهای متعدد آموزش زبان را برای دانش‌آموزان تهیه کنند تا آنها را جهت پاسخ‌گویی به سؤالات کنکور سراسری آماده سازند.

گاهی می‌توان در تستها متن هم ارائه کرد ولی این متنها نباید بلند باشند: دو یا سه سطر کافیسست و در ارتباط با این متن کوتاه می‌توان دو یا سه سؤال مطرح کرد. اگر فقط هدف، آزمایش میزان معلومات زبانی یا دستوری دانش‌آموز است، متن می‌تواند به تعداد سؤالات مطرح شده درباره آن، بیانگر یک، دو یا سه مسئله زبانشناسی یا دستوری باشد.

آنچه تا اینجا گفته شد مربوط به تستهای کتبی بود. ولی یک سری تستهای شفاهی هم می‌تواند در کلاس مورد استفاده قرار گیرد که کمک فراوانی به تقویت زبان دانش‌آموز در مکالمه، درک مفهوم متن شفاهی می‌کند. گرچه این تستها در کنکور سراسری کاربردی ندارد ولی بر آموخته‌های شفاهی دانش‌آموز می‌افزاید و بطور غیر مستقیم در پاسخ‌گویی به تستهای کتبی نیز اثر مثبت دارد.

در تستهای شفاهی غالباً سؤال مطرح شده یا متنی که دانش‌آموز باید مفهوم آن را درک کند تا گزینه صحیح را انتخاب نماید، روی نوار بخش می‌شود یا اینکه معلم آن را می‌خواند و گزینه‌ها در پاسخ‌نامه درج شده است: گاهی پاسخ‌ها روی ورقه پاسخ‌نامه نوشته شده، گاهی آنها نیز به صورت شفاهی بیان می‌شود و دانش‌آموز روی پاسخ‌نامه فقط حروف A و B و C و D را در ارتباط با چهار گزینه دارد که باید یکی از آنها را علامت بگذارد.

بطور مثال می‌توان متن زیر را در نظر گرفت که روی نوار برای دانش‌آموز پخش می‌شود یا توسط معلم قرائت می‌شود:

“Vous êtes en France et vous attendez un ami qui arrive par le train de Dieppe. Sur le quai vous entendez l'annonce suivante:

“Le train de Dieppe, arrivée 15 h 15, voie numéro 3, aura un retard de 10 minutes sur l'horaire prévu et arrivera voie numero 6.”

به دنبال شنیدن این متن دو سؤال (یا بیشتر) مطرح می‌گردد که این دو سؤال یا روی پاسخ‌نامه نوشته شده یا دانش‌آموز پاسخ‌ها را نیز به صورت شفاهی دریافت می‌کند و روی پاسخ‌نامه فقط شماره هر گزینه را به همراه دو کلمه Oui/Non می‌بیند که در ارتباط با آن گزینه باید یکی را ضربه بزند.

1- Le train a dix minutes de retard. Oui/Non

2 - Le train arrivera voie numéro 3. Oui/Non

در تستهای شفاهی برای نوجوانان بهتر است تعداد جواب متعدد نباشد و فقط بهمان **Oui** و **Non** یا **Vrai ou faux** اکتفا شود، زیرا سوالات چند جوابی در متون شفاهی، مخصوصاً زبان‌آموزان پیشرفته است. همچنین معلم می‌تواند تلفظ دانش‌آموز و میزان آشنایی او را به تلفظ صحیح از روی تستهای شفاهی بسنجد. مثال جهت سنجش میزان تشخیص تلفظ صحیح در دانش‌آموز.

Vous allez entendre un mot. Après un bref silence vous entendrez deux autres mots. Indiquez si un seul de ces mots ou bien les trois mots sont identiques au modèle initial.

modèle initial: **Coeur**

- 1- Cour
- 2- coeur
- 3 - Cure

دانش‌آموز در پاسخ‌نامه خود، این گزینه‌ها را دارد:

- A- Le Premier mot est identique.
- B - Le deuxième mot est identique.
- C - Le troisième mot est identique.
- D - Les trois mots sont identiques.
- E - Aucun des mots n'est identique.

در این نوع تستها نیازی نیست که دانش‌آموز حتماً مفهوم واژه‌های بکار برده شده را بداند زیرا فقط قدرت تشخیص او در تلفظ صحیح این واژه‌ها مدنظر است، حتی بهتر است که مفهوم کلمات برای او ناشناخته باشد تا سابقه ذهنی از کلمه را نداشته باشد. مثال دیگری در ارتباط با درک مفهوم:

Vous allez entendre une phrase suivie de deux autres phrases A, B, C. Désignez celle dont le sens s'accorde le mieux avec la phrase initiale.

Nous habitons au deuxième étage et ma tante habite au dessus....

A - alors l'appartement de ma tante est au second.

B - alors l'appartement de ma tante est au quatrième.

C - alors l'appartement de ma tante est au troisième.

طبق آمارهای ارائه شده در تستهای شفاهی دو گزینه‌ای زبان، شانس موفقیت دانش‌آموز ولو مطلب بیان شده را بدرستی درک نکرده باشد - پنجاه درصد است، در صورتی که در تستهای سه‌الی چهار گزینه‌ای این امکان به بیست درصد می‌رسد، هر چه تعداد گزینه کمتر باشد، شانس موفقیت دانش‌آموز در آزمون بیشتر است.

در آزمونهای تستی شفاهی معمولاً متن دوبار بیشتر خوانده نمی‌شود و به هنگام قرائت متن یا بخش متن روی توار دانش‌آموز حق یادداشت چیزی در روی پاسخ‌نامه را ندارد، در آزمونهای شفاهی که به صورت سؤال و جواب است یعنی دانش‌آموز در مقابل سؤالی که بطور شفاهی از او می‌شود، شفاهاً جواب خود را به صورت جمله‌ای کامل ادا می‌کند، قدرت خلاقیت او در زبان، آشنائیش به واژه‌ها و کاربرد آنها بهتر ارزشیابی می‌شود.

بطور کلی همه این آزمونها: شفاهی، کتبی، آزمونهای باز و بسته ... به هنگامی که به تناوب در کلاس مورد استفاده قرار گیرد، به معلم این امکان را می‌دهد که به میزان آشنایی و تسلط دانش‌آموز به زبان بی‌ببرد ولی هر یک از اینها به تنهایی فقط بخشی از معلومات دانش‌آموز را می‌سنجد، شاید چهل الی پنجاه درصد آن را با این وجود برای ارزشیابی بهتر باید بر تعداد این آزمونها و بر تنوع آنها افزود.

پاورقی

- ۱ - Test d'orientation
- ۲ - Test de contrôle
- ۳ - Test diagnostique
- ۴ - Test de progrès
- ۵ - Les épreuves ouvertes
- ۶ - Les épreuves semi - ouvertes
- ۷ - Le test à épreuves fermées

منابع:

- Evaluation de la compétence communicative en **langue étrangère** S. BOLTON. Crédif - Hatier . Coll. LAL 1987.
- **Le test en langues étrangères** Rebecca M.VALETTE Traduction de Français REY. Hachette . 1957.



پیش بینی آموزش از جمله زبان خارجی در سال ۲۰۰۰

□ ترجمه از دکتر لوسی شهیدی
گروه زبان فرانسه

آزمایشگاه زبان - تلویزیون مدار بسته، فیلمهای ویدیویی - نوار - برنامه‌ریزی آموزشی به وسیله دستگاههای کمپیوتری را شامل خواهد بود.

۶ - در قرن ۲۰۰۰، حرفه و شغل دبیران زبان، نسبت به زمان حاضر خیلی متفاوت و مهم خواهد بود.

۷ - آموزش مداوم دبیران از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود.

۸ - احتمالاً گذراندن دوره‌های آموزشی و علوم تربیتی دبیران، از

طریق آموزش ضمن خدمت - افزایش وسایل اطلاعاتی و آموزشی از قبیل کتاب - مجله و غیره، به کمک مسئولین بخش زبان و مشاورین علوم تربیتی تکمیل خواهد شد.

پیش بینی صاحب نظران:

۱ - ژوسه‌فیشمن **Joshua Fishman**: زبانهای مختلف، موقعیت خود را حفظ خواهند کرد و آینده متعلق به دوزبانگی خواهد بود یا به عبارت دیگر، آینده به سوی آموزش و یادگیری حداقل دو زبان بیگانه پیش می‌رود.

۲ - مارک بلان پن **Marc Blancpain**: درسی سال آینده زبان فرانسه، بین سایر زبانهای بین‌المللی، همچنان جایگاه ارزنده‌ای خواهد داشت.

مجله زبان فرانسه در جهان (**Le français dans le monde**) به شماره ۲۴۳ ویژه ماههای اوت و سپتامبر ۱۹۹۱ درباره پیش بینی وضع آموزش زبانهای خارجی در سال ۲۰۰۰، تحقیقی را بانمونه آماری تهیه شده از ۲۰۰ نفر از خوانندگان این مجله انجام داده است که نتایج بدست آمده به قرار زیر است:

۱ - جایگاه آموزش زبان خارجی از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود.

۲ - مردم حداقل دو زبان خارجی را یاد خواهند گرفت.

۳ - برای افزایش انگیزه دانش‌آموزان، لازمست امکان آشنائی، تبادل نظر بین دانش‌آموزان کشورهای مختلف - اصلاح روشهای آموزشی - گسترش زمینه فعالیتهای مدرسه‌ای - آموزش به وسیله رادیو و تلویزیون رواج آزاد و کارهای دستی فراهم آید.

۴ - به کمک وسایل پیشرفته فنی - عمومیت یافتن اقامت در کشورهای خارجی - تدوین کتابهای آموزشی و بسیار تخصصی، پیشرفت علوم روانشناسی زبان و زبانشناسی، بهبودی امر آموزش را فراهم خواهد ساخت.

۵ - ایفای نقش بسیار مهم وسایل فنی در قرن ۲۰۰۰:

۳ - برنار کمادا **Bernard Quemada**: آیا در آینده دبیر زبان تبدیل به مدرس این یا آن مطلب و موضوع علمی نخواهد شد در اینصورت بایستی محتوی درسه‌ها، از نظر ترکیب و متن یا موضوع، به یک واحد کاربردی تبدیل شود.

۴ - ادی روله **Eddy Roulet**: از حالا تا قرن ۲۰۰۰، برای گسترش همه نشانه‌ها و قواعدی که امکان استفاده از کاربردهای متنوع زبان فرانسه عصر حاضر را فراهم سازد، تلاش زیادی لازم است.

۵ - لئون ژاکوبوویت **Léon A. Jakobovits**: یک دانشجو، خواهد توانست ریاضیات را به زبان روسی - هنرهای دراماتیک را به زبان فرانسه - تاریخ را به زبان چینی - جغرافی را به زبان رومانی - کتاب مقدس را به زبان عبری - ادبیات را به زبان انگلیسی - علوم اجتماعی را به زبان ژاپنی انتخاب نماید.

دوش به دوش این تحصیلات، با یک دوره مکالمه به زبان عربی و یک دوره درسی به زبان علمی آلمانی، همراه خواهد بود.

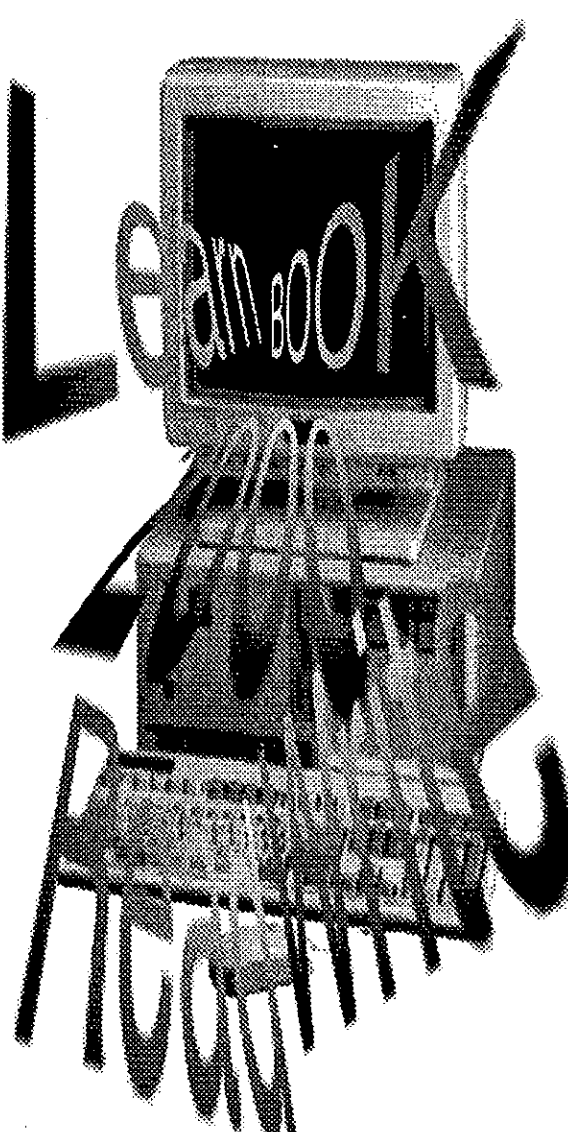
۶ - ربکا - ام - والت **Rebecca M. Valette**: آزمونهای شفاهی، به شکل مصاحبه کوتاه درخواهد آمد و توجه اصلی ارزشیابی بر پایه تشخیص میزان تأثیر و اهمیت گفتگو و مصاحبه قرار خواهد گرفت تا مثلاً بخواهند دقت و صحت لحن و صدای کلمات را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند.

۷ - پیر لئون **Pierre R. Léon**: وسایل سمعی و بصری، نوار، نوار ویدئویی، در قرن ۲۰۰۰ به وسایل مصرفی و قابل استفاده ساده و ارزان تبدیل خواهد شد.

تکنولوژی نوین، با از بین بردن فاصله زمان و مکان و از بین بردن نمونه‌های کهنه و از مد افتاده ارتباط و مکالمه کتابی، یک نمونه ارتباطی و مکالمه فوری و جامع الکترونیکی را ایجاد خواهد نمود.

۸ - فرانسیس دبیزه **Francis Debyser**: به دلایل داخلی و در عین حال علمی، می‌توان زنگ پایانی کتابهای درسی را به صدا درآورد و خود را برای تغییرات بنیادی که حتی روشهای امروزی را نیز باطل می‌انگارد آماده نمود.

لیکن این امر نایستی شگفت‌انگیز باشد زیرا که روشهای نوین نیز بالاخره روزی یک روش کهنه برای آینده به حساب خواهد آمد. بدون انتظار کشیدن سال ۲۰۰۰، لازمست متخصصین روش‌شناسی، از همین حالا، با روحیه اندکی علمی ولی بیشتر آموزشی و تعلیم تربیتی مشغول به کار شوند.



Nous avons constaté que certains étudiants, à leur entrée à l'université, sont particulièrement dépendants de leur présent scolaire alors que d'autres ont des projets à long terme. Pour la première catégorie d'étudiants, leur avenir reste un point d'interrogation, car leur choix est avant tout un choix d'études. Pour la seconde catégorie, l'objectif est de réussir le concours de maîtrise, d'aller peut-être en France pour obtenir le doctorat, de devenir traducteurs, enseignants, tout en ayant conscience de la nécessité de travailler pour combler leurs lacunes.

Pour quelques étudiants, l'apprentissage de la langue française n'est qu'une étape intermédiaire dans leur cursus universitaire, car ils envisagent de se rendre à l'étranger pour suivre des études de droit, médecine... C'est en fait leur projet professionnel qui a déterminé leur choix d'études.

- Conclusion.

Au mot "apprendre" qui caractériserait le travail de l'université, de la pédagogie, de la psychologie, on pourrait ajouter que l'enseignant apprend, mais aussi apprend à apprendre à être. Les connaissances transmises aux étudiants ne seront pas définitives ni suffisantes pour leur avenir, mais constituent une base, une passerelle facilitant de nouvelles acquisitions. Les enseignants aident aussi les étudiants à se forger une personnalité plus affirmée, plus équilibrée, pouvant au cours de leur vie s'adapter à des changements, à des situations

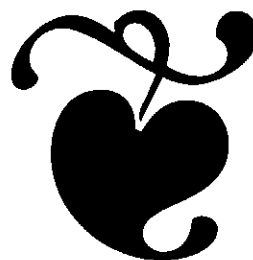
nouvelles sans crainte, sans anxiété.

BIBLIOGRAPHIE

ARDOINO (J.) et MIALARET (G.). Les nouvelles formes de la recherche au regard d'une Europe en devenir, Actes du colloque international francophone, Alençon, 24 - 26 mai 1990, PARIS. ANDSHA - AFIRSE, 1990, 436 p. FESTINGER A. Theory of cognitive dissonance. Evanston, Row Peterson 1957.

SCHIFFLER L. Pour un enseignement interactif des langues étrangères. CREDIF. HATIER 1994.

GUICHARD J. L'école et les représentations d'avenir des adolescents. PUF LE PSYCHOLOGUE 1993.



L'action éducative .

- Question de confiance.

toute relation humaine est colorée affectivement (d'amour , de haine, de sympathie ...) et la relation éducative n'échappe pas à cette loi .

Un enseignant ne peut remplir son rôle s'il n'a pas établi une relation de confiance avec ses élèves. En effet, un étudiant angoissé d'être interrogé, manquant de confiance en lui-même, craignant de poser des questions, de commettre des fautes , freine ses capacités d'apprentissage .

Au professeur d'adopter une attitude "bienveillante" à l'encourager pour l'aider, à surmonter sa timidité , ses difficultés . En effet si on oublie certains acquis scolaires, on n'oublie jamais la relation qu'on a eue avec certains enseignants .

L'enseignant n'est pas seulement la personne qui transmet un SAVOIR , il est aussi souvent dans les cours pré-universitaires, le "conseiller", le "confident" .

UNE TÊTE BIEN FAITE , UNE TÊTE BIEN PLEINE.

La position de MONTAIGNE:

"Savoir par Coeur , n'est pas savoir" nous semble trop extrême. Dans une situation d'apprentissage , la mémorisation d'un certain nombre de connaissances nous semble nécessaire (ex: conjugaison des verbes , points

grammaticaux , ...) . Mais l'étudiant doit APPRENDRE et COMPRENDRE (car apprendre sans comprendre ou comprendre sans apprendre sont deux attitudes stériles)

Il enrichit ainsi ses connaissances et même s'il ne les utilise pas aujourd'hui, elles peuvent lui servir demain, servir de passerelles permettant d'autres apprentissages.

VERS UNE AUTONOMIE DE L' APPRENTISSAGE

L'apprentissage correct d'une langue étrangère exige de l'étudiant qu'il imite après lui des sons étrangers qui, peu à peu, prendront une signification. Une dépendance très forte s'établit donc entre les professeurs et les élèves. Les apprenants vont jusqu'à adopter l'accent personnel de l'enseignant. Ces derniers, même s'il parviennent à un certain niveau de connaissances sanctionné par un diplôme (licence, maîtrise), ont conscience que leurs acquis se révéleront insuffisants pour leur avenir.

Le rôle des enseignants est donc de rendre ces jeunes de plus en plus autonomes, en les rendant capable de S'AUTOFORMER afin de pouvoir s'adapter à des situations nouvelles. En effet, dans la vie professionnelle, par exemple, ils connaîtront de nombreux changements et il faudra développer chez eux une certaine "aptitude au changement", afin qu'ils ne se retrouvent pas "desadaptés" face à une situation nouvelle.

- Les projets d'avenir

le chir sur la connaissance, à assimiler, sur ses relations avec les acquisitions antérieures, et l'ensemble de leur savoir. Il s'agit d'une **pédagogie de prise de conscience**.

L'emploi du temps:

Il doit être conçu de manière à ne pas fatiguer les apprenants, à leur laisser le temps d'assimiler les derniers acquis. Les étudiants du cours pré-universitaire ont dix-huit heures de cours par semaine: six heures d'enseignement par jour est un maximum. A l'enseignant aussi d'alterner les matières et les activités (conversation, dictée, leçon, exercices, présentation d'un film) afin de ne pas lasser les étudiants et garder leur attention constante.

Les examens:

Nous procédons à un contrôle continu afin d'évaluer les acquis, connaître les lacunes et y remédier par des exercices, des explications supplémentaires. Un examen final porte sur l'ensemble des connaissances enseignées pendant le semestre. certains examens sont écrits (orthographe, grammaire, conjugaison petites rédactions ...) et d'autres oraux.

La notation.

Dans la notation, il faudra être le plus objectif possible. Qui de nous ne se souvient d'un professeur "qui ne nous aimait pas". qui était plus sévère avec nous dans sa manière de noter qu'avec d'autres élèves. Ainsi, pour pallier à toute notation subjective et afin d'être le plus juste possible envers les étudiants, ceux-

ci obtiennent au cours du semestre de nombreuses notes par les deux enseignants intervenant dans ce cours.

Les enseignants ont d'ailleurs constaté que leurs notes "se tiennent", c'est à dire qu'il y a peu d'écart entre elles.

Les jeunes jugent de leur degré d'intelligence en fonction de leurs notes en classe. L'école, l'université apparaissent comme un lieu de compétition où chaque élève, étudiant est amené à découvrir ses propres performances, lui conférant une certaine image (de bon élève, de mauvais élève).

Le groupe classe.

Une classe n'est pas une somme d'étudiants. Le travail en groupe facilite la constitution du groupe-classe, car tout individu a une affinité naturelle à se lier à d'autres individus.

Très rapidement, des sous-groupes se forment avec un leader.

L'enseignant doit en tenir compte pour l'animation du cours, perdre le monopole des questions et des corrections, favoriser la discussion et l'écoute entre les élèves, et tisser un réseau de communication beaucoup plus proche.

Ex: les élèves connus pour être "silencieux" prennent confiance en eux-mêmes et deviennent plus actifs.

Ex: la correction des erreurs faites par les camarades évite à l'élève de se sentir dévalorisé

connaître et tenir compte de la psychologie , de la personnalité , des problèmes de chaque étudiant permet d'optimiser les résultats de l'action éducative. L'ABSENTEISME est par exemple , un comportement révélateur des difficultés d'un étudiant:

ex: manque d'intérêt pour le cours ou les études suivies

ex: difficulté de supporter la séparation avec les parents et l'étudiant "se prend une semaine de congés"

ex: déception quant aux résultats obtenus en classe

ex: fatigue des étudiants salariés

ex: mauvaises relations avec l'enseignant

ex: problèmes familiaux

Chaque étudiant est un cas particulier , avec sa personnalité propre , son originalité , ses conditions de vie particulières , ses expériences propres.

La séparation avec le milieu familial:

Bon nombre de ces jeunes viennent de province , et même s'ils sont à un âge où ils aspirent à plus de liberté et d'autonomie , la séparation et l'éloignement de la famille , font naître une certaine anxiété , plus ou moins dominée selon la force de caractère de l'individu.

Si l'étudiant est très attaché à sa famille , et si d'autres problèmes viennent s'ajouter à celui de la séparation (maladie , échecs aux premiers examens ...) , il risque d'abandonner ses études.

Les étudiants , rétroactivement se déclarent satisfaits d'avoir pu s'adapter à un mode de vie nouveau , résoudre les problèmes administratifs , et assumer leurs responsabilités; cette liberté nouvellement acquise leur permet un développement personnel plus équilibré sur le plan affectif , social et intellectuel .

L'ENSEIGNEMENT DE LA LANGUE FRANÇAISE:

Choix de la méthode:

Peu d'étudiants connaissaient le français avant d'entrer à l'université , et ils apprécient beaucoup la méthode que nous utilisons "Le Nouveau Sans Frontières" . Ils déclarent avoir plus vite appris le français que l'anglais . Mais elle leur demande une adaptation à un mode d'apprentissage différent , une attention constante , un effort soutenu , et toute absence entraîne des "difficultés" à rattraper le cours .

Cette méthode favorise une communication permanente professeur- élève et la maîtrise progressive de la langue développe chez les apprenants une certaine "confiance en soi" . Elle développe aussi la curiosité intellectuelle par la variété des sujets , des thèmes des exercices qu'elle aborde (cinéma, romans , théâtre , poésie ,) .

Pour enseigner avec cette méthode ,l'enseignant doit non seulement s'appliquer à faire acquérir des connaissances, mais aussi trouver inventer, des stratégies pour permettre cette acquisition; les étudiants sont amenés à réf-

Cette étude a été réalisée à partir d'une analyse , d'une réflexion sur notre expérience de l'enseignement du français dans les cours pré-universitaires (que nous assurons à la Faculté des Langues Etrangères de l'université de Téhéran) et d'une enquête réalisée auprès de nos étudiants.

L'entrée à l'université est une étape importante dans la vie des adolescents, et dans l'évolution de leur personnalité C'est pourquoi il nous a semblé important de nous y intéresser en tant que pédagogues.

LE CONCOURS D'ENTREE A L'UNIVERSITE.

Les étudiants interrogés ont tous en moyenne passé deux, sinon trois fois le concours. Ils ont trouvé auprès de leurs parents un appui permanent qui leur a permis de surmonter leur découragement , leur déception après un premier échec, et de poursuivre leurs efforts jusqu' à la réussite.

Le concours est une "compétition" où chacun est amené à découvrir ses propres performances, à se situer par rapport aux autres et à incorporer ces performances à sa propre image. Les résultats obtenus et le classement vont influencer le choix de la filière d'études.

CHOIX DE LA FILIERE D'ETUDES.

La majorité de ces étudiants aurait préféré être acceptée dans une autre branche d'études comme la médecine , la pharmacie , l'informatique Ce qui définit les professions à prestige, c'est une très forte sélectivité au départ (beaucoup de candidats et peu d'élus) , de nombreux débouchés et des traits touchant à

la profession elle-même (responsabilités , rémunération , compétences ,)

Ces jeunes ont donc modifié leur système de représentation des études après, un premier échec au concours, pour adopter une attitude plus favorable envers un second choix. Ils se trouvent dans une situation de DISSONANCE.

FESTINGER en 1957 a expliqué par sa théorie de la dissonance cognitive , la manière dont une personne modifie son système représentatif , quand il se trouve dans une situation qui n'est pas celle qu'il aurait souhaitée. Il adopte alors des stratégies pour réduire cette dissonance. Nos étudiants , par exemple , manifestent un intérêt croissant pour l'apprentissage de la langue française , recherchent des informations sur l'éventail des carrières qui leur sont accessibles à la fin de leurs études. Leur discours a aussi changé, et les métiers à prestige ont perdu leur "aura" car ils ont pris conscience des difficultés à surmonter pour devenir médecin par exemple (la durée des études , le service obligatoire de plusieurs années en province ...)

Ce qu'ils regrettent surtout , c'est le manque de conseils et d'informations et d'orientation à cette période décisive de leurs études.

PROBLEMES AUXQUELS SONT CONFRONTES LES NOUVEAUX ETUDIANTS:

JEAN - JACQUES ROUSSEAU déjà disait dans l'EMILE:

"Commencez par Connaître vos élèves, car très assurément , vous ne les connaissez pas"



L'enseignement du français dans les cours pré-universitaires. Aspects psycho - socio - pédagogiques.

M. Kaspar - Dehghan
E. Mahdavi

مقدمه

پس از انقلاب فرهنگی، در دانشگاه‌های ایران، طبق برنامه‌ریزی ستاد انقلاب فرهنگی، جهت آموزش زبانهای خارجی غیر از زبان انگلیسی، کلاسهای پیش‌دانشگاهی دایر گشته است. بدین معنی که مثلاً دانشجویان رشته فرانسه که در بدو ورود به دانشگاه کوچکترین شناختی از زبان فرانسه ندارند، اجباراً به مدت یک نیمسال، هفته‌ای هیجده ساعت، بطور فشرده، در کلاسهای زبان فرانسه شرکت کرده و پس از موفقیت در امتحان پایان نیمسال می‌توانند واحدهای درسی خود را انتخاب کنند.

این برنامه در حال حاضر در همه دانشگاههای، ایران که آموزش زبان و ادبیات فرانسه یا مترجمی زبان فرانسه را در سطح لیسانس عهده‌دار هستند، اجرا می‌شود. برای این دوره پیش‌دانشگاهی متدهای مختلف درسی در اختیار دانشجو قرار می‌گیرد. در دانشگاه تهران دو سال است که متد جدید Le Nouveau Sans Frontières تدریس می‌شود. مقاله زیر در واقع حاصل دو سال تجربه استادانی که این متد را در دانشگاه تهران تدریس کرده‌اند، می‌باشد. در این مقاله مسائل آموزشی، تربیتی و روانی دانشجویانی که تازه از دبیرستان به محیط دانشگاه وارد می‌شوند، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. آشنائی با این مسائل شاید برای استادانی که در دانشگاهها تدریس این کلاسها را بر عهده دارند، یا دانشجویان دوره کارشناسی ارشد که در آینده عهده‌دار کلاسهای پیش دانشگاهی خواهند بود، مفید باشد.

2. 2. 2. Fachlich - Sachlicher Gesichtspunkt

Hier wird versucht, das sachliche und fachliche Wissen zu vermitteln, das für das Verstehen und Übersetzen eines Fachtexts notwendig ist. Selbstverständlich braucht derjenige, der die Reparaturanleitung einer Maschine übersetzt, das genaue Funktionieren der betreffenden Maschine nicht zu verstehen. Er muß aber über ein solches sachliches Wissen verfügen, daß er Syntax und Fachwörter der betreffenden Anleitung sowohl in Ausgangssprache als auch Zielsprache eindeutig verstehen und wiedergeben kann.

Je mehr solches Sach und Fachwissen nötig ist, desto mehr muß der Übersetzer Fachmann sein, oder auch: desto mehr ist der Übersetzer auf die Hilfe eines Fachmanns angewiesen.

Sach- und Fachkenntnisse sind für Übersetzer solcher Texte lebensnotwendig. Doch beim Unterricht geht es nicht um eine Sachkenntnis, um der Sache willen, sondern um der Sprache willen. Vom Übersetzer ist nicht verlangt, daß er je nach Bedarf Ingenieur, Arzt oder Jurist sein muß, aber er muß die Fähigkeit erwerben, und die Methode an die Hand zu bekommen, wo es sein muß, sich in verschiedenen Arbeitsgebiete einzuarbeiten und zurechtzufinden.

2. 3. Landeskunde

Wer es unternimmt, z.B. einen politischen, ökonomischen oder literarischen Text, oder einen Zeitungsbericht aus einer Fremdsprache zu übersetzen, aber nicht mal weiß, was für ein Regierungssystem das Land seiner Ausgangssprache hat, der bewegt sich im Dunkeln. Das **Hintergrundwissen** gehört zu jeder Art Übersetzerischer Tätigkeit und ist die notwendige Voraussetzung aller Arten von

Übersetzen.

Die Landeskunde als Teil der Übersetzerausbildung verfolgt das Ziel, allgemeines Sach und Problemwissen zu vermitteln im Bereich der gesellschaftlichen, historischen, ökonomischen, kulturellen Verhältnisse des fremdsprachlichen Landes, aus dessen Sprache wir übersetzen.

Die Landeskunde kann gestaltet werden, wie man ihr Bedeutung beimißt, und wie es um die Grundlage der Studenten bestellt ist. Man kann sie als ein selbständiges Fach anbieten und nicht nur das aktuelle Leben des betreffenden Landes behandeln, sondern auch bis ins Mittelalter zurückgreifen, oder ausführlich auf dessen literarisches Leben eingehen.

Eine andere Methode ist, die Landeskunde in Form von Texten, und im Rahmen der Übersetzungsübungen oder Textanalyse anzubieten.

Die Landeskunde kann auch problemausgerichtet sein. In diesem Fall werden einzelne Sachverhalte oder Probleme ins Zentrum des Unterrichts gestellt oder dienen als Maßstab für die Textauswahl: zum Beispiel die "BRD Landwirtschaft", oder "Gastarbeiter in Österreich". Diese Themen können aus rechtlichem, wirtschaftlichem, sozialem Gesichtspunkt besprochen werden.

Unabhängig davon, wie die Landeskunde konkret gestaltet wird, soll sie versuchen, dem Studierenden ein unmittelbares Bild von dem betreffenden Land zu vermitteln, und dadurch seine Motivation für Spracherlernung zu verstärken.



zungsprozeß?

- Welche Übersetzungsmethoden verlangen verschiedene Textarten?
- Welche Faktoren außersprachlicher Art bestimmen das Übersetzen?
- Wo liegen die Grenzen des Übersetzens?
- usw.

Ein zentrales Forschungsgebiet der Übersetzungswissenschaft ist noch:

- Die Äquivalenzbeziehungen zwischen je zwei Sprachen auf den Ebenen von Grammatik und Lexik zu beschreiben.

— Auf der Basis dieser Beschreibung **Übersetzungsbücher** zu erarbeiten, die zugleich Handbücher für die Praxis sind.

Aufgearbeitet werden von der Übersetzungswissenschaft außerdem Übersetzungsgrammatiken, Terminologielisten, Fachwörterbücher usw.

b) Das praxisbezogene Teil versucht im Blick auf die praktische Ausbildung ein Programm zu erarbeiten. Zu diesem Programm gehören: 1 - Sprachlich übersetzerischer Gesichtspunkt, 2. Fachlich sachlicher Gesichtspunkt.

2.2.1. Sprachlich übersetzerischer Gesichtspunkt

Dies hat das Ziel, fremd, und muttersprachliche wie auch übersetzerische Fähigkeiten zu vermitteln, die erlauben, einen Text so zu übersetzen, daß es folgende Bedingungen erfüllt: Die Zeit, die diese Übersetzung in Anspruch nimmt, soll ökonomisch, d. h. vertretbar sein. Der Übersetzer soll Kenntnis von den notwendigen Hilfsmitteln (Wörterbücher, Fachbücher, Lexika, etc.) haben, und die Übersetzung soll ihre Funktion erfüllen, d. h. zum Beispiel, daß der Benutzer der über-

ten Gebrauchsanweisung das betreffende Gerät bedienen kann.

Es ist selbstverständlich, daß eine Übersetzungsleistung vor allem "Sprachbegabung" voraussetzt. Direkte Einführung in Übersetzungskurse wird sinnvoll sein, wenn die passive Fremdsprachenkenntnis der Studenten wenigstens soweit entwickelt ist, daß sie einen gemeinsprachigen Text in der Ausgangssprache lesen und inhaltlich analysieren können. Doch die "Sprachbegabung" sollte sich nicht auf das Erlernen der Fremdsprache beschränken, sondern darüber hinaus sich auch in der Muttersprache zeigen.

Das Vertrautsein mit der Muttersprache ist deshalb von so grundlegender Bedeutung, für das Übersetzen, weil die Muttersprache während der Ausbildung ständig als Bezugspunkt fungiert und weil meistens die Übersetzung in die Muttersprache vorherrscht.

Es ist aber eine Tatsache, daß die Fremdsprachenstudenten oft über sehr mangelhafte muttersprachliche Kenntnisse verfügen, sich mit dieser Sprache nicht systematisch auseinander gesetzt haben und aus deren Grammatikunterricht meistens ein lückenhaftes und überholtes Wissen mitbringen. Es gilt, diesen Mängel ihnen bewußt zu machen, und im Laufe der Übersetzungskurse wenigstens methodische Anregung zur Erweiterung des muttersprachlichen Ausdrucksvermögens zu geben. Selbstverständlich haben die kontrastive Grammatik, die Fehler- und Interferenzlinguistik einen wichtigen Platz in der Übersetzungsausbildung. Denn bekanntlich berühren die häufigsten Übersetzungsschwierigkeiten und Fehler auf fehlerhafte Beeinflussung der Sprachen.

Übersetzungsmaschine, will sie qualitative befriedigende Ergebnisse liefern, über einen Speicher verfügen muß, in dem Welt-, Sach-, und Erfahrungswissen abrufbar sind. Es wäre eine Maschine, die nicht nur auf formal-syntaktischer, sondern auch auf semantischer Basis Texte bearbeiten kann. Bis dahin ist aber noch ein weiter Weg zurückzulegen.

2 - Die Übersetzungsausbildung: Notwendigkeit, Inhalt und Aufbau

2. 1. Notwendigkeit

Es gibt zwar einzelne Übersetzer, die gelungene Übersetzungen anfertigen, ohne durch eine Schule gegangen zu sein. Dies gilt im Bereich der Literatur, so wie anderen Gebieten, wie Technik und Jura. Nicht selten sind solche Übersetzer selbst Schriftsteller. Also die Ausnahme bestätigt die Regel. Aufgabe der Ausbildungsinstitute für Übersetzen ist es, den zukünftigen Übersetzern jene Fähigkeiten systematisch und zielgerichtet zu vermitteln, die sich der "autodidaktische Übersetzer in der Praxis selbst aneignen konnte und mußte.

Übersetzungsinstitute gibt es in der BRD schon seit Jahren. Sie hießen bis vor kurzen "Dolmetscher-Institute", obwohl sie vor allem Übersetzer ausbildeten. Inzwischen tragen sie den Namen "Fachgruppe Angewandte Sprachwissenschaften". Noch muß man erwähnen, daß es sich in den letzten Jahren der Begriff "Übersetzungswissenschaft" eingebürgert hat. Die Ausbildung der Übersetzer ist notwendig, aus der immer wieder bestätigten Erfahrung, daß das Übersetzen als die Fähigkeit zu einem Ausgangstext einen entsprechenden Zieltext herzustellen, etwas qualitativ anderes ist als

die Beherrschung der betreffenden Sprachen. Diese Erfahrung wird bestätigt dadurch, daß der Bilingualismus, d.h. die ganz gleiche Beherrschung zweier Sprachen nicht zugleich bedeuten muß, daß auch Übersetzungsfähigkeiten gegeben ist. Probleme, mit denen der Übersetzer konfrontiert wird, sind Übersetzungsspezifisch, auch wenn sie sprachlich sind. Der Übersetzer ist notgedrungen mit einem Sprachenpaar konfrontiert, die fast ohne Ausnahme von unterschiedlicher Struktur sind. Er muß durch Schulung und Übung befähigt werden, diese Strukturen auseinander zuhalten, damit er in seiner Übersetzung die Gefahr der Interferenz vorbeugen kann. Denn die Interferenz, oder die fehlerhafte Beeinflussung der Sprachen ist ja bekanntlich einer der Hauptfehlerquellen der Übersetzung (siehe II. 1. 1.) Probleme des Übersetzers können aber auch von fachlicher oder stilistischer Natur sein. Zur Bewältigung dieser Probleme muß Übersetzerische Fähigkeiten haben.

So liefern die Übersetzungsausbildungsstätte die theoretisch-methodologischen Grundlagen, die erlauben, den Übersetzungsvorgang entsprechend zu beschreiben, Möglichkeiten und Grenzen der Übersetzung festzustellen, dem Übersetzer in verschiedenen Bereichen seines Tuns Theorien und Strategien an die Hand zu geben.

2. 2. Inhalt

Die Ausbildung hat a) ein theoretisches, und b) ein praxisbezogenes Teil.

a) Das Teilgebiet der Theorie behandelt wesentliche Fragen wie:

- Was ist Übersetzen?

- Welche Faktoren bestimmen den Überset-

tion, daß im Normalfall Kleider nicht im Schau-
fenster, sondern in Kabinen anprobiert werden.
Der Witz ergibt sich hier daraus, daß die
Verkäuferin, die die Welt des Kleidergeschäfts
gut kennen sollte, gerade die un-
wahrscheinliche Analyse vornimmt. Allerdings
hier sollte auch die Übersetzung diese Mehr-
deutigkeit beibehalten. Aber auch da müßte die
Maschine über 'außersprachliches' Weltwissen
verfügen, nämlich einen Sinn für Witze haben!
In dem folgenden Beispiel ist die Mehr-
deutigkeit aber nicht beabsichtigt:
24 Tote haben Überschwemmungen gefordert,
die kürzlich den indischen Staat Kerala heim-
suchten.

Reintheoretisch kann das Satzglied "24 Tote"
auch als Nominativ - Ergänzung ermittelt wer-
den. Allein die Logig schließt diese Analyse aus.
In dem folgenden Beispiel braucht man eine
Kenntnis von sozialen Normen:

Die Regierung forderte, daß Kinder, alte
Männer und Frauen von den Luftpiraten frei-
gelassen werden mußten.

Nun kann das Satzglied "Kinder, alte Männer
und Frauen" verschieden analysiert werden:

	a	
Kinder	alte Männer	Frauen

	b	
Kinder	Männer	Frauen
	alte	

Der menschliche Übersetzer wird aufgrund
seines Wissens von humanitären Vereinbarun-
gen sich ohne weiteres für die Analyse a ent-
scheiden: Kinder und Frauen jeden Alters wer-
den in solchen Zusammenhängen als eine
Gruppe betrachtet, zu denen alte Männer tre-
ten können.

1.6.4. Bedeutungsabänderungen der Wörter in Fachtexten

Über ein allgemeines Weltwissen hinaus, sollte
der Übersetzungsmaschine noch Fachwissen
in verschiedenen Richtungen verfügbar sein,
denn die Bedeutung desselben Wortes kann in
verschiedenen Wissenschaften Änderungen
oder Abänderungen unterliegen. So hat das
Wort 'bürgerlich' in der politischen Ökonomie
nicht die gleiche Bedeutung, die es in einem ju-
ristischen Zusammenhang hat:

1. Die bürgerlichen Kräfte beherrschen die pol-
itische Szene der USA.

نیروهای بورژوازی (سرمایه‌داری) بر صحنه سیاسی امریکا تسلط
دارند.

2. Die bürgerlichen Rechte des Menschen sind
in jedem Grundgesetz verankert.

حقوق مدنی انسان در تمامی قوانین اساسی تثبیت شده است.

Ebenso ist es mit dem Begriff 'Ausdehnung'. In
der Philosophie der Atomistik bedeutet dieser
Begriff sogut wie "Dimension":

Der islamisch - arabische Atomistiker Ibn Sulei-
man geht von der Existenz untrennbarer Teil-
chen aus, die weder Länge, noch Breite, noch
Tiefe, folglich keine räumliche Ausdehnung ha-
ben.

ابن سلیمان، ذره‌شناس جهان عرب و اسلام معتقد به وجود ذرات
جدایی‌ناپذیری است که درازا، پهنا، ژرفا و در نتیجه بُعد مکانی ندارند.

Die meisten Städte Europas haben in den er-
sten Jahrzehnten des 19.Jhs eine gewaltige
Ausdehnung erlebt.

بیشتر شهرهای اروپا در نخستین دهه‌های قرن نوزدهم گسترش
غول‌آسایی کرده‌اند.

Das sind nur zwei Beispiele aus einer Unzahl
von Wörtern, die in verschiedenen Fach-
richtungen verschiedene Bedeutungen er-
mitteln.

Die angeführten Beispiele zeigen, daß eine

sie weist mehrere Bedeutungen auf. Im Sprachvergleich stellt man fest, daß die Art dieser Mehrdeutigkeit oft einzelsprach spezifisch ist: Keineswegs können an allen Stellen, wo im Dt. blau in einer der Bedeutungsvarianten verwendet wird, die Standardentsprechung im Persischen eingesetzt werden. Erst im Zusammenhang weiterer Wörter wird blau eindeutig. Den Zusammenhang, in dem das einzelne Wort 'blau' steht, nennen wir Kontext.

Das heißt: im Kontext von 'Himmel' bedeutet 'blau' eine Farbe. Im Kontext von 'er' bedeutet es 'betrunken' und im Kontext von 'heute' bedeutet es 'eine bis zum Montag verlängerte Arbeitsruhe'.

Andere Beispiele der Mehr-, oder Undeutigkeit:

Die Mutter lockert sich.

Geben Sie mir die Unterlagen!

Aus dem ersten Satz allein geht es nicht hervor, ob eine Person gemeint ist, oder eine Schraubenmutter, und das Wort 'Unterlagen' im zweiten Satz läßt die Deutung 'Akten' oder 'Bezüge' zu.

2. Grammatische Mehrdeutigkeit

Hier sind 3 Fälle zu unterscheiden:

1. Morphologische Mehrdeutigkeit

Die Form **denken** hat in ihrer Konjugation folgende Bedeutungen:

a. Infinitiv: Er liebt es zu denken.

b. 1. /3. Person Plural präsens Indikativ: Wir denken. / Die Leute denken.

b. 1. /3. Person Plural Konjunktiv I: Er sagt, wir / sie denken zuviel.

c. Imperativ: Denken Sie nicht viel!

Die Mehrdeutigkeit wird in der grammatischen Verknüpfung aufgegeben.

2. Wortklassen - Mehrdeutigkeit

Eine Wortform kann verschiedenen Wortklassen angehören:

Während

Temporale Konjunktion "zur Zeit"
Während wir schliefen,

wurde bei uns
eingebrochen

adversative Konjunktion "im Gegensatz"
Karl gefiel es gut in
Heidelberg, während
sich seine Frau nicht
wohl fühlte.

Verb Partizip Präsens "dauern"

Der Streit war lange
während.

Präposition

"im Verlauf"

Während der Vorlesung
spiele ich Schach.

3. Syntaktische Mehrdeutigkeit

Syntaktische Mehrdeutigkeit erfolgt insbesondere dann, wenn die Abhängigkeit der Satzglieder zu den betreffenden Satzgliedern nicht eindeutig ist. In diesem Fall kann man den Satz verschieden deuten und gerade das hat der folgenden Witz ausgenützt:

"Könnte ich wohl das rote Kleid im Schaufenster anprobieren?", fragte die Kundin.

"Gern, gnädige Frau,", sagt die Verkäuferin zaghaft, "aber wir haben auch Kabinen zu Anprobieren."

Im allgemeinen werden wir aufgrund unserer Kenntnis der Alltagswelt die Analyse vollziehen. Auch wenn der Kontext uns nicht weiterhelfen könnte, so wissen wir aus der Situa-

beträchtlichen Geld-, und Zeitaufwand vor allem in den USA, hat die maschinelle Übersetzung bisher nur bescheidene Ergebnisse vorzuweisen. Viele Linguisten, Sprachphilosophen, Logiker und Informatiker arbeiten immer noch an dieser Projekt. Inzwischen ist man zu der Erkenntnis gelangt, daß viele Probleme, die sich zunächst als technologisch darstellten, in Wirklichkeit linguistische Probleme sind.

Übersetzen ist ein komplizierter sprachlicher Formulierungsprozeß, der von einer Ausgangstext zu einem möglichst entsprechenden Zielsprachlichen Text hinüberführt und das inhaltliche und formale Verständnis der Textvorlage voraussetzt. Übersetzen kann man, was man verstanden hat. Verstehen erfordert ein bestimmtes Maß an Intelligenz. Der Elektronenrechner hat aber keine Intelligenz. Er kann erst dann in Aktion treten, wenn alle Daten durch Programmierung vorher in eine Form gebracht worden sind, die seinem Funktionsprinzip angemessen sind. Erst unter dieser Voraussetzung kann man die Daten ihm zum Verarbeiten geben. Aber natürliche Sprachen sind kein geschlossenes System, sondern ein offenes. Die Maschine kann nicht alle linguistischen Probleme eindeutig analysieren. Allerdings im Bereich der Fachsprachen findet die maschinelle Übersetzung immer mehr Verwendung. Aber auch hier tauchen viele Probleme auf, die derzeit nur mit Hilfe eines menschlichen Vor- und Nachredakteurs bewältigt werden können.

Was sind die Hauptprobleme, die der automatischen Sprachanalyse besondere Schwierigkeiten bereiten? Automatische Übersetzung setzt voraus, daß für jedes Wort in der Aus-

gangssprache eine eindeutige Entsprechung in der Zielsprache festgelegt wird. Die Probleme der maschinellen Sprachanalyse, und damit auch der automatischen Übersetzung wären so minimal. Aber zwischen Form und Inhalt verschiedener natürlicher Sprachen, auch wenn sie so nah verwandt sind, besteht keine Ein-zu-eins Entsprechung. Außerdem gibt es in jeder Sprache in gehäufte Weise Vieldeutigkeit sprachlicher Formen, oft auch Undeutlichkeiten, wie in dem folgenden Beispiel:

- a) Er hat den Schlüssel ins Schloß gesteckt.
- b) Kommst du mit ins Schloß?

Der menschliche Übersetzer wird aus unmittelbarer Anschauung feststellen, daß Schloß im Beispiel (a) etwas anderes bedeutet, als im Satz (b). Die Maschine kann hier nicht automatisch vorgehen, sondern muß entscheiden, welche der beiden Wortformen und Bedeutungen im betreffenden Satz die zutreffende ist.

Noch mehr Wissen müßte der Maschine verfügbar sein in dem Satz:

- c) Er hat den Schlüssel im Schloß gelassen.
- Hier kann die Entscheidung, ob die persische Übersetzung (1) zutrifft, oder die Übersetzung (2), nur im weiteren Textzusammenhang getroffen werden.

(۱) کلید را در قصر گذاشته است.

(۲) کلید را در قفل گذاشته است.

Wir behandeln hier die drei Fälle von Mehrdeutigkeit: die lexikalische, die grammatische und die Syntaktische Mehrdeutigkeit.

1. Lexikalische Mehrdeutigkeit

- a) Der Himmel ist blau
- b) Er ist blau
- c) Heute ist blauer Montag

Die isolierte Wortform blau ist mehrdeutig, d. h.

Andere viel übersetzte Deutsche Schriftsteller sind: H. Hesse, B. Brecht, Goethe und Thomas Mann.

1.6. Möglichkeiten der Überwindung von Sprachbarrieren

Können Sprachbarrieren auf andere, wirksamere und ökonomischere Weise überwunden werden als mit Übersetzen? Zwei Möglichkeiten werden diskutiert, zwei Wege der "Entbabelisierung": a) Die Möglichkeit einer internationalen künstlichen Hilfssprache, und b) die Möglichkeit der Konzentration auf eine Weltsprache. In diesem Fall sollte man diese Sprache in den Schulen früh und intensiv vermitteln.

Eine dritte Möglichkeit geht davon aus, daß das Übersetzen selbst schneller und billiger werden müßte durch den Einsatz des Computers: durch die maschinelle oder automatische Übersetzung.

1.6.1. Welthilfssprache

Schon Descartes (1596 - 1650) und Leibniz (1646 - 1716) haben sich mit dem Projekt einer künstlichen Weltsprache beschäftigt. Sie gingen davon aus, daß die Wissenschaft und das Wissen eine Einheit bilden und ihrer Einheit müßte auch die Einheit der Sprache entsprechen. Latein in Europa und Arabisch in der islamischen Welt haben in Tendenz diese Aufgabe zum Teil übernommen. Viele Fachwörter der Medizin, Zoologie, Botanik, Chemie und andere Wissenschaften sind Latein. Aber seit dem Aufkommen des Nationalismus und Erfindung des Buchdrucks setzten sich in allen Bereichen die nationalen Sprachen durch. Also das Spranto, Ido, Novial, diese bekannter-

en künstlichen Sprachen sind vor allem gescheitert am Beharren der einzelnen Sprachen. Grund ist wohl, daß diese Sprachen, bei allen ihren praktischen Vorzügen doch den einen entscheidenden Nachteil, keine natürlich gewachsene Sprachen zu sein, obwohl sie auf der Basis indo - europäischer und der englischer Sprache aufgebaut sind.

1.6.2. Internationale Verkehrssprachen

Die zweite Möglichkeit, Menschen für einander "verstehbar" zu machen, ist die Einführung einer oder zweier internationalen Verkehrssprachen. Diese zweite Möglichkeit hat eine wesentlich bessere Zukunftsaussichten.

Welche Sprachen sich als internationale Verkehrssprachen durchsetzen, hängt mit machtpolitischen, wirtschaftlichen und historisch - kulturellen Faktoren zusammen. Zur Zeit sieht es so aus, als ob dieser engeren Kreis der Weltsprachen das Englische, Französische, Russische, Spanische, Arabische und Chinesische umfassen würde. Englisch und Französisch haben in der Diplomatie eine Vorrangstellung.

Die Entwicklung einer internationalen Verkehrssprache läßt das Gebiet der literarischen Texte unberührt. Die schöngeistige Literatur hat keine mechanische Abhängigkeit von Macht und Ökonomie: Hier wird die Übersetzung immer eine entscheidende Rolle spielen.

1.6.3. Automatisierung des Übersetzens

Die dritte Möglichkeit ist die Automatisierung des Übersetzens. In den fünfziger Jahren war der Optimismus bezüglich der Realisierung der automatischen Sprachübersetzung groß. Aber entgegen großer Erwartungen und trotz eines

heitsepochen begegnet. Schon in der Erzählung von Turmbau zu Babel ist die Vielsprachlichkeit der Menschheit als ein Verständigungsproblem verdichtet. Überall dort, wo Menschen verschiedener Sprachen miteinander zu tun hatten, brauchte es zunächst im mündlichen, dann im schriftlichen Verkehr Dolmetscher und Übersetzer. In unserer Zeit nimmt das Bedürfnis nach solcher Tätigkeit von Tag zu Tag gewaltig zu. Nicht selten spricht man im Laufe der Geschichte des öfteren von "Zeitalter der Übersetzung". Gerade zu diesen Zeiten hat das Übersetzen dazu beigetragen, daß das Kulturgut einer Nation zum Kulturgut aller Menschheit wird. Es kann hier nicht darum gehen, die Geschichte des Übersetzens vom alten Ägypten bis ins zwanzigste Jahrhundert zu skizzieren, es wird nur schlagwortartig erinnert:

- an Übersetzungen der Werke altgriechischer Philosophen ins Arabische, die im 8. Jahrhundert zu einem gewaltigen Aufschwung der Wissenschaften und Künste im Orient führten,
- an Bibelübersetzung von Martin Luter, die das Fundament des deutschen Schrifttums legte;
- an Sheakspear Übersetzungen von Schlegel, die auf moderne deutsche Sprache einen wesentlichen Einfluß ausübte,
- an Homer und Lukian Übersetzungen in die europäischen Sprachen, die der modernen Weltliteratur ihr Gepräge gaben.

1. 5. Sprachen, Bücher und Übersetzungen

Die Fähigkeit, sich sprachlich mitzuteilen und sprachlich Mitgeteiltes zu verstehen, ist eine spezifisch menschliche Fähigkeit. Und sogleich

muß die Einschränkung gemacht werden, daß dies zunächst nur innerhalb einer Sprachgemeinschaft gilt. Das macht die vielsprachlichkeit "ärgerlich"! Allerdings gibt es viele Sprachen, die gegenseitig verstehbar sind. Ein Däne kann in seiner Sprache auch von einem Schweden verstanden werden. So auch ein Spanier von einem Portugiesen, oder ein Italiener von einem Spanier. Trotzdem ist das Ausmaß der Vielsprachlichkeit der Menschheit zu groß.

Die meisten Menschen sprechen Chinesisch, es sind über 800 Millionen. Englisch, mit 320 Millionen Sprecherzahl ist die zweitgrößte, Spanisch die drittgrößte Sprache der Welt. Danach kommen Hindi, Russisch und Arabisch. Deutsch kommt erst in der 9. Reihe.

Die Reihenfolge der Sprachen hinsichtlich der Zahl ihrer Sprecher sagt allerdings wenig aus über ihre Bedeutung. Die Bedeutung einer Sprache hängt mit anderen Faktoren zusammen: mit der ökonomischen, politischen, kulturellen und wissenschaftlich - technischen Positionen der Staaten, in denen eine bestimmte Sprache gesprochen wird.

Am meisten werden Bücher produziert in USA, UdSSR, BRD, Japan und Großbritannien. Die meisten Übersetzungen bringt UdSSR heraus, danach kommt BRD. Spanien hat die dritte Stelle und die vierte kommt Frankreich zu. Noch sei hier erwähnt, daß die meiste Übersetzung stattfindet zuerst aus Englischem, dann Russischem, so dann aus Französischem und Deutschem.

Die Frage, welche die meistübersetzten Autoren der Welt sind, hat folgenden Antwort: W.Disney aus USA, A.Christie aus Großbritannien, J./w. Grimm aus Deutschland.

Das eigentliche Übersetzen ist aber die Übertragung eines Texts aus einer Sprache (Ausgangssprache) in eine andere (Zielsprache). In der Regel liegt der Ausgangstext schriftlich vor und die Übertragung erfolgt auch schriftlich.

1. 2. Die Bedeutung des Übersetzens

Es ist unbestritten, das Übersetzen (die schriftliche Vermittlung von Sprachen) und Dolmetschen (die mündliche Vermittlung von Sprachen) als Praxis notwendige menschliche Aktivitäten sind. Daß man Übersetzungen braucht und sie so selbstverständlich verwendet wie Texte in der Muttersprache, dürfte ebenfalls kaum streitig sein. Dies ganz einfach darum, weil man in verschiedenen Bereichen des menschlichen Lebens, in den zwischen- und innerstaatlichen Beziehungen, in Wissenschaft und Technik, im internationalen Geschäfts- und Handelverkehr, in der schönen Literatur darauf angewiesen ist, oder das Bedürfnis hat, Texte anderer Sprachen als Texte der eigenen zu kennen oder kennenzulernen. Übersetzen braucht man, weil man aktiv oder passiv im allgemeinen nur eine oder zwei Fremdsprachen beherrscht. Die gesellschaftliche, private, beruflich oder wissenschaftlich benötigte Literatur kann jedoch in Sprachen abgefasst sein, die man gerade nicht beherrscht. Aber auch wenn man gute Kenntnisse in einer Fremdsprache hat, heißt das nicht, daß diese Kenntnisse für das Verständnis von allen Texten der betreffenden Sprache ausreichend sind. Hinzu kommt das Kriterium des wirksamen Lesens und Verstehens: einen Text in der eigenen Sprache versteht man im allgemeinen rascher und besser als einen fremdsprachigen

Text.

1. 3. Kleine und große Sprache

Die geschätzte Zahl der heute auf dem Erdball gesprochenen Sprachen beläuft sich auf 2500 bis 3000. Unter diesen Sprachen befinden sich nur etwa 10, die zahlenmäßig ins Gewicht fallen. Das größte Teil aller naturwissenschaftlich-technischen Veröffentlichungen erscheinen in diesen 'großen Sprachen'. Die in diesen Veröffentlichungen ermittelten Kenntnisse können etwa 200 Nationen nur durch Übersetzungen verfügbar werden.

In ganz besonderem Maße auf Übersetzungen angewiesen sind die Angehörigen 'kleiner' Sprachen. Selbstverständlich nicht nur auf Übersetzungen: eine ebenso große Rolle spielt hier zweifellos der Fremdsprachenunterricht, die Aneignung mindestens einer 'Weltsprache'. Denn in den großen Sprachen gibt es wiederum Übersetzungen von jenen Texten, deren Herausgabe in einer 'kleinen' Sprache unökonomisch wäre.

Umgekehrt gilt natürlich auch, daß wissenschaftlich-technische ebenso wie literarische Texte dieser 'kleinen' Sprache in die 'großen' Sprachen übersetzt werden sollen. Kein Wunder übrigens, daß immer mehr Wissenschaftler, deren Muttersprache eine 'kleine' ist, ihre Aufsätze in einer Weltsprache abfassen. Die literarische Produktion 'kleiner' Sprachen kann nur mit Übersetzungen an der Weltliteratur teilnehmen.

1. 4. Geschichte der Übersetzung

Die Geschichte der Übersetzung zeigt, daß Übersetzen und Dolmetschen menschliche Tätigkeiten sind, denen man in allen Mensch-

Eine Einführung in die Grundbegriffe der Übersetzung, mit dem Versuch einer Programmaufstellung zur Ausbildung der Übersetzer

مقدمه

مقاله حاضر، مروری مختصر بر مبانی و اصول ترجمه زبانهای بیگانه دارد و در بخشهای مختلف، با ارائه توضیحات مفید و خلاصه شده در زمینه اهمیت و لزوم آگاهی به مبانی ترجمه، خواننده را با مباحث پیشمار این علم، آشنا می‌سازد و در پایان، بر ضرورت ایجاد نهادهای آموزش ترجمه و آموزش مترجم و برنامه‌ریزیهای اصولی و لازم در این زمینه، تأکید فراوان دارد.

Mahamud Haddadi
Universität shahid Beheshti

1. Begriff und Bedeutung des Übersetzens

Man kann in verschiedenen Zusammenhängen von Übersetzen sprechen: z.B. wenn man eine mathematische Formel in allgemeinsprachliche Ausdrücke vorträgt, oder einen wissenschaftlichen Text, der aufgrund seiner Fachwörter schwer zu verstehen ist, in einen mehr oder weniger allgemeinsprachlichen Stil umformuliert. In solchen Fällen ist das Übersetzen mit 'Deuten' oder 'Erklären' synonym zu wissen. Diese Übersetzungen praktizieren sich

innerhalb derselben Sprache.

Innersprachliche Um-, oder Neuformulierungen werden auch in verschiedenen Sprachstufen vorgenommen, also z.B. von Mittelhochdeutsch ins Neuhochdeutsch. Denn die Entwicklung der Sprachen führt unter anderem oft auch zu deren Systemänderung. Die Folge davon ist, daß die älteren Sprachstufen auch einem Muttersprachler nicht ohne weiteres verständlich sind. Mit solchen Übersetzungen haben wir zu tun, wenn wir unsere alten literarischen Schätze "modernisieren" wollen.

Similarly, writing and speaking share the common goal of communication. Consequently, some consideration of writing should shed light on oral communication, Chastain states that *"the many similarities between speaking and writing indicate that there is quite a bit of carry over from one skill to the other."*² True communication; in both cases, requires the students to encode messages which carry thoughts. Moreover for both the passive knowledge of structure and vocabulary is activated. Wilga. M. Rivers admits that *"The activity of writing helps to consolidate the learning to render it available for use in the area of speaking"*³ The more active vocabulary and structural command a learner possesses, the more efficiently he can communicate.

As far as listening is concerned, consider the difference between an ordinary person and a poet listening to the same poem. The former simply finds it pleasurable whereas for the latter it is accompanied with a sense of appreciation. In addition, for the poet there is the possibility of combining what he has heard with his previous knowledge to be creative. Such a creativity is possible through writing in the area of language learning.

In conclusion, the ultimate goal of a foreign language course is to lead the students to generate grammatically congruent sentences in the foreign language. This ability presupposes the previous assimilation of a finite set of complete sequences leading to writing rather than waiting until the next level to compose.

Treating the different skills in isolation as ends in themselves limits students to their language capacity rather than to their thought capacity. Teaching writing as a programmed process could be put into operation at a fairly low level. To do so, the exercises should be designed in a way to serve as points of departure

to force production. Paragraphing exercises may be used as a close analysis of the reading selections. Such a process reinforces the structural and lexical items taught as the listening, speaking and reading skills.

1. H. G. Widdowson, **Teaching Language as Communication** (Hongkong; Oxford Univ. Press, 1978), p. 111.

2. Harold B. Allen and Russel N. Campbell, **Teaching English a Second Language** (India; Mc. Graw Hill Publishing Company, 1972), p. 200.

1. H. G. Widdowson, **Teaching Language as Communication** (Hongkong; Oxford Univ. Press, 1978), p. 161.

2. Kenneth Chastain, **The Development of Modern Language Skill: Theory to Practice.** (Philadelphia, The Center for Curriculum Development, Inc., 1971), p. 221.

3. Wilga. M. Rivers, **Teaching Foreign Language Skills** (Chicago: The University of Chicago Press, 1981), p. 291.

BLBLOGRAPHY

Allen, B. Harold and Campbell N. Russel. 1972 **Teaching English as a Second Language.** India: Mc. Graw Hill Publishing company.

Chastain, Kenneth. 1971. **The development of modern Language skills: Theory to Practice.** Philadelphia: The Center for Curriculum Development, Inc.

Croft, Kenneth, 1979, **Readings on English as a Second Language.** Massachusetts: Winthrop Publishers, Inc.

Finacchiaro, Mary and Bonomo Michael, 1973. **The Foreign Language Learner.** New York: Regents Publishing Company. Inc.

Rivers, Wilga M. 1981. **Teaching Foreign Skills:** The University of Chicago Press.

Widdowson, H. G. 1978. **Teaching Language as Communication** Hongkong: Oxford Univ. Press.



The Other Round

مقاله زیر نوشته ای است با تأکید بر مهارت نوشتار در تدریس زبان انگلیسی. نویسنده معتقد است که تدریس زبان برای برقراری ارتباط، ترکیبی از همه مهارتها را طلب می کند. روند دخیل در نوشتار به دانشجویان کمک می کند که اندیشه را به عمل نزدیک کنند، یا به قولی روند یادگیری نوشتار عمدتاً کمکی است برای صریحتر اندیشیدن و به کارگیری آنچه به صورت گفتار آموخته ایم. نظراتان را به اصل مقاله که در زیر آمده است جلب می کنیم:

از: عباس علی بوخاقان

In spite of the attempts made recently to provide high school students with better texts of English, writing seems to be more or less neglected. There are; of course, certain exercises somehow related to writing but they do not go beyond mere manipulation of the grammatical structures presented. Their value; however, as steps toward writing as units of thought is highly questionable. Such a shortcoming has its roots in the traditional audio lingual approach considering writing as a skill to be taught last at advanced levels after the acquisition of given levels of language commands. New trends in language teaching putting emphasis on a communicative approach require the integration of the skills involved. It is believed that dis-integrated skills form closed systems which cannot be projected beyond what has been learned to form new combinations. This paper is an attempt to clarify the influence of writing on the development of other skills.

Generally speaking, the ability to think and interpret underlines all language use. Widowson believes that "all language activities are ul-

imately dependent on the underlying interpreting ability".¹ The mental processes involved in writing give the students practice in going from thought to language. As Allen and Campbell suggest "the process of learning to write is largely a process of learning to think more clearly."² Therefore, it seems that writing helps to solidify what a student has heard, said, and read to move toward true mastery of the concepts learned. Writing; in this regard, complements other language skills.

As far writing and reading are concerned, both are closely linked parts of one process, that is, effective writing conveys one's ideas to others whereas reading leads to the reception of ideas from others, An efficeint reader reads thought units and tries to find the main thoughts.

Widowson argues that "written work is a means of getting the learner to participate in the development of a general ability underlying reading."¹ Such an ability which makes students think and go back to reading improves their reading comprehension.

spiel, spieler: gossip(er), talk(er)
wunderkind: a child prodigy

It is believed that "hurah" is imported from the German as well. In addition to these fifty words numerous other German words became part of everyday vocabulary of the people in Britain during World War II which I did not include here. There are also the words "blitz", applied especially to Hitler's rapid conquest of France; "falk" (anti - aircraft guns); Luftwaffe, (Air force); panzer, (armed division); and Gestapo (secret police) which disappeared along with German might.

This is not all the borrowings American English did from other languages. The contribution of African slaves should also be appreciated. Words such as: gumbo, gober, buckra, jazz, juba, voodoo, okra, pogo, were africanisms, Dillard, J. L. 1975) Even some expressions in American English are word for word translation of West African Language: **Do your thing. Be with it.** In addition, languages as widely varied as Swedish, Chinese, Japanese, Farsi, Arabic have all made contributions to the American language.

To conclude this paper I should say that English speakers have increased from a small population of 50 million speakers in 1600 to about 900 million people at present, and statistics show that by 2350 the number will again increase to nearly one third of the present world population.

The disintegration of the USSR and her encountering a depreciation, America remains to be the dominant power in the whole globe. This means that American English will also dominate the countries America chooses to have relations with. This will also give American a better chance to follow the old tradition of picking up vocabulary from other languages.

Without question, we, as speakers of English as a second language, may never be perfect in picking up the American language. In other words, for a speaker of English as a second language some special vocabulary is likely to remain a mystery, even though his English may be otherwise "perfect". Only a person who has lived in the United States for a long time is expected to "be with" that language.

Suggestion for Further Study.

American pronunciation and grammar are also two important areas of the language which need to be elaborated on; things that could not be included in a paper this size.

Bibliography

1. Collins Dictionary of the English Language, Collins, London, 1988
2. Dillard, J.L. **Black English.** New York: Random House, 1975
3. Foster, Brian, **The Changing English Language.** N.Y.: St. Martin's Press, 1968
4. Krapp, G.P. **The English Language in America.** New York: Century, 1925
5. Labov, William, **Social Stratification of English in New York City,** Washington, D.C. Center for Applied Linguistics, 1965
6. Laird, Cariton, **Language in America,** New York: World Publishing Company, 1970
7. Markwardth, A.H., **American English.** New York: Oxford University Press, 1980
8. Mencken, H.L. **The American Language.** New York: Century, 1925
9. Ludovici, L.J. **Origins of Language.** New York: Putnam's sons, 1965.
10. Random House Dictionary (Unabridged), 1988
11. Spears, Richard A. **NRC's Dictionary of American Slang,** National Textbook Company, Illinois, 1990.



American English

These twenty seven words are used even more often than those borrowed from Spanish or Fench. A number of other terms with Dutch origin, such as **erve**, "small inheritance", **rolliche**, "meat roulade" are disappearing.

German Borrowings:

The following words, classified according to their respective domains, are of German origin:

Educational

diener: laboratory assistant

fastschrift: a volume of articles, essays, etc.

contributed by many authors in honor of a colleague

semester: an academic session from 15 to 18 weeks

seminar: any meeting of exchanging of information

Food and Drink

beersoup: soup with beer

blutwurst: a type of meat

bockbeer: a heavy dark beer

delicatessen: a store selling foods already prepared

dunk: to dip (a cake, doughnut, nut, etc.) into coffee

fossnocks: doghnuts

hamburger: ground or chopped beef

lager beer: a dry, light, carbonated beer

livewurst: a sausage made with a large percentage of liver

noodle: a narrow strip of unleavened egg dough that has been rolled thin and dry

ponhaus: scrapple

pretzel: a crisp, dry biscuit, usually in the form of a stick, salted on the outside.

pumpernickle: a coarse, slightly sour bread made of unbolted rye

sauerbrten: a pot roast of beef, marinated in a mixture of vinegar, sugar and sea soning

sauerkraut: cabbage cut fine, salted and allowed to ferment until sour

schnitzel: a veal cutlet

smear case: any soft cheese suitable for spreading, esp. cream cheese

stollen: a sweetened bread, usually containing nuts, raisins, and citron

sweitzercheese: a kind of cheese

thick milk; heavy milk

wienerwurst: type of meat

zwieback: a special egg bread

Social

Blischnickle: Santa Claus

beer garden: an outdoor tavern

bower: jack, knave

Miscellaneous

kris kringel: Santa Claus

pinochle: a card game

rathskeller: the cellar of a town hall. often used as a beer hall or restaurant, a restaurant

stein: a mug, usually earthenware

turner: a leader

turnverein: an athletic club, esp. of gymnasts, gymnastic club

bub: brother, boy, friend

bum: a tramp, a hobo

fresh: impudent, presumptuous

hausfrau: housewife

katzenjammer: hangover, distress

loafer: a lazy person

nix: a water spirit / seamonster (American slang) = nothing

ouch: an exclamation expressing sudden pain

phooey: an exclamation indicating rejection, contempt, or disgust

poker: a card game

cafeteria: a self - service restaurant
patio: a courtyard
plaza: a public square or space
pueblo: a stone ornamental house

Mining

bonanza: a rich mass of ore
placer: a superficial deposit of gold or the like

Legal and Penal

calaboose: jail
desperado: a reckless criminal
boosegow: a jail
incommunicado: (of a prisoner) deprived of communication with others
vigilante: a person who takes the law into his / her hands

New borrowings started after a long period of English aloofness from Spanish. Words like **Chicano**, possibly a casual - style pronunciation of **Mexicano** has been borrowed in very recent years to refer to the south wester U.S. Native is Mexican parentage. **Macho**, meaning "masculine" or "virile" was generally adopted in the 1970's and there is even a variant of hamburger called machoburger, machismo, the related abstract noun, is often used by the woman's liberation movement as an expression of the dominant quality of male chauvinist pig"

Apart from the words borrowed by Americans there are other borrowing done by the brithish English which preceded the American exloitation. Words like **tomato, barbecue, cannibal, savvanah chocolate, and sarsaparilla** are common in the British and American language.

Dutch Borrowings

the following words, classified according to

their respective domains, are of Dutch origin:

Food

cole slaw: a salad of chopped cabbage
cookie: a small cake
cruller: a light, sweet cake fried in deep fat, often having a ring - shaped form
pit: stone, seed
pot cheese: a cheese similar to cottage cheese
waffle: a thin batter cake baked in a heated appliance

Toponymics

bush: sparsely populated area
hook (or land): a curbed spit of land

Transportation

caboose: a car for the use of the crew
scow: a kind of boat
sleigh a sled: a pair of horses harnessed and driven together

Farm and Building

stoop: porch
saw buck: sawhorse

Social Classification

boss: foreman or manager
patroon: customer, client
Yankee: American, inhabitants of New York

Miscellaneous

dingus: a gadget
dope: any narcotic drug
dumb: stupid
logy: sluggish, lethargic
poppycock: nonsense
Santa Claus: Saint Nicholas
snoop: pry in a sly manner
spook: a ghost, spy

ing or unloading a vessel

temblor: earthquake

tornado: a violent whirlwind

vamoose: leave hurriedly or quickly

Ranch Life

bucharoo: a cowboy

chaparral: a kind of evergreen oak tree

cinch: a strong girth for securing a pack or saddle

corral: a pen for horses, cattle, etc.

hacienda: a landed estate used for farming

lariat: a long, nossed rope used to catch horses, cattle, etc.

lasso: a lariat

peon: a person who tends a horse or a mule

quirt: a riding whip

ranch: an establishment maintained for raising livestock

reata: a lariat

radeo: a public exhibition of cowboy skills

stampede: a sudden, frenzied rush or headlong flight of a herd or frightened animals

wrangle: quarrel

Plants and Animals

alfalfa: a papilionaceous plant

marijuana: a drug

mesquite: a tropical tree

yucca: any of several liliaceous plants

armadillo: a burrowing animal with peglike rootless teeth

branco: a wild pony or mustang

burro: a donkey used as a pack animal

barracuda: a tropical fish that attacks man

bonito: a food fish

cockroach: insect with oval flattened body and legs
are common household pets

coyote: prairie wolf

mustang: a small breed of horse often wild

palomino: a golden horse with a cream or white mane and tail

pinto: a horse marked with patches of white

winegaroom: a large whip scorpion

Colthing

chaps: a leather overalls without a seat worn by cowboys

poncho: a cloak made of a rectangular or circular piece of cloth with a hole in the middle to put the head through

serape: a blanket - like shawl often of brightly colored wool

sombrero: a felt or straw hat with a very wide brim

brimten - gallon - hat: a cowboy's broad brimmed felt hat with a very high crown

Food and Drink

chile con carne: a highly seasoned dish of meat, onion, beans and chilli

enchilada: a dish of a tortilla fried in a hot fat, filled with meat, and served with a chilli sauce

frijole: a variety of beans

jerk: to preserve meat by cutting it into small strips and drying in the sun

mescal: a colorless alcoholic spirit

pinion nuts: any of various pines, bearing large edible seeds

taco: tortilla folded into a roll with a filling, usually fried

tomale: a dish made of minced seasoned meat packet in corn meal dough

tequila: a strong licquor

tortilla: a round, flat unleavened bread made from corn meal

Building

adobe: a building constructed of sun dried bricks

dime: ten cents

mill: one thousandths of U.S. dollar

Miscellaneous

apache: a member of a gang of criminals

Indian brave: Indian warrior

cajun: Louisianian descended from French - speaking immigrants from Acadia

calumet: a highly ornamented ceremonial pipe of American Indians

canuck: a French Canadian

chambray: a light weight clothing Fabric with colored warp white filling yarns

charivari: a noisy mock serenade to a newly married couple

lacrosse: a goal game

legniappe: a small gift given to a customer by a merchant at the time of a purchase

parlay: to bet in a parlay

rotisserie: a restaurant specializing in broiled and barbecued meats

sashay: to move easily or non - chalantly

In 1902 Sylva Clapin listed as many as 102 French loan words in **New - dictionary of Americanism**.

Some French borrowings developed a variety of applications in different parts of the country, depending generally upon the topography and climate. For example the word **bayou** was a Choctaw word meaning river or creek. In Texas and the West the word means a deep inlet which offers a channel for the water in times of flood, but remains dry or nearly so at other seasons. Along the Mississippi it may be used for an abandoned river course.

Spanish Borrowings

Parts of the United States like Jamaica and Texas belonged first to Spain. This caused significant interaction with Spanish speakers from

the earliest days, and has continued up to the present time.

The following Spanish words still common in American English are classified according to the aspects of life and fields of activity they represent:

Toponymics

arroyo: a stream or brook

barranca: a ravine or precipice

canyon: a gorge or a ravine formed by the down - cutting of a river

key: a low island

mesa: a **flat table** land with **deep** edges

sierra: a range of mountains with jagged peaks

Race and Nationalities

Conch: a native or inhabitant of Florida keys

coon: raccoon

Creole: a person born in the West Indies but of Spanish origin

mulatto: the offspring of one white parent and one negro parent

octoroon: a person having one - eight Negro ancestry

pickaninny: Negro child

quadroon: a person who is one - fourth Negro and three - fourths white

Miscellaneous

amigo: friend

coquina: a soft, whitish rock

fiesta: any festival

filibustre: long speech

hombre: a card game played by three people

loco: place

marina: docking facility for yachts

mosey: to leave quickly, promptly

rumba: a dance

savvy: understanding, know

stevedore: a firm or individual engaged in load

American English

- hominy: whole or ground hulled corn
hooch: alcoholic liquor
pemmican: a small, pressed cake of shredded dried meat mixed with fat and dried fruit or berries
pone: a baked or fried bread made of corn meal
succotash: a cooked dish of kernels of corn mixed with shell beans
suppawn: meal pudding, Indian pudding

Amerindian Culture

- manitou: a spirit, a supernatural being that controls nature
pottlatch: a ceremonial festival
powwow: political conference, a friendly consultation
sachem: a great man
skookum: powerful

Indians were not the only group the colonists came into contact with. The new settlers soon contacted the French who streamed into the valley of St. Lawrence and the Mississippi, to either explore, trap the furs, or trade. This interaction, whether on the formal or informal basis, contributed greatly to the acquisition of several French words by new Americans. The following list is classified according to the areas the vocabulary are employed:

Plants and Animals

- caribou: a large deer
crappie: a fresh water fish
gopher: a burrowing rodent
pumpkin: a creeping plant and its fruit
praline: a confection of nut kernels
sazarac: a cocktail of bourbon

Foods

- brioche: a roll baked from light yeast dough rich with eggs and butter

- chowder: a thick soup or stew of sea food (as clams) usually made with milk, salt pork, onions, and potatoes or other vegetables
jambalaya: rice cooked with ham, sausage, chicken, shrimp, or oysters: and seasoned with herbs
(pie a la mode): pie served with icecream

Toponymics

- bayou: a minor river
butte: an isolated hill with steep sides
chute: a steep slope, a waterfall
coulee: a small stream
crevasse: a deep crevice
flume: a ravine or a gorge with a stream running through it
levee: an embankment to prevent flooding
prairie: a tract of grassland
rapid: a part of a river where the current is fast

Furniture and Building

- armoire: large and ornated cupboard, wardrobe, or clothespress
bureau: an office or agency
depot: a warehouse, a bus or railway station, military stores
shanty: a shed for storing timber

Exploration and Travel

- bateau: a flat - bottomed boat
cache: a secure place of storage, a hiding place
carry - all: a light covered carriage
pirogue: a boat like a canoe
portage: the carrying of boats or goods over land
toboggan: a long flat bottomed light sled
voyageur: traveler

Coinage

- cent: one hundredth of a dollar

petus toward which arises from the necessity of a new nation talking about new things, qualities, operations concepts, and ideas. Inevitably the movement of a people to a markedly different environment not only creates a problem of communication but makes it an urgent requirement. I don't think it is necessary to go into technical details of the classifications of the types of borrowings, but I consider it helpful to go through the lists containing the principal loan words in presentday American English from some other languages.

Indian Borrowings

As soon as Columbus and his men struck America, borrowing and lending words between the new comers and Indians started. The plan was successful, for in a short time Columbus's men understood the Indians and the Indians understood them. The List of American Indian borrowings contains about fifty words, but considering the compounds and idiomatic expressions the list exceeds that number. The borrowed words are classified according to the areas they are employed, (Marckwardt, 1980):

Trees, Plants, Fruits

catalpa: any bignoniaceous tree of the genus Catalpa

catawba: a red grape of the eastern U.S.

hickory: any of several North American juglanaceous trees of the genus Carya

pecan: a hickory tree indigenous to the lower Mississippi valley

persimmon: any of several trees of the genus Diospyros

poke: a tall herb having juicy purple berries and purple root used in medicine. Also pokeweed & pokeberry

scuppernong: a silvery amber green variety of

muscadine grape

sequoia: a large coniferous tree of California of the genus Sequoia

squash: the fruit of any of various vinelike plants of the genus Curcubita used as a vegetable

tamarack: an American larch

Animals

cayuse: an indian pony

chipmunk: a kind of American squirrel

moose: a large animal of the deer family

muskrat: a large aquatic North American rodent

opossum: a prehensile - tailed marsupial that feigns

death when in danger

raccoon: a small nocturnal omnivorous animal with a bushy ringed tail

skunk: a small, black mammal of the weasel family having a longitudinal, white V - shaped stripe on the back.

terrapien: an edible turtle found in fresh or brackish waters

woodchuck: a stocky, burrowing North American marmot, that hibernates in the winter, also called **round hog**

Fish

menhaden: a kind of fish of the genus Brevoortia

muskellunge: a large game fish

porgy: a sparid food fish

quahog: an edible clam

Political Terms

caucus: a meeting

mugwump: political independent

Tammany: a democratic - oriented person

Foods

American English

cement city a graveyard
 clam bake are baked, an informal party
 a picnic by the sea, at which clams, etc.
 clay bank a dull brownish orange color
 dude any person, a dandy, a city dweller
 droid a robot - like person
 dumbbell a fool, a stupid person
 dust v. to leave, to depart
 duster buttocks
 Dutch door stable door
 ear candy light music
 ends money, shoes
 eye - opener drink taken in the morning
 fat - cat a very rich person
 flathead a stupid person
 gargle factory pub.
 goof off to waste time, to idle
 get in the groove
 to become attuned to something
 jake a toilet
 jerk a stupid ignorant person
 joe coffee, a man
 John Doe a general term for a man
 joges/jeegee heroin
 kink a clever or unusual idea, a
 strange person
 knock it off! shut up! Be quiet!
 lady bear a policewoman
 loaded a drunk
 maggot cigarette
 maxed out exhausted, drunk, intoxicated
 mess a hopeless, stupid person
 nudge someone who nags
 number cruncher someone who works with
 figures, an accountant
 nut up to go crazy
 paparhanger counterfeiter
 roach a policeman
 school man
 a professional educator, a teacher

stick pin tie pin
 stick up robbery at gunpoint
 tad a small boy
 time - out break, rest time
 upgrade an upward slope, going upwards
 upsweep an upswept hairstyle
 uptown some part of town that is away
 from the center, in or from the
 expensive part of town
 vomity nasty
 visiting fireman an important visitor, a lavish
 spender
 wailing excellent
 wart an annoying person
 wipe a murder
 within the ace
 of something very close to doing something
 woof to boast, to chatter
 woofled drunk
 wrinkle a new idea
 wrong side poor side of town
 of the tracks
 x'd out eliminated, crossed out, killed
 ya you
 yap mouth
 yak it up to talk incessantly or a lot
 yakky talkative
 yenta a gossip
 yock to laugh loudly
 yo - yo / yoyo a fool, an obnoxious person,
 stupid, to vacillate
 za pizza
 Zelda a dull and ugly woman
 zerk a jerk
 zeek out to lose control of oneself
 zero an insignificant person
 zoom out to loose control
 zunked drug addicted

Another feature of American English is its being notorious as a word borrower, the im-

furniture store	furnishing store
newspaper clipping	newspaper cutting
That's tough!	Oh crumbs!
lousy slob	great impudent of
from the ground up	to the last detail
elevator / escalator	lift.
to have the jitters	to get iceberg down your
back	
It was nearly six	It was getting on for
o'clock.	6 o' clock.
What did he have	What had he got to
to do today?	do today?
It's five minutes	It's five minutes past
after 5.	five.

One important feature of American English is frequent use of slang. Slang expressions make up a major part of American communication in movies, television, radio, newspapers, magazines, and informal conversation. American slang may be vivid, grotesque, expressive, and vulgar. Ambrose Bierce, an American journalist, described slang as "the speech of him who robs the literacy garbage cans on their way to the dump." Other people have welcomed slang. The English essayist, Gilbert K. Chesterton, wrote, "All slang is a metaphor, and all metaphor is poetry." Carl Sandburg, the famous American poet called it "language that takes off its coat, spits on its hands, and goes to work."

American slang, whether vivid, like **lousy**, **sluggish**, **hairdo**, **skyscraper**, **coldfeet**, **ghost writer**, **hard-boiled**, **double cross**, **stuffed shirt**, **hay wire**, **ritzy**, **rubberneck**, **bootleg**, and **easy mark**, or grotesque like **bear cage** = police station, **asshole** = an obnoxious person, **big drink** = Atlantic Ocean; an ocean, **big drink of water** = a tall person, **butcher** = a surgeon; a physician, **John** = a toilet, **horse's ass** = an idiot, **pointy head** = an intellectual, **rabbit food** = salad greens, let-

tuce, **fart** = a stupid person, **fart sack** = a bed, a sleeping bag, or vulgar like **finger wave**, **bear** "an ugly woman", **hog** "police officer", **top dog** "the person in charge or in power", has been an important part of every day speech of Americans.

Slang words and phrases which may meet with disapproval in some communities, are quite acceptable to Americans. The word **keester** is a slang word which means "the buttocks; the anus, yet president Reagan used the word while talking to a group of newsmen and women in the White House: "I am fed up to the keester with these antinuclear protestors." This means that using slang terms in the U.S. adds to the zest and fun of conversation, whereas in other English speaking countries it might mark a person as ill-bred or unrefined.

Some slang words and expressions used in American English have no British equivalents. The following are a few examples (Spears, 1990):

beanery	a cheap restaurant
beans	nothing
bottle	a drunkard
bottleache	a hangover
bottomless pit	a very hungry person
box	a coffin
Boy howdy!	"Wow!"
boys in the backroom	politicians making decisions
brig	jail
candy ass	timid, coward
candy	sweets, chocolates, etc.
cats and dogs	undesirable merchandise
cheese	vomit, to empty one's stomach
cheesed off	angry
chick shit habit	a small drug habit
change the channel	talk on something else
comfort station	a pub.

by compounding, as in case of **withstand**, which in Old English was **wid - standen**. (Ludovici, 1945).

The invasion of the Normans, who entered France, and then England caused French to gain control and writing in English almost ceased.

Toward the end of the twelfth century a new kind of Latinized English was decreed by Edward III, the King of England, But this English was spoken differently in different parts of the country. That's why even today, we hear different kinds of dialects within England. Of course this Latinized, Frenchified English finally changed to a Native English.

During the 15th to 18th centuries and well into the nineteenth century, this English, which is called the British English, set out its worldwide colonizing ventures, and this caused the beginnings of the many "new" kinds of English, as well as American English.

Today, out of nearly 900 million speakers of English, close to 200 million people of them live in North America, the United states.

The peculiar use of language characteristics of any one person depends largely upon his peer relationships, particularly those that existed during the language acquiring and language forming years. Home environment, education, occupation, political, social, and religious institutions in which a person participates all share in determining which people one identifies with and therefore speaks most like. It's also quite natural for those who have the same environmental background to speak the same language, the same way they have the same modes of behavior, and that's why one would expect to find certain characteristic differences between the British and American English.

When, however, we consider certain terms

used by both nations, we realize that certain terms surely belong to one nation and not both. For instance., the words **spanner, gearbox, leat, lasher, or switchback** are British and even if Americans could understand such terms as **petrol, adjustments, bus caravan, or superannuation scheme**, they would not employ them. On the other hand, the words **monkey-wrench, transmission, rollercoaster, gasoline, leftovers, house trailer, and retirement plan** are American and are not understood by ordinary speakers of British English. And even if they are, they don't feel at ease using them in their everyday speech, (Marckwardt, 1980).

It's time to pay attention to the story I personally experienced in England.

Coming back from America I was at Hyde Park in London when a call of nature forced me to stop and ask if there were any restrooms around that place. You know what the answer was? "Sorry sir, we don't have restrooms here, but I can give you a chair to rest on, if you like." Imagine my using a chair as a restroom!

These two great divisions of English speaking people do not always understand each other without special effort. American forces stationed in England during World War II were provided with little booklets indicating some of the outstanding differences between British and American customs and language. Such novels and plays as **Main Street** and **Brother Rat** were originally supplied with glossaries for the British trade. Look at the following list of the British and American vocabulary extracted from the novel **The Oppermans**, translated first by an English man and then by an American:

American
subway

British
underground/tube

AMERICAN ENGLISH

By:

Dr. Ghassem Kabiry

University of Kashan

دکتر
گاسم کابیری
تألیف

Every society has language. Anthropologists have never found a group of people, no matter now remote from contact with others, that did not have language. All languages are used to communicate. English is also used for the same objective, communication. Depending on where one, as the speaker of English, lives, he has that kind of English as his tongue - British English, American English, Canadian English, Swiss English, Australian English, etc. There's little doubt that American English is the variety of English most often heard abroad and therefore most imitated by second language learners.

British English, admittedly, is the mother of all the other types. It is the mother tongue of peoples who far outnumber the English race as such. The Welsh, Irish, Scots, Australians, New Zealanders, South Africans, Inhabitants of the Caribbean, Canadians, and Americans. These all are English speakers, yet the British English has the story of its own:

Caesar visited Britain about 55 B.C. He found a Celtic people who spoke a tongue resembling Welsh. From about 3000 B.C. Britain had been inhabited by Iberians who used polished flint implement and practiced agriculture. Bronzwork was introduced by the "beaker folk" known as such because they were recognized by their handiwork. About 2000 B.C., waves of Celtic who used iron weapons entered the country. They traded with Europe and organized themselves into tribes. When Caesar arrived he found these Celtic tribes in the process of organizing themselves into kingdom. The Roman conquest of Britain territory began almost a hundred years later. The British people, specially the upper classes accepted Roman culture and the Latin tongue. The style of Latin "classics" was followed by great writers like Virgil and others. This way Latin words like **hymn, mass, candle, altar, Psalm** found their way into the English language, and many other words were constructed after the Latin fashion

Roshd رشد آموزش زبان

Foreign Language Teaching Journal

Editor

Akbar Mirhassani. Ph.D (TEFL)
Tarbiat Modarres University

- Hossein Vossoughi Ph.D(Linguistics)
Teacher Training University

Executive Director

Shahla Zarei Neyestanak
Organization of Research & Educational
Planning Ministry of Education, Iran

- Parviz Maftoon Ph.D (TEFL)
Iran University of Science and Technology

- Jaleh Kahnamoii Ph.D(French Literature)
Tehren University

Editorial Board

- Parviz Birjandi, Ph.D. (TEFL)
Allem-e- Tabatabai University

- Mahmood Haddadi M.A. (German Literature)
Shahid Beheshti University

- Ali Miremadi Ph.D (Linguistics)
Allam-e- Tabatabai University

Advisory Panel

- A. Rezai. Ph.D (English Literature)
Tabriz University

- Ghassem Kabiri, Ph.D (Education)
Kashan University

- J. Sokhanvar. Ph.D (English Literature)
Shahid Beheshti University

Roshd Foreign Language Teaching Journal (FLTJ) is published three times a year under the auspices of the Organization of Research & Educational Planning, Ministry of Education, Iran.

Contribution to Roshd FLTJ:

The Editorial Board welcomes previously unpublished articles on foreign language teaching/ learning, particularly those based upon experiences gained from and / or researches done at Iranian schools.

Manuscripts:

If you intend to submit an article for publication, please send three type-written copies of your manuscript together with three copies of its abstract to:

P.O.Box 1587
English Language Department
Iranshahr Shomali
Building No. 4

A manuscript in Farsi is to be accompanied with an English abstract, and if in English, French or German with a Farsi abstract.

The opinions expressed in Roshd FLTJ are the contributors' and not necessarily those of the Ministry of Education or the Editorial Board.